

شماره ۱۹۵

فصل نامه مجاهدین علمای اهل بیت علیهم السلام



مجاهدین خلق ایران
حلول سال جدید و فرارسیدن
نوروز باستانی را به همه هموطنان عزیز
تبریک می گویند

سال پنجم - پنجشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۲ - تک شماره ۵۰۰ (اربال) (خارج از کشور معادل یک دلار)



سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر می کند:

نام آدرس برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان و شکنجه گاه از مجموعه
زندانیان و شکنجه گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش
* اسامی ۵۷۲ تن دیگر از شکنجه گران و دژ خیمان رژیم خمینی

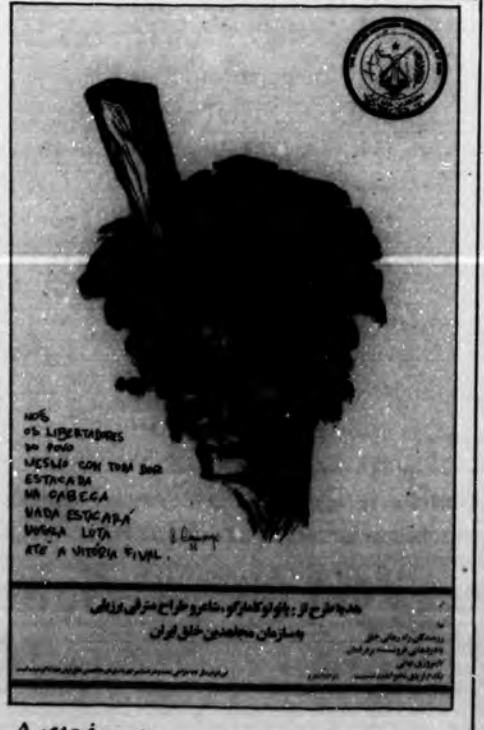
در صفحات ۱۱ تا ۲۷

نامه مسئول شورای ملی مقاومت
به رئیس چهارمین اجلاس
"کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"
در صفحه ۲
* * *
گزارشی از چهارمین اجلاس
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
در رابطه با
نقض شدید حقوق بشر در ایران
* اتحادیه ای انجمن های دانشجویان مسلمان و نماینده ی شورای
ملی مقاومت در سوئیس اقدامات گسترده ای را برای طرح و محکوم کردن
نقض حقوق بشر در ایران در اجلاس فوق الذکر عمل آوردند کنگره ای از این
اقدامات در گزارشات دبیرکل و قطعنامه ی کمیسیون و ... منعکس گردید.
در صفحه ۸

"سیستم"
توزیع کالا
در رژیم خمینی
(قسمت آخر)
در صفحه ۶
تظاهرات
ضد جنگ و شعار
"مرگ بر خمینی"
در باختران
(کرمانشاه)
در صفحه ۲

برادر مجاهد مسعود رجوی
به دبیرکل ملل متحد
نیویورک - دبیرکل ملل متحد، آقای پرزدو کونلار،
محترماً - از سوی مقاومت عادلانه و مشروع ملت ایران که بر
حسب حقوق برسمیت شناخته شده ی همه ی ملل در منشور
ملل متحد، برای صلح و آزادی مبارزه می کند؛ از صدور بیانیه ی
صریح شما مبنی بر نقض حقوق بشر در میهن غرقه در خون و
اختناق خود، بدینوسیله سپاسگزاری نموده و با تقدیر از درخواست
شما برای مشاهده ی وضعیت زندانها و شکنجه گاههای رژیم خمینی
توسط نمایندگان ملل متحد، همین امروز اسامی و آدرسها و تعداد
تقریبی زندانیان ۳۳۳ زندان رسمی و غیررسمی ایران و همچنین
اسامی ۱۱۸۵ تن از شکنجه گران این رژیم را که مجاهدین خلق
در داخل کشور گردآوری نموده اند، برایتان ارسال می کنم.
افزافه می نمایم که تعداد کل زندانهای رسمی و غیررسمی رژیم
خمینی در ایران، متجاوز از ۵۰۰ زندان می باشد که آدرس و
مشخصات بقیه ی آنها نیز در دست تهیه است.
همچنین، چنانچه تقاضای جنابعالی مورد قبول رژیم خمینی
واقع شود، به منظور تسهیل تحقیقات نمایندگان اعزامی و برای
مانعت از گتمان حقایق توسط رژیم خمینی، بنام مقاومت و شهدا
و اسیران و شکنجه شدگان و خانواده های داغدار، از شما درخواست
می کنم:
اولاً - نمایندگانی را که اینجانب منجمله از میان برخی
زندانیان و شکنجه شدگانی که اخیراً موفق به فرار شده اند، معرفی
خواهم نمود، با هیئت های اعزامی همراه کنید.
ثانیاً - مقرر نمائید هیئت های سیار با تاریخ های از پیش
اعلام شده و در روزهای معین، در شهرهای مختلف ایران به
دریافت شکایات و گفتگو با شاهدان عینی که تقاضای دیدار با
هیئت های اعزامی شما را دارند، بپردازند.
باتشکر
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی
۱۸/اسفند/۱۳۶۲
۸/مارس/۱۹۸۴

در صفحات دیگر:
* ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت
نفت ایران
در صفحه ۳
* در معبد بهار!
سرودهای از: اسما عیل وفا - یغمائی
در صفحه ۴
* اخبار کوتاه
اطلاعیه های نظامی مجاهدین خلق
ایران - مرکز کردستان
در صفحه ۳۲



پاسخ به نامه های رسیده
در صفحه ۳۴

در صفحه ۵

نامهٔ مسئول شورای ملی مقاومت

به رئیس چهلمین اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد"

در تاریخ ۱۳ بهمن ماه سال جاری و در آستانه‌ی تشکیل چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در ایران نامه‌ای خطاب به رئیس این کمیسیون فرستاد. متن این نامه که نسخه‌های آن همزمان با آغاز کار این اجلاس به سه زبان انگلیسی، فرانسه و اسپانیولی در بین همهی نمایندگان کشورهای مختلف شرکت‌کننده توزیع شد، ذیلاً از نظر آن می‌گذرد:

ژنو - رئیس چهلمین اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" آقای رئیس؛
محترماً - با آرزوی موفقیت برای چهلمین اجلاس "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" خود را موظف می‌دانم که توجه جنابعالی و یکایک اعضای کمیسیون را به ادامه و گسترش نقض شدید حقوق بشر در ایران جلب نمایم.

قبل از هر چیز خاطرنشان می‌کنم که تاکنون کلیه تقاضاهای توصیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با نقض حقوق بشر، از سوی رژیم حاکم بر ایران کمترین تأثیری بر رفتار و برخورد این رژیم نداشته است و نیز تا بحال هیچیک از سازمان‌های فوق‌الذکر اجازه‌ی ورود به ایران را نیافته‌اند.

این بی‌توجهی‌ها در درجه‌ی اول شامل حال قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر، منجمله قطعنامه‌های مصوب ۱۱/مارس/۱۹۸۲ و ۱۹۸۳/۸/مارس/۱۹۸۲ می‌شود. همانطور که می‌دانید در قطعنامه‌ی دوم، این کمیسیون ضمن ابراز "اضطراب عمیق خود نسبت به ادامه‌ی نقض شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی" در ایران، یکبار دیگر از رژیم خمینی خواست که به این حقوق احترام بگذارد. همچنین می‌توان به بی‌اعتنائی عمیق رژیم خمینی به قطعنامه‌های مصوب کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و بویژه قطعنامه‌های مصوب ۹/سپتامبر/۱۹۸۱، ۸/سپتامبر/۱۹۸۲ و ۵/سپتامبر/۱۹۸۳ اشاره کرد. درهمی این قطعنامه‌ها بنام احترام به "مشور ملل متحد"، قطعنامه‌های مجمع عمومی و میثاق‌های بین‌المللی - و بویژه "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی

و سیاسی" و "میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" که رژیم خمینی نیز بدان ملتزم است - از رژیم خمینی تقاضا شده که از اعمال آزار و تبعیض مذهبی خودداری نماید؛ به حقوق کودکان احترام گذاشته و آنان را به جبهه‌های جنگ اعزام نکند؛ به رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده با افراد خاتمه بخشد و به انواع شکنجه‌ها و اعدام‌های فوری پایان دهد و...
اما درورای وعده‌ی ریاکارانه‌ی پذیرفتن نمایندگان دبیر کل ملل متحد (البته وعده‌ای که به فوریت پس گرفته شد) این سفارشات چه تأثیری بر طرز کار رژیم ایران و در رابطه با احترام آن رژیم به حقوق بشر داشته‌اند؟ آقای رئیس؛

در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در کشورم توجه شما و اعضای کمیسیون را به گزارشات و مدارک زیر جلب می‌نمایم:
۱ - طبق گفته‌ی شهود عینی در سال گذشته انواع شکنجه‌ها در ابعاد بسیار گسترده و وحشتناکی در زندان‌های ایران مستمراً رواج داشته است. کسانی که توانسته‌اند از زندان‌های رژیم خمینی جان سالم بدربرند، عموماً دچار عوارض شدید جسمی و روحی ناشی از شکنجه‌ها می‌باشند. اضافه می‌کنم که این قربانیان وحشیگری‌های رژیم برای ادای شهادت در مقابل کمیسیون و یا به نمایندگان آن و یا در برابر مرجع بین‌المللی دیگر آمادگی کامل دارند.

۲ - موج اعدام‌های فوری همچنان در ایران ادامه دارد. اعدام‌هایی که از نظر رژیم خمینی احتیاجی به دادگاه ندارند و هیچ متهمی نیز از حق و امکان داشتن وکیل مدافع برخوردار نیست. در بسیاری موارد چندین نفر از اعضای یک خانواده به جوخه‌های آتش سپرده شده‌اند. در این مورد کافی است یادآوری شود که ظرف مدتی کمتر از دو سال که از تصویب قطعنامه‌ی شماره‌ی ۲۷ مورخ ۱۱/مارس/۱۹۸۲ توسط کمیسیون می‌گذرد، رقم اعدام‌های خودسرانه از ۱۵/۰۰۰ به بیش از ۳۰/۰۰۰ و تعداد زندانیان سیاسی از ۲۰/۰۰۰ به بیش از ۱۰۰/۰۰۰ بالغ شده است. در این رابطه سازمان مجاهدین خلق ایران سال گذشته اسامی و مشخصات ۷۷۵۰ تن از اعدام‌شدگان را منتشر نمود که نسخه‌ای از آن به ضمیمه ارسال می‌شود. در میان اسامی منتشره در این لیست ۴۰۷۵ تن کسانی هستند که اعدامشان رسماً اعلام شده و بقیه مخفیانه اعدام شده‌اند. همچنین به انضمام این نامه اسامی ۴۵ تن از کسانی که در ماه‌های ژوئیه و اوت ۱۹۸۳ اعدام شده‌اند را نیز ارسال می‌دارم.

بی‌مناسبت نیست که در اینجا به گزارش دکتر اندروویچ پزشک انگلیسی که همراه یک هیئت پزشکی، سال گذشته به ایران مسافرت کرده بود، اشاره کنم. این هیئت که برای شرکت در یک کنفرانس پزشکی به تهران رفته بود، در اثر پافشاری زیاد توانست از قسمت محدودی از زندان اوین بازدید کوتاهی بعمل آورد. دکتر اندروویچ در قسمتی از گزارش خود از این بازدید می‌نویسد: "به گفته‌ی زندانیان تنها در یک شب ۴۹۰ زندانی اعدام شده‌اند." (روزنامه‌ی گاردین - ۲/دسامبر/۱۹۸۳) او تعداد زیادی کودک را در زندان اوین دیده بود، از جمله ۱۱ کودک خردسال را که کوچکترین آنها ۱۱ ماه داشت.

۴ - طی سال اخیر رژیم خمینی حمله و گشتار در کردستان ایران را نیز افزایش داده است. در مواردی عوامل رژیم اهالی روستاها را قتل‌عام نموده‌اند. همچنین در بسیاری موارد نیروهای رژیم برخی از روستاهای گردنشین را برای

ساعت‌ها و حتی روزهای متوالی با خمپاره، توپ، کاتیوشا و انواع سلاح‌های سنگین شدت مورد حمله قرار داده بودند، بشکلی که از روستا جز ویرانه‌ای باقی نمانده و اهالی آن یا کشته و یا آواره‌ی گوهها شده‌اند. اسامی حدود ۱۰۰ نفر از مردم بیگناه کردستان که در چنین تهاجمات‌ی به قتل رسیده‌اند، ضمیمه است. در بین این افراد از کودک ۴ ساله تا پیرمرد ۹۵ ساله دیده می‌شود.

۵ - برطبق آخرین آمار و گزارشات رسیده از ایران، هم‌اکنون بیش از ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی در ۵۰۰ زندان رسمی و غیررسمی ایران بسر می‌برند. این زندانیان بطور مستمر تحت آزار و شکنجه‌ی جسمی و روحی قرار دارند و از نظر وضعیت غذا، جا، دارو و سایر امکانات حداقل زندگی، بشدت در مضیقه هستند. بسیاری از آنان

از امراض مختلف ناشی از شکنجه، گرسنگی، سوء تغذیه و... رنج می‌برند و در وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای می‌باشند. ۶ - طی سال گذشته سایر موارد نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه داشته است. از آن جمله: اعزام اجباری دانش‌آموزان و کودکان حتی ۱۲ ساله به جبهه‌های جنگ، تبعیض و فشار بیش از پیش بر روی زنان، حجاب اجباری، دستگیری و وارد آوردن بدترین اتهامات به زنان، بدلیل نحوه‌ی لباس پوشیدن را می‌توان ذکر کرد. در رابطه با هر یک از موارد بالا علاوه بر اسناد و گزارشات ضمیمه، دهها و صدها نمونه، سند، مدرک و گزارش وجود دارد که برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر آنها خودداری می‌کنم. بی‌شک مطالب فوق و مدارک ضمیمه برای اثبات نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی در ایران کافی است و امیدوارم باعث اقدامات عملی‌تر و موثرتری از جانب کمیسیون گردد.

با تشکر قبلی
مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۱۳/بهمن/۱۳۶۲
۲/فوریه/۱۹۸۴

تظاهرات ضد جنگ

وشعار "مرگ بر خمینی" در باختران (کرمانشاه)

مردم خشمگین بر علیه تعدادی از نمایندگان ضد خلقی خمینی که برای شرکت در مراسم به باختران رفته بودند اعتراض کرده و شعار دادند!

هفته‌ی گذشته تشییع جنازه‌ی دهها تن از قربانیان جنگ‌افروزی‌های خمینی در باختران به تظاهراتی خشم‌آلود بر علیه رژیم ضد بشری خمینی تبدیل گردید. مردم خشمگین، بر علیه جنگ‌طلبی‌های ویران‌کننده‌ی رژیم که هزاران خانواده را غرق اندوه و ماتم نموده شعار می‌دادند و آشکارا شعار "مرگ بر خمینی" را بر زبان می‌راندند. در همین روز تعدادی از اعضای مجلس ضد خلقی که به روال عوام‌فریبی‌های متداول رژیم جهت شرکت در مراسم تشییع به باختران رفته بودند، با فریادهای اعتراض‌آمیز و شعارهای مردم روبرو شدند. بلافاصله مزدوران رژیم به منظور جلوگیری از پیامدهای خطرناک‌تر، مداخله کرده و ۳۸ نفر از مردم عزادار شهر را دستگیر نمودند. همچنین در همان روز پسر جنایتکار اشرافی اصفهانی معدوم نیز که جهت بازدید از مجروحین جنگ به بیمارستان رفته بود، با خشم و اعتراض مجروحین و خانواده‌های آنان روبرو گردید. لازم به توضیح است که در همین رابطه رژیم شیاد خمینی، فیلمی ساختگی بعنوان مراسم باختران نشان داد که در آن، مزدورانش شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می‌دادند که بهیچ وجه ربطی به جریان اخیر باختران نداشت و همین مسئله بنوبه‌ی خود بر خشم و نفرت مردم داغدار باختران، از دروغ‌بافی‌ها و حیل‌گری‌های رژیم افزوده است.

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

۲۹ اسفند سالروز ملی شدن

صنعت نفت ایران

در آخرین روزهای اسفندماه سال ۱۳۲۹، تلاش‌های پیگیر و وقفه‌ناپذیر پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و یارانش در جهت "ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور" به ثمر رسید و لایحه قانونی کمیسیون نفت در این باره از تصویب مجلسین گذشت. پیروزی عظیم مردم ما در ملی کردن صنعت نفت و خلع ید از غارتگران اجنبی نه تنها در میهن ما، بلکه در سراسر منطقه، موجی از شور و حرکت آفرید و بمتابه‌ی الگو و مشعلی روشن و فروزان فرا راه خلق‌های منطقه قرار گرفت.

دکتر محمد مصدق و یارانش در مجلس پانزدهم در برابر قرارداد خائنانه‌ی "گس-گلشائیان" که در واقع قراردادی برای بازگذاشتن دست غارتگران نفتی به منظور سالها چپاول و تاراج این ثروت ملی بود، به مخالفت برخاستند و علی‌رغم همه‌ی توطئه‌ها و فشارها، مانع از تصویب آن در مجلس شدند. طی مدتی که بحث پیرامون قرارداد فوق در مجلس جریان داشت و نیز طی فاصله‌ی پایان مجلس پانزدهم و آغاز مجلس شانزدهم، با افشاکاری‌های وسیع نمایندگان اقلیت، مردم بیش از پیش به ماهیت قرارداد خائنانه و استعماری "گس-گلشائیان" پی بردند و در همین زمان در جریان تظاهرات متعدد، مردم بر علیه شرکت غارتگر نفت ایران وانگلیس، برای اولین بار شعار "ملی شدن صنعت نفت" مطرح گردید.

روز چهارم آذر ۱۳۲۹ دکتر مصدق و سایر نمایندگان ملی در مجلس، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را به کمیسیون نفت مجلس ارائه کردند؛ این پیشنهاد اگرچه آن موقع تحت فشارهای ارتجاعی و استعماری مورد قبول واقع نشد، اما شور و حرکت عظیمی در میان مردم بوجود آورد و خشم و نفرت آنان را بر علیه سالها غارتگری و چپاول این سرمایه‌ی عظیم ملی سمت و سواد.

حمایت از شعار ملی شدن صنعت نفت در واقع تبلور عینی و مادی مبارزه‌ی خلق بر علیه دشمن اصلی-امپریالیسم کهنه‌کار انگلیس- بود و لذا منجر به وحدت و یگانگی هرچه بیشتر

صفوف مردم گردید و انرژی عظیمی را در جهت پیشبرد این مبارزه‌ی ملی آزاد کرد. رهبری هوشیارانه‌ی دکتر محمد مصدق نیز این شور و استقبال را به سیل خروشان‌ی بدل ساخت که دیگر کسی را یارای ایستادگی در برابر آن نبود؛ بطوریکه برغم همه‌ی توطئه‌ها و دسیسه‌ها، سرانجام در روز ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹، لایحه قانونی کمیسیون نفت، مبنی بر ملی کردن صنعت نفت ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید و خلق ما کام عظیمی در جهت احقاق حقوق غصب‌شده‌ی خویش برداشت.

این پیروزی تاریخی اگرچه بدلیل ضعف‌ها و کمبودهای اساسی نهضت ملی و نیز توطئه‌ها و دسیسه‌های مکرر امپریالیسم و نوکران جیره‌خوارش - و در رأس همه دربار - نتوانست به فرازهای بالاتری نائل گردد و سرانجام بدنبال کودتای ننگین ۲۸ مرداد - که بر زمینه‌ی مساعدی از خیانت‌ها و کارشکنی‌ها و نامردمی‌های عناصر مرتجع‌ی همچون کاشانی خائن و حزب خیانت‌پیشه‌ی توده (جریان توده - نفتی) صورت گرفت - حکومت ملی دکتر مصدق ساقط گردید و با روی کار آمدن دولت کودتا، مجدداً زمینه‌ی حاکمیت نوکران امپریالیسم و چپاول سرمایه‌ها و ثروت‌های عظیم ملی فراهم شد، اما همواره در تاریخ میهنمان روز ۲۹ اسفند بعنوان روزی پیروز و فراموش نشدنی به ثبت رسید.

از این رو بزرگداشت این روز تاریخی وظیفه‌ای ملی برای تمامی فرزندان مجاهد و انقلابی این میهن است؛ همانها که با پندآموزی از تجارب پربار نهضت ملی و در ادامه‌ی راهی که سرداران و راهبران بزرگی همچون ستارخان و مصدق و میرزا کوچک‌خان و... گشودند، اینک سلاح بر دوش و جان برکف به نبردی بی‌امان با خمینی جلاد - خلف شاه خائن و دست‌پرورده‌ی کاشانی مرتجع و خیانتکار - مشغولند و میروند تا در پرتو آگاهی انقلابی و با اتکاء به آتش سلاح و فداکاری‌ها و جانبازی‌های بیدریغ خود، آزادی و استقلال را به این میهن خونبار بازگردانند.

• • •

بهاران خجسته باد

از مبارز شهید کرامت‌الله دانشیان

هوا دلپذیر شد گل از خاک بردمید
پرستو به بازگشت زد نغمه‌ی امید
به جوش آمده‌ست خون درون رگ گیاه
بهار خجسته کار، فراوان رسد ز راه
به خویشان به دوستان به یاران آشنا
به مردان تیز خشم که پیگار می‌کنند
به آنان که با قلم تباهی و درد را به چشم جهانیان پدیدار می‌کنند

بهاران خجسته باد بهاران خجسته باد
بر این بند بندگی بر این بار فقر و جهل به سرتاسر جهان
به هر صورتی که هست

نگون و گسسته باد نگون و گسسته باد
به خویشان به دوستان به یاران آشنا
به مردان تیز خشم که پیگار می‌کنند
به آنان که با قلم تباهی و درد را به چشم جهانیان پدیدار می‌کنند
بهاران خجسته باد بهاران خجسته باد

در معبد بهار!

سروده‌ای از: اسماعیل وفا - یغمانی

ای بهار - ای بهار
همچو همیشه در تمامی اجاق‌ها شکسته‌ایم
سوختیم سوختیم
سوختیم شعله‌وار!
سوختیم سوختیم
سوختیم شعله‌وار!
ای بهار - ای بهار
گوش دار!
گز میان سبزه‌های بیشه‌زار
از فراز سنگ‌ها و صخره‌ها و قلعه‌ها
و ژرفنای دره‌های گوه‌سار!
از میان دشت‌ها شهرها
خانه‌ها و کارخانه‌ها و گشتزار
از میان بیشمار حبس‌ها - شکنجه‌گاهها
(در نهبان یا که آشکار!)
می‌رسد سرود!
می‌رسد سلام!
می‌رسد درود!
می‌رسد پیام!
- ای بهار
ای بهار
ای بهار
بیقرار بیقرار
بیقرار بیقرار
ماه‌هاست ماه‌هاست
سال‌هاست سال‌هاست
قرن‌هاست قرن‌هاست
چشم بسته‌ایم بر رخت به انتظار
چشم بسته‌ایم بر رخت به انتظار
به انتظار
ای
بهار!
هر گران به سردی و سیاهی شبان
کی بلند می‌شود ز راه تو غبار!
- ای بهار
ما به مقدم تو
تا سفرگنی به سرزمین ما
یک‌زمان مگر زپا نشست‌ایم؟
هر گران به سردی و سیاهی شبان

اخبار کوتاه

اعدام مخفیانه گروه دیگری از اسرا

دراوین، نیشابور و تنکابن

موج اعدام‌های مخفیانه در زندان‌های کشور همچنان ادامه دارد:

* در تاریخ ۲۰ بهمن ماه گذشته، تعداد دیگری از اسرای مجاهد و مبارز در زندان اوین به جوخه تیرباران سپرده شده و به شهادت رسیده‌اند. لازم به تذکر است که برخی از شهدای فوق، قبلاً در بیدادگاه‌های رژیم به زندان محکوم شده بودند؛ منجمله یکی از هواداران مجاهدین بنام صادق آرمطوسی در سال ۶۱ دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود. جلادان رژیم اجساد هیچیک از اعدام‌شدگان را به خانواده‌هایشان تحویل نداده‌اند و صرفاً آنها را از خبر اعدام و محل دفن فرزندانشان مطلع نموده‌اند. کلیه شهدای فوق در قطعه‌ی ۱۱۰ بهشت زهرا دفن شده‌اند.

* در آذرماه گذشته دژخیمان رژیم در زندان نیشابور، یکی از خواهران هوادار سازمان بنام پری (پروین) نوری را در زیر شکنجه به شهادت رسانده‌اند. مزدوران رژیم اینبار نیز ادعا کرده‌اند که این خواهر مجاهد بوسیله‌ی برق دست به "خودکشی" زده است. اما آثار زخم‌های عمیق شکنجه‌هایی که بر بدن این شهید مجاهد وجود داشته، چنان روشن و بارز بوده است که علیرغم تلاش‌های سپاه ضدخلقی برای موجه جلوه‌دادن مرگ این خواهر مجاهد، پزشک قانونی نیز حاضر نشده است جواز دفن وی را با عنوان "خودکشی" صادر نماید. لازم به تذکر است که مجاهد شهید پری نوری از تاریخ ۳۰ خرداد/۶۰ در اسارت مزدوران رژیم بسر می‌برده است.

* در تاریخ ۳۰ دی/ماه ۶۲ یکی از هواداران مجاهدین در تنکابن بنام محسن دارش در مقر سپاه ضدخلقی این شهرستان تیرباران شده است. وی ۲۹ ساله و معلم زبان انگلیسی بوده است.

پرتاب نارنجک

در تاریخ ۱۵ اسفندماه جاری، رزمندگان یک هسته‌ی مقاومت، یکی از عناصر وابسته به کمیته‌ی منطقه‌ی ۹ تهران بنام "پاسری" را که به جاسوسی و خیرچینی و اعمال اختناق مشغول بود، در محل کارش (واقع در تقاطع خیابان‌های "کارگر-جمهوری" تهران) مورد تهاجم قرار میدهند. مطابق اخبار رسیده جاسوس نامبرده، در اثر اصابت ترکش نارنجک بشدت زخمی شده و روانه‌ی بیمارستان گردیده است.

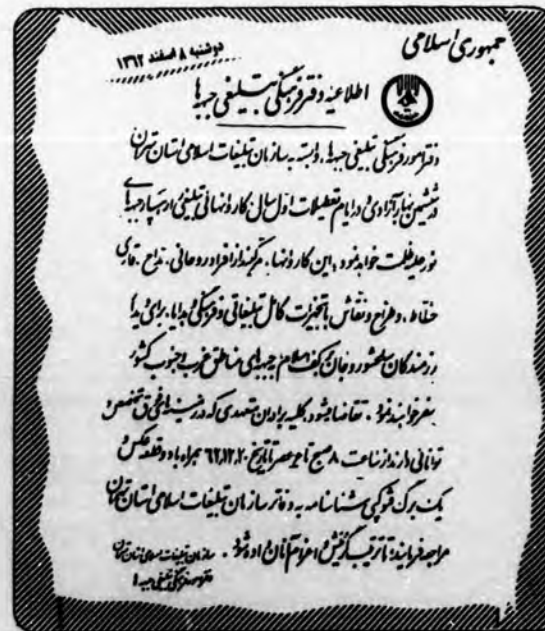
در زندان‌های خمینی

* بنا به گزارشات رسیده اکثریت قریب به اتفاق اسرای مجاهد و مبارزی که در زندان‌های ماهشهر و بهبهان بسر می‌برند، بعلت شکنجه‌های وحشیانه و شرایط سخت زندان، همچنین بعلت فقدان امکانات بهداشتی و درمانی، به بیماری‌های مختلفی از قبیل صرع، خونریزی معده، کلیه درد، استخوان درد و بیماری‌های پوستی و... مبتلا شده‌اند. وضعیت برخی از این بیماران بقدری وخیم است که مزدوران رژیم در برخی موارد مجبور شده‌اند تا آنها را به بیمارستان جندی‌شاپور (اهواز) منتقل نمایند؛ اما علیرغم تشخیص و تاکید پزشکان مبنی بر بستری شدن اینگونه افراد، مزدوران جنایتکار رژیم آنان را پس از یک معاینه‌ی سرپائی، مجدداً به زندان باز می‌گردانند.

* در تاریخ ۲۵ دیماه گذشته، دژخیمان رژیم خمینی در زندان قزل‌حصار کرج، زنان زندانی واحد ۳ بند ۸ این زندان را، بخاطر خودداری آنها از امضای توبه‌نامه و مقاومت در برابر مزدوران رژیم، مورد ضرب و شتم قرار داده و تعداد زیادی از آنها را به سلول‌های انفرادی یا به دیگر زندان‌ها منتقل نموده‌اند.

روحیه رزمندگان !!

* اخیراً گردانندگان حوزه‌ی علمیه مجدداً از آخوندها خواسته‌اند تا برای "تقویت روحیه‌ی رزمندگان" در ایام عید به جبهه‌ها بروند. به کلیشه‌ی زیر در رابطه با تشکیل "دفتر فرهنگی تبلیغی جبهه‌ها" و دعوت از آخوندها و مذاحین... برای رفتن به جبهه‌ها توجه کنید:



ممنوعیت خروج نوجوانان از کشور

رزمجو رئیس اداره‌ی وظیفه‌ی عمومی ژاندارمری رژیم خمینی: "طبق بخشنامه‌ی نخست‌وزیری به اداره‌ی گذرنامه، از روز پنجشنبه ۱۱ اسفند/۶۲، متولدین ذکور سالهای ۱۳۴۵، ۳۶ و ۴۷ برای خروج از کشور، شرایط مشمولین وظیفه‌ی عمومی را خواهند داشت."

(کیهان - ۱۴ اسفند/۶۲)
بر اساس یک گزارش کاملاً موثق روز دوشنبه ۱۵ اسفندماه جاری، هنگامیکه یک هواپیمای "ایران ایر" آمادگی پرواز (به مقصد خارج) بوده است، عده‌ای از پاسداران مزدور رژیم وارد هواپیما شده و کلیه‌ی جوانان ۱۶ تا ۲۰ ساله را از هواپیما پیاده کرده و با خود برده‌اند.

اینهم یک قلم از واردات خمینی

"در پی اوجگیری اخیر درگیری‌ها، صادرات کفن به ایران به میزان قابل توجهی افزایش یافته است؛ یک کارخانه‌ی نساجی در "ازمیر" (ترکیه) تمام تولید خود را به این سفارش (ایران) اختصاص میدهد... گروه نساجی ملی "سومر بانک" بر طبق قراردادی که سال گذشته بسته شده یک میلیون متر پارچه (به ایران) ارسال داشته است و برطبق همین قرارداد قرار است ۴ میلیون متر پارچه‌ی دیگر را تا پایان سال (به ایران) ارسال کند. مسئولین ایرانی احتمالاً با شرکت مذکور تماس گرفته‌اند تا سفارش جدیدی بدهند."
(روزنامه‌ی فرانسوی لیبراسیون ۸ مارس/۸۴ - ۱۸ اسفند/۶۲)

قیمت سرسام آور برخی از کالاها در بازار

نام کالا	میزان	قیمت به تومان
برنج	۱ کیلو	۱۰۰
لوبیا	۱ کیلو	۵۰
نخود	۱ کیلو	۴۰
قند	۱ کیلو	۲۵
چای	۱ کیلو	۵۰۰
زردچوبه	۱ کیلو	۳۰۰
پنیر	۱ کیلو	۷۵
مرغ	۱ کیلو	۷۰
گوشت گوسفند	۱ کیلو	۱۲۰
ماهی سفید	۱ کیلو	۶۰۰
روغن نباتی	۱ کیلو	۱۳۰
روغن مازولا	یک گالن	۱۴۰۰
زعفران	یک مثقال	۱۰۰
پیکان مدل ۶۲	یک دستگاه	۳۲۰/۰۰۰
لاستیک پیکان	یک حلقه	۲۵۰۰

این قیمت‌های سرسام آور در شرایطی است که حقوق متوسط روزانه‌ی کارگران چیزی در حدود ۵/۶۳ تومان برآورد می‌شود.

جنگ بودجه

شهرکی نماینده‌ی مجلس ضدخلقی: "ما به هیچوجه نمی‌توانیم جنگ را تعطیل کنیم، بخاطر اینکه یک میلیارد به هزینه‌های جنگ تحمیلی اضافه بکنیم. حتی اگر ۱۰ میلیارد تومان هم نیاز باشد ما نمی‌توانیم جنگ را تعطیل کنیم و اینها هزینه‌هایی است که ضرورت دارد انجام بشود."
(کیهان - ۱۰ اسفند/۶۲)

شهرداری تهران در تلاش برای

چپاول هر چه بیشتر مردم

حبیبی شهردار جدید تهران: "در مجموع کل خدمات شهرداری سالیانه ۳۰ میلیارد ریال هزینه دارد که از این مبلغ حدود ۱۹۰ میلیون تومان (۱/۶ کل هزینه‌ی شهرداری) از طریق دولت تامین خواهد شد و بقیه را باید از طریق درآمدهای شهرداری (مردم) تامین کنیم، لذا توقع داریم که مردم در امر تامین هزینه‌های مربوط به ارائه‌ی خدمات از سوی شهرداری مشارکت لازم را بعمل بیاورند و..."
(کیهان - ۱۰ اسفند/۶۲)

معاملات سری خمینی با آمریکا

از طریق واسطه‌ها

بر اساس گزارش موثقی که بدست ما رسیده است، اخیراً رژیم خمینی تعدادی تانک "ام - ۴۷" ساخت آمریکا را از طریق یک کشور ثالث خریداری کرده است. قرارداد بزرگی این معامله‌ی تسلیحاتی در اواسط بهمن ماه امسال به اداره‌ی ارتش ایران رسیده است.
* دولت پاکستان طبق یک نامه‌ی محرمانه به مقامات رژیم خمینی، برای خرید هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی مورد احتیاج رژیم ایران از آمریکا اعلام آمادگی نموده است.

خرید ۷۲۰۰ دستگاه تویوتا از ژاپن

رژیم خمینی اخیراً تعداد ۷۲۰۰ دستگاه جیب تویوتا مدل "لندکروسر" را به مبلغ ۵۰۱ میلیون پوند به ژاپن سفارش داده است. لازم به توضیح است که این اتومبیل‌ها توسط گشت‌های سرکوبگر رژیم در شهرهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

"با دردها"

طرحی از پائولو کامارگو

اخیرا "پائولو کامارگو" شاعر و طراح مترقی برزیلی، یکی از طرح‌های خود را که در سال ۷۶ - یکی از سال‌های معروف و حساس تاریخ معاصر برزیل - کشیده، به نشانه‌ی همبستگی با مبارزات سازمان مجاهدین خلق ایران برعلیه خمینی ضدبشر، آرم سازمان را در گوشه‌ی سمت راست آن الصاق نموده و با نوشتن یکی از جدیدترین اشعارش در زیر طرح، آنرا به برادر مجاهد مسعودرجوی هدیه کرده است.

"پائولو" که شدیداً تحت تاثیر مبارزات خونبار و فداکاری‌های سازمان قرار گرفته است، در نامه‌ای به مناسبت اهداء طرح خود، خطاب به دوستی نوشته است: "به رهبر مجاهدین بگو که من دست وی را به گرمی می‌فشارم و می‌خواهم که مرا نیز از پشتیبانان سازمان بداند..."

ما امیدواریم با چاپ و انتشار طرح این طراح مترقی که در آنسوی دنیا و با هزاران فرسنگ فاصله‌ی مکانی، صدای مظلومیت خلق و حقانیت مبارزه‌ی سازمان ما را شنیده است، گامی در جهت تشویق فرهنگ و هنر مترقی و متعهد برداشته باشیم.

در ضمن یادآوری میکنیم که در شماره‌ی ۱۷۷ مجاهد، طرحی از "پائولو کامارگو" چاپ کردیم و همچنین، در شماره‌ی ۱۸۱ مجاهد، طرح دیگری بنام "شکنجه" از این طراح به چاپ رساندیم.

ما

رزمندگان راه رهائی خلق

با دردهائی فرونشسته برفرقمان

تایروزی نهائی

یکدم از پای نخواهیم نشست

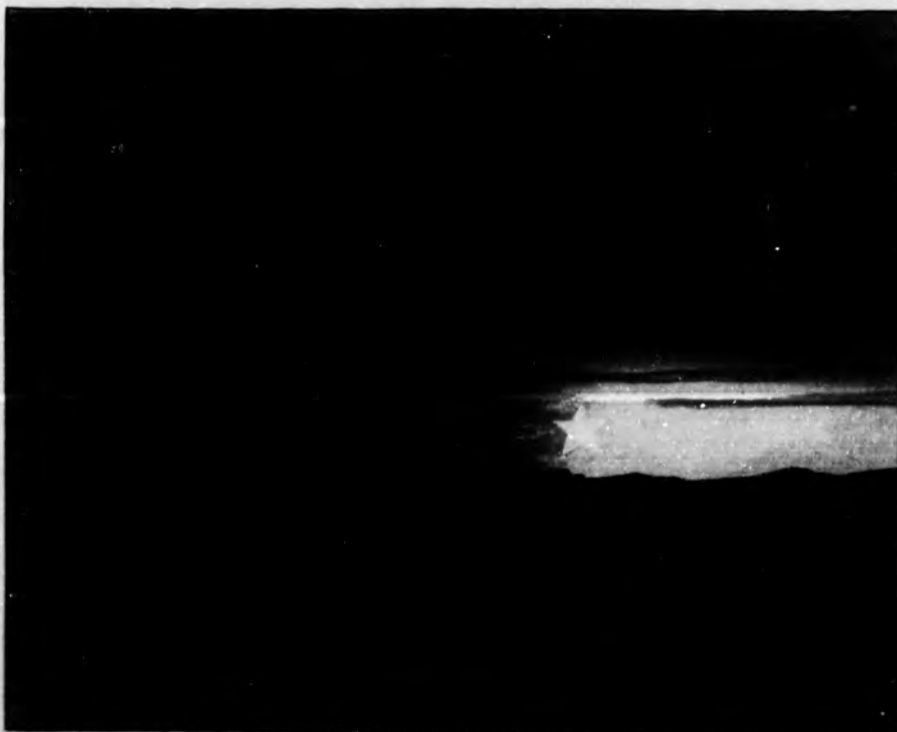
(ترجمه شعر)

دو طرح برای سرودهای "آزادی" و "زحمتکشان"

دو طرحی که ملاحظه می‌کنید توسط یکی از هواداران سازمان، با الهام از سرود "آزادی" و سرود "زحمتکشان" کشیده شده و به برادر مجاهد مسعود رجوی تقدیم شده است.



تاریخ بتاز، بتاز، بتاز، بر قلعه‌ی سحرگهان
شب را بسوز، بسوز، بسوز، بسوز خون شعلهی ستکشان
سرفرازد پرچم زمان در دو دست پینه‌بسته‌مان
چونکه ما ایم ای ستکشان فاتحان پهنه‌ی جهان



قطره قطره خون می‌چکد از رگانم
تا شکوفد هر سو گل آزادی‌ها
در راهت ای آزادی فانوس خون ما
به زمین سرخ ایران
به ره خونین یزدان
می‌سوزد تا بشکافتد خورشیدت شب‌ها را

"سیستم" توزیع کالا در رژیم خمینی (قسمت آخر)

سیستم توزیع کالا در رژیم خمینی،

سیستمی مساعد برای انواع غارتگری و چپاول، از عوامل اصلی تورم و یکی از فاسدترین سیستم‌های توزیع در جهان

در نخستین قسمت این مقاله با بخش‌هایی از سیستم فاسد و چپاولگر توزیع در رژیم خمینی و باند‌های مختلف تجار وابسته به خمینی که در تمامی شبکه‌های توزیع بویژه در رأس آنها، از طریق چپاول و احتکار و بازار سیاه و گرانفروشی و... منافع کلان خود و رژیم ضد خلقی‌شان را تامین کرده و بدینوسیله مرتباً به تورم دامن می‌زنند، آشنا شدید. اینک در دومین و آخرین قسمت از مقاله‌ی فوق به وجوهی دیگر از مسئله‌ی توزیع در رژیم خمینی توجه نمائید:

سهم ارگان‌های ارتجاعی

همان‌هایی که در نمایشات جمعه و راه‌پیمایی‌های فرمایشی شرکت می‌کنند - را به عهده دارند و از سوی دیگر از سهمیه‌ی دریافتی، بخش عمده‌ای را نیز به جبهه‌ها سرازیر می‌کنند. البته ناگفته نماند که در همین بخش نیز باند غارتگران وابسته به رژیم، منافع خود را بخوبی تامین می‌کنند. فی‌المثل در یک مقطع، کریمی نوری تاجر معروف فرش، سرپرستی "بنیاد مستضعفان"، و سپس "بنیاد امور جنگ‌زدگان" و حاجی شفیق، بازاری سرشناس و معاون عسکراولادی (در زمان تصدی وزارت بازرگانی)، سرپرستی "بنیاد مستضعفان" و همچنین "عسکراولادی" و "شفیق" و "حاجی حیدری" و "حاجی نیری" و "کروبی"، سرپرستی "کمیته‌ی امداد امام" و تعدادی از همین تجار وابسته به خمینی، سرپرستی "بنیاد ۱۵ خرداد" را بعهده دارند. به عنوان مثال در جریان اوجگیری تضادهای درونی رژیم در رابطه با استیضاح ناطق نوری جنایتکار (وزیر کشور) توسط جناح مقابل، از دهها فقره دزدی‌های کلان و غارت بودجه و سهمیه‌ی کالائی جنگ‌زدگان و سرازیر شدن آن به بازار سیاه، پرده برداشته شد. (کیهان ۱۷/آبان/۶۲). در مورد بنیاد غارت موسوم به "مستضعفان" نیز چپاول ایادی رژیم بر کمتر کسی پوشیده است. ضمناً همچنانکه گفتیم هر کدام از این ارگان‌های ارتجاعی به جز وظیفه‌ی رسیدگی به ایادی خمینی و یا تغذیه‌ی نیم‌بند افراد تحت پوشش خود (مانند آوارگان جنگ)، از کالاهای تحت اختیارشان به انحاء مختلف، سهم جبهه‌های جنگ خمینی را ارسال می‌کنند. فی‌المثل "کمیته‌ی امداد امام" که باصطلاح رسیدگی به "محرومان

برخی از ارگان‌های ارتجاعی رژیم که مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق حواله و اجازه‌نامه، به امر توزیع کالا اشتغال دارند، عبارتند از: "بنیاد شهید"، "بنیاد مستضعفان"، "بنیاد امور جنگ‌زدگان"، "بنیاد ۱۵ خرداد"، "کمیته‌ی امداد امام"، "جهاد سازندگی"، "بنیاد مسکن"، "ستاد توزیع جهیزیه"، "شورای اسلامی روستا"، "کمیته‌ها"، "شوراهای محلی اسلامی توزیع کالا" (۱) و "مساجد" و صدها "شورا" و "موسسه‌ی" باصطلاح خیریه‌ی دیگر. (۲) این ارگان‌ها علاوه بر سهمیه‌ی عمومی کالا، سهمیه‌ی معینی از محصولات کارخانجات (در حال کار) کشور را نیز بخود اختصاص داده‌اند. سهمیه‌ی تولیدی این کارخانجات - که توزیع محصولاتشان بر اساس سهمیه‌بندی "ستاد بسیج اقتصادی" و با نظارت نهادها و ارگانهای دولتی انجام می‌گیرد - در حالیکه برای اغلب استان‌های کشور کمتر از ۳ درصد است، برای "کمیته‌ی امداد امام" و "بنیاد ۱۵ خرداد" هر کدام به تنهایی ۳ درصد، برای "بنیاد شهید" ۲ درصد و در مجموع برای سه ارگان مذکور ۸ درصد کل تولیدات داخلی می‌باشد. (کیهان ۹/۸/۶۲) لازم به توضیح است که بجز "بنیاد امور جنگ‌زدگان" که به زحمت سهمیه‌ی ناچیزی به هموطنان جنگ‌زده‌ی ما - که در شرایط ناهنجاری در اردوگاههای شبه‌نظامی آوارگان بسر می‌برند - اختصاص می‌دهد، بقیه‌ی ارگانهای ارتجاعی فوق‌الذکر هر کدام بنحوی، از یکسو وظیفه‌ی رسیدگی به تهمانده‌ی اقشار وابسته به رژیم - منجمله

فروش می‌کند، برای متقاضیان، داشتن معرفی‌نامه از کمیته‌ها و مساجد محل، ضروری است و خود این ضابطه، بسیاری کالاهائی از این دست را اساساً در اختیار ایادی رژیم قرار می‌دهد. تازه موارد فوق‌الذکر، شمائی کلی از شبکه‌ی فاسد توزیع اقتصادی رژیم است؛ و الا آنچه که از دزدی و غارت و سهمیه‌بری و فامیل‌بازی در درون ارگان - های توزیعی رژیم، در ارگان‌های ارتجاعی، در کمیته‌ها، در مساجد و... منجمله پایادریی یا دخالت مستقیم "باند‌های خمینی در بازار"، "انهدی جمعه و آخوندهای جنایتکار خمینی"، "کارگزاران رژیم" ... می‌گذرد، لجز ناز غارت‌باری از دزدی، فساد، آنا رشیسم، لمینیسیم، انحصارطلبی و حرص و آز سیری‌ناپذیر ایادی رژیم را که در هر بخش چون بختک بر روی کانال‌های توزیع افتاده‌اند، ترسیم می‌نماید. کافیت بعنوان یک نمونه‌ی کوچک از این سیستم فاسد - که گویا فقط به منظور اداره‌ی دارودسته‌ی رژیم و روبراه کردن

و مستضعفان" را در دستور کار خود قرار داده، اعلام کرده است که تا آذرماه امسال "۲۵ هزار کامیون کالا" برای جبهه‌ها فرستاده است. (اطلاعات ۶۲/۹/۸) در مورد "شوراهای اسلامی روستا" که "ناطق نوری" جنایتکار در جریان دفاع از خود در ماجرای استیضاحش، آنها را "دست بسیج اقتصادی" خواند که در روستاها "کوبین و جنس" تقسیم و توزیع می‌کنند... و اگر نکنند کار روستاها فلج می‌شود" ... خود رژیم توسط ارگان سرکوبگر موسوم به "جهاد سازندگی" کار اینگونه باصطلاح شوراهای را چنین دسته‌بندی اصلی و فرعی کرده است: "بسیج واعزام

هر کدام از این ارگان‌های ارتجاعی به جز وظیفه‌ی رسیدگی به ایادی خمینی و یا تغذیه‌ی نیم‌بند افراد تحت پوشش خود (مانند آوارگان جنگ)، از کالاهای تحت اختیارشان به انحاء مختلف سهم جبهه‌های جنگ خمینی را ارسال می‌کنند. فی‌المثل "کمیته‌ی امداد امام" که باصطلاح رسیدگی به "محرومان و مستضعفان" را در دستور کار خود قرار داده، اعلام کرده است که تا آذرماه امسال "۲۵ هزار کامیون کالا" برای جبهه‌ها فرستاده است.

در تاریخ تمامی چپاول‌ها و دزدی‌های جهان بی‌سابقه است. (از پیام اول بهمن برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم سراسر کشور بمناسبت بقیه در صفحه‌ی ۳۱)

(۲): موسسات باصطلاح خیریه در بافت ارتجاعی رژیم جای خاص خود را دارند و در حال حاضر در اغلب شهرهای کشور، بمثابة دکان دو نیش آخوندها و بازاریان وابسته به خمینی عمل می‌کنند. یعنی از یکسو دکان عوام‌فریبی و سراسر سالوس و ریای آنها محسوب می‌شوند و از سوی دیگر تا آنجا که بتوانند از قبل آن برای خود و رژیمشان می‌چاپند. بد نیست برای آشنائی با یکی از بزرگترین این موسسات تحت عنوان "موسسه‌ی خیریه‌ی مهدی (عج)" - که ادعا می‌کند از طریق ۱۴ شعبه‌ی خود در کشور "یک میلیون خانوار" را زیر پوشش خدمات رفاهی خود قرار داده است - به گزارشی در همین رابطه مندرج در اطلاعات ۲/ بهمن/ ۶۲ مراجعه شود.

سور و سات آنها کارسازی شده! - اشاره کنیم که تنها در سال جاری و تا این تاریخ، فقط ۲۵ هزار تن برنج "جهت مصارف نذورات و مراسم حج"! بین ایادی رژیم توزیع شده پاورقی:

(۱): اخیراً (۱۱ بهمن) در دیدار "اعضای شوراهای محلی اسلامی توزیع کالا" در سراسر تهران "با خمینی، یکی از دست‌اندرکاران مزدور این باصطلاح شوراهای غارت کالا" اعلام کرد که این شوراها در حال حاضر مجموعاً در ۳۵۰ محله‌ی تهران فعالند و اساساً بازوی اجرائی مقاصد ارتجاعی و ضد مردمی رژیم، از جمله "برگزاری انتخابات"، "کمک‌رسانی به جبهه‌ها" محسوب می‌شوند و دست‌آخر توزیع کالا و ارزاق عمومی را به عهده دارند که همچنانکه از هماهنگی لازم مسئولیتشان پیدا است "هم توزیع کالا در محلات! و هم ارسال کالا برای جبهه‌ها" مقاصد رژیم جنگ‌افروز و غارتگر خمینی را به پیش می‌برند و صد البته خود و ایادی خود را نیز به نوائی می‌رسانند!

نیروها در سطح منطقه برای جبهه‌های جنگ، "جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی مردم روستا" و ... و آخرین کار، علی‌الظاهر "تاسیس تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف"! (کیهان ۸/۸ و ۶۲/۱۰/۲۵) کمتر کسی است که نداند وقتی وضع توزیع کالا در شهرها از چنین اوضاع آشفته و اسفباری برخوردار است، در روستاها یقیناً حالت رقت‌بار و وحشتناکی خواهد داشت و اگر مزدوران و ایادی رژیم قبل از رسیدن کالا به روستاها بخش اعظم آن را به نفع خود یا جنگ، غارت نکنند، حتماً همچنانکه در دستور کارشان قرار دارد، از این دست به روستائیان محروم و فق‌زده داده و از آن دست، طبق وظیفه به عنوان "جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی مردم روستا برای جبهه‌ها"، جمع‌آوری خواهند نمود! علاوه بر مواردی که برشمردیم، در هر مقطعی هم که دولت وسائل و کالاهای مورد نیاز جامعه را وارد بازار

گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

مجاهد شهید

غلامرضا امینی فر

مجاهد شهید غلامرضا امینی فر در سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای محروم در شهر تبریز بدنیا آمد و تحصیلات خود را همراه با کارگری و بنائی برای کمک به خانواده در همان شهر به پایان رساند.

طی دوران سربازی که مصادف با اوج‌گیری قیام مردم برعلیه رژیم شاه خائن بود، مبارزات خود را برعلیه رژیم شاه آغاز کرد و از همان زمان در ارتباط با دوستان مبارزش با سازمان مجاهدین خلق آشنا شد.

پس از پیروزی انقلاب او در ارتباط با ستاد سازمان در شهر تبریز، فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد و در فروردین سال ۶۰ به شهر زنجان رفت و در آنجا مسئولیت‌هایی را بعهده گرفت.

روز ۲۹/آذر/۶۰، غلامرضا در شهر زنجان مورد شناسائی پاسداران جنایتکار خمینی قرار گرفت و دستگیر شد و پس از تحمل ۱۵ ماه شکنجه، سرانجام در ۲۸/اسفند/۶۱ در شهر زنجان تیرباران شد.

قبل از او برادر مجاهدش علیرضا امینی فر نیز بدست دژخیمان خمینی جلاد به شهادت رسیده بود. غلامرضا طی دوران اسارت توانست نامه‌ای بعنوان وصیتنامه خطاب به خانواده‌اش، بدست هم‌رزمانش در بیرون برساند که دیلا متن قسمت‌هایی از آنرا از نظران می‌گذرانیم:

"بنام خدا"

و
بنام خلق قهرمان ایران

... شاید این نوشته را زمانی بخوانید که من پیش برادران و خواهرانمان باشم و شاید هم‌چندی به انتظار باز نشینم، ولی دلم می‌خواست جامعه‌ی آرمانی‌مان را میدیدم. اما نمی‌دانم، فقط خدا می‌داند و بس و او ما را گفایت می‌کند. اما بعد از من شیون نکنید، گریه نکنید، بلکه به من و

گذشته‌ی پر از درد و رنج و فقر من و به بعد از انقلاب و قبل از آن و اینکه چگونه بودم، پاک یا ناپاک، در راه انقلابان و یا بر ضد آن؛ و اگر نتیجه گرفتید که من همچون ... * و امثال آنها نبودم، پس در حق بودن یا نبودن راهم و مرگم نیز قضاوت کنید و اگر دیدید حقم، پس به کمک به امثال من دریغ نکنید و خدا از هر کس به اندازه‌ی توان او می‌خواهد.

امیدوار باشید چرا که بالاخره پرده‌ی عوامفریبی‌ها دریده خواهد شد و آفتاب رهایی خلق از دریای موج و خروشان خونمان طلوع خواهد کرد. اینرا تاریخ می‌گوید و تاریخ از ... هستی خبر میدهد، از قایل و نمرود و فرعون، قیصر و کسری و شاه و نهایتا گفتار پیر نیز به تاریخ خواهد پیوست. او رفتنی است و خواهد رفت و باید برود. و اینرا چکه چکه‌ی خون به ناحق ریخته‌ی برادران و خواهران ما می‌گوید و آنها حقیقت را می‌گویند.

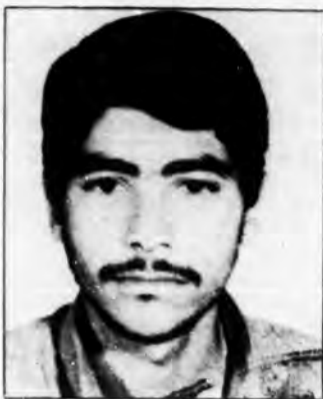
پدر و مادر و برادران و خواهرانم، شما وارث خون برادرم هستید، از چیزی که به شما به ارث رسیده خوب مواظبت کنید... فرزندانمان را طوری بزرگ کنید که الگو باشند، در فداکاری، گذشت، ایثار و... خصایل انسانی و... همه چیزشان به علیرضا بماند. چرا که او معلم همه‌ی ما بود... به امید پیروزی خلق، برقرار باد جامعه‌ی توحیدی"

مراسم تدفین و یادبود غلامرضا به مراسم افشاگرانه‌ی برعلیه جنایات دژخیمان خمینی جلاد تبدیل شده بود. در کنار عکس او و برادرش که بر روی سبدهای گل نصب شده بود، دیگر خانواده‌های شهدای مجاهد خلق نیز عکس‌ها و تصاویر فرزندان شهید خود را گذاشته بودند. آثار شکنجه بر روی بدن غلامرضا بخوبی مشاهده می‌شد. پیکر غرقه در خون او توسط خانواده‌اش در قبرستان "وادی رحمت" تبریز دفن شده است.

یادش گرامی باد

پاورقی:

* مجاهد شهید غلامرضا امینی فر، در این قسمت نام پاسداری را که در نزدیکی خانه‌شان سکونت داشته، نوشته است.



مجاهد شهید نادر خوشاباف فرشی

مجاهد شهید نادر خوشاباف فرشی از زمره میلیشیای فعال دبیرستان طوس تهران بود که بهنگام شهادت در اسفند ۶۰، ۱۹ سال بیشتر نداشت.

نادر که همچون دیگر بیک‌های انقلاب، طی دوران فعالیت گسترده‌ی سیاسی سازمان پس از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی، مسئولیت‌های انقلابی خود را در جهت اشاعه و ترویج پیام و فرهنگ انقلابی مجاهدین در میان توده‌های خلق بخوبی ایفا کرده بود، پس از سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد و با شروع مقاومت عادلانه و مشروع مسلحانه‌ی خلق به پیشسازی فرزندان مجاهدش در برابر رژیم ضدبشری خمینی جلاد، سلاح بر دوش قدم به میدان نبرد انقلابی مسلحانه گذاشت و در این صحنه نیز بخوبی از عهده‌ی انجام وظایف انقلابی خود برآمد.

نادر روز ۱۳/شهریور/۶۰، در خانه‌ی یکی از اقوامش دستگیر شد و ابتدا مدت ۴ ماه در سلول انفرادی در کمیته‌ی مرکزی و سپس در زندان اوین تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفت و قهرمانانه در برابر تمامی شکنجه‌ها مقاومت کرد.

نادر روز ۲۰/اسفند/۶۰، به همراه تعدادی دیگر از اسرای مجاهد و مبارز به جوخه‌ی اعدام سپرده شد. شهادت او موجی از خشم و نفرت برعلیه خمینی جلاد را در میان تمامی دوستان و آشنایان و هم‌محلای‌هایش برانگیخت.

بر مزار او که در قطعه‌ی ۹۱ بهشت زهرا واقع شده، دسته‌هایی از گل سرخ گذاشته شده بود و بر در و دیوار کوچه‌های اطراف خانه‌ی او شعارهای "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی" به چشم می‌خورد. یادش گرامی باد

مجاهد شهید سهرابعلی زارعی



قسمتی از وصیتنامه‌ی
مجاهد شهید
سهرابعلی زارعی
که در اسفند ۶۱ بدست
دژخیمان خمینی جلاد
به شهادت رسید

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

و به نام هزاران شهید به خون خفته‌ی خلق که خون تک تک آنها نهال انقلاب را هر روز و هر ساعت و هر دقیقه آبیاری می‌نماید... این قانون تکامل الهی است که سرانجام روزی باطل برجیده شود و حق با تمام شکوه و زیبایی جای آنرا بگیرد... در میهن بخون غرقدی ما نیز هم‌اکنون نبردی سخت بین قوای حق و باطل در جریان است. خمینی، این عنصر ضد خلق و ضد بشر در راس نیروهای باطل می‌کوشد هرگونه ندای آزادیخواهی و حق‌طلبی را توسط مثنی جنایتکار و ایادی مزدور سرکوب نماید. ولی در مقابل او جوانان مجاهد و مبارز جان برکف ایستاده‌اند. بسیاری از این جوانان مجاهد به عهدی که با خدا و خلق خود داشته‌اند وفا کرده و در میدانهای اعدام با شعارهای الله‌اکبر، مرگ بر خمینی، درود بر مجاهد، ناقوس مرگ این جلاد خون‌آشام را بصدا درآورده‌اند. خمینی تحت لوای دین و استحمار توده‌ها می‌خواهد ولایت سفیانی خود را بزور به این خلق قهرمان بقبولاند، ولی عنصر موحد مجاهد به او نشان داد که حاضر است به خاطر شرف و آزادی خلقش سر بدهد ولی تن به ولایت سفیانی او ندهد. آری، اینان چون رهبرشان حسین (ع) هیچگونه آشتی با خمینی این یزید زمان نداشته و ندارند و اجازه نخواهند داد خمینی، این جانی کثیف تحت نام مقدس اسلام، این دین حق و آزادی توده‌ها را به بند کشیده و افکار ارتجاعی خود را اسلام بنامد. مگر میشود جلوی آزادی را گرفت و استبداد را حاکم نمود و گفت این اسلام است، مگر میشود زنان باردار و کودکان را اعدام نمود و گفت این اسلام است... نه، نه، اینها اسلام نیست. اینها افکار شرک‌آلود و ارتجاعی خمینی جلاد است...

... بار خدایا من سهرابعلی زارعی فرزند ابراهیم، از تو می‌خواهم مرا نیز در انجام وظایفم یاری نمایی.

من نیز چون دیگر طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران، تنها سازمان موحد و پیشتاز مبارزات خلق ایران در این مقطع زمانی، هیچگونه ترسی از مرگ در راه اعتقاداتم نداشته و اگر روزی در راه آرمان‌های مقدس این سازمان پر افتخار فدا شوم، بخود خواهم بالید؛ زیرا این آرمان‌ها چیزی جز اسلام انقلابی راستین نیست... اگر جان ناقابل من نیز در راه آزادی خلقم از بند خمینی جلاد موثر می‌تواند باشد، پس چه باگ از مردن؛ زیرا در جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی که دنباله‌ی این راه می‌باشد، همه زنده‌ایم.

مرگ بر خمینی جلاد و خون‌آشام
درود بر تمامی شهدای بخون خفته‌ی خلق
درود بر سازمان مجاهدین خلق ایران
۶۱/۶/۲۰
سهرابعلی زارعی

گزارشی از چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در ایران

دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود به این اجلاس، نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی را محکوم نمود

چهارشنبه هفتگی گذشته آقای برز دوکولار دبیرکل سازمان ملل متحد، گزارش بی سابقه‌ای از وضع حقوق بشر در ایران را به چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه داد و اقدامات رژیم خمینی را در رابطه با نقض حقوق بشر محکوم نمود. این کمیسیون که از اوایل ماه فوریه در ژنو آغاز بکار کرده است، انتظار می‌رود که در روزهای آینده با صدور قطعنامه‌هایی به کار خود پایان دهد.

چندی قبل از شروع این اجلاس، از سوی دفتر مجاهدین خلق در پاریس و دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در سوئیس، اقدامات لازم برای جلب توجه اعضا و سایر شرکت‌کنندگان در این کمیسیون به نقض شدید حقوق بشر در ایران به عمل آمده بود. در همین رابطه برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، در تاریخ ۱۳ بهمن ماه، سال جاری طی نامه‌ای به آقای پیترو کوئچ منز رئیس این اجلاس، خواهان توجه به نقض شدید حقوق بشر در ایران گردید. در این نامه که به ۳ زبان انگلیسی، فرانسه و اسپانیولی در بین کلیه نمایندگان حاضر در اجلاس پخش شد، مواردی از جنایات رژیم خمینی خون‌آشام در سال گذشته و بویژه پس از صدور قطعنامه‌سی و نهمین اجلاس این کمیسیون مبنی بر محکومیت رژیم خمینی در مورد نقض حقوق بشر در ایران ذکر شده و از رئیس کمیسیون اتخاذ تصمیمات عملی‌تر و موثرتری در رابطه با رژیم حاکم بر ایران درخواست شده است. (متن نامه‌ی فوق در همین شماره از نظراتان می‌گذرد) برادر مجاهد مسعود رجوی به ضمیمه‌ی نامه‌ی فوق، اسناد و مدارک و گزارشات مستندی که استمرار نقض حقوق بشر از سوی رژیم خمینی را به خوبی اثبات می‌کند، برای ایشان ارسال کرده است. همچنین به همراه این نامه، قطعنامه‌ای نیز که به همت نماینده‌ی شورا در سوئیس قبلاً تنظیم شده بود به صورت پیشنهاد در بین کلیه

نمایندگان شرکت کننده در اجلاس توزیع شده و آقای دکتر کاظم رجوی در ملاقات حضوری با تعدادی از آنان، ضمن تشریح وضعیت حقوق بشر در ایران، از آنان خواست تا برای طرح و تصویب این قطعنامه، اقدامات لازم را بنمایند. در قطعنامه‌های پیشنهادی فوق، منجمله از رئیس کمیسیون حقوق بشر تقاضا می‌شود تا پس از مشورت با هیئت رئیسه، گزارشگر ویژه‌ی در مورد حقوق بشر در ایران تعیین نماید که مأموریت داشته باشد یک مطالعه‌ی جامع و عمیق در این مورد تهیه نموده و به چهل و یکمین اجلاس کمیسیون ارائه کند و همچنین گزارش مقدماتی آنرا به سی و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل نیز تقدیم نماید.

بیش از آن نیز در جریان سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل که در سوم دسامبر سال گذشته در نیویورک تشکیل شد، فعالیت‌های گسترده‌ای برای جلب نظر نمایندگان کشورهای مختلف به نقض شدید حقوق بشر در ایران انجام گرفته بود. در این رابطه می‌توان به اقداماتی از قبیل جمع‌آوری و ارسال ۶۸۳۸۹ امضاء و ۲۲۶۵۷ کارت از مردم کشورهای مختلف جهان در محکومیت رژیم خمینی و ۷۳۹۰ نامه و شکوایت به مجمع عمومی و دبیرکل سازمان ملل متحد و ۴۰۰۵ ملاقات با شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی و تشریح شرایط خفقان و سرکوب حاکم بر ایران برای آنها، که با تلاش‌های انقلابی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان

۲۰۰۰ تن از عوامل سرکوبگر و احتیاق آفرین رژیم که طی عملیات مقاومت به مجازات جنایات خود رسیده‌اند، آمده است. اما همانند سال گذشته این تشبثات رژیم رسوای خمینی هرگز نتوانست تاثیری بر اذهان نمایندگان شرکت‌کننده در کمیسیون بگذارد.

علاوه بر اقدامات سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان و نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس، در طول جلسات کمیسیون، اغلب رؤسای هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف، اعم از کشورهای عضو یا ناظر در این کمیسیون و همچنین نمایندگان سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده، صریحاً و یا تلویحاً درباره‌ی نقض

اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان و نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس اقدامات گسترده‌ای را برای طرح و محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران در اجلاس فوق‌الذکر بعمل آوردند که گوشه‌ای از این اقدامات در گزارشات دبیرکل و قطعنامه‌ی کمیسیون و... منعکس گردید. منجمله نامه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی به رئیس اجلاس سی و نهمین اجلاس فوق‌الذکر، می‌باشد که بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد استفاده‌ی دبیرکل سازمان ملل در گزارشش به کمیسیون قرار گرفت.

انجام گرفت، اشاره نمود. همچنین در جریان برگزاری این مجمع آقای دکتر کاظم رجوی در نیویورک با حدود ۱۰۰ نماینده از کشورهای گوناگون جهان ملاقات نموده و جنایات رژیم خمینی را برای آنان تشریح کرد.

رژیم خمینی که از افشای بیش از پیش ماهیت ضدانسانی خود در اثر اقدامات فوق به خشم آمده بود، در طول مدت برگزاری جلسات کمیسیون، در میان اعضا و نمایندگان شرکت‌کننده در اجلاس سی و نهمین دست به تبلیغات وسیعی بر علیه سازمان و بویژه برادر مجاهد مسعود رجوی زد و با استفاده از امکانات مالی فراوانی که از خلق محرومان به یغما برده است، به انتشار و پخش کتب و جزوات متعددی در بین آنان پرداخت و مذبوحانه تلاش کرد تا بلکه بدینوسیله نظر کمیسیون را از جنایات خود منحرف سازد. در این کتاب‌ها، منجمله اسامی

حقوق بشر در ایران سخنرانی نمودند. از میان نمایندگان کشورهای که صراحتاً از نقض حقوق بشر در ایران یاد کردند، می‌توان از نمایندگان آلمان فدرال، سوئد، ایتالیا، اسپانیا، هلند و کانادا نام برد.

آقای بوندس هوزانگ رئیس هیئت نمایندگی هلند که کشورش امسال ریاست اجلاس کمیسیون حقوق بشر را به عهده دارد، در قسمتی از سخنان خود گفت: "هیئت نمایندگی من وضع حقوق بشر در ایران را مورد توجه خاص قرار داده و می‌دهد. زیرا در این کشور دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و اعدام‌های بدون محاکمه گماکان ادامه دارد که اکثراً بخاطر عقیده و ایدئولوژی اعمال می‌شود. این اعمال موجب کمال اضطراب جامعه‌ی بین‌المللی شده است. هیئت نمایندگی من روش دولت ایران را در مورد اعزام دانش‌آموزان دبیرستان‌ها به جبهه‌های

جنگ علیه عراق بشدت محکوم می‌نماید." وی از جمله از رژیم ایران خواست که اصول انسانی، معاهدات بین‌المللی مربوط به جنگ و بخصوص قرارداد ۱۹۴۹ ژنو مربوط به حمایت غیرنظامیان و زندانیان جنگی را احترام بگذارد. نماینده‌ی کانادا آقای بولنه طی نطق مفصل خود ضمن صحبت از رفتار ناپهناز رژیم ایران که هر نوع تماسی را با دبیرکل ملل متحد و نماینده‌ی او رد کرده و حتی از این بی‌ادبی خود معذرت نیز نخواست است گفت: "البته همه‌ی حاضرین در این اجلاس، می‌دانند که حکومت ایران جنگ مرگباری را ادامه می‌دهد که هر هفته هزاران جوان ایرانی قربانی آن می‌شوند" وی با استناد به فیلم‌های خبری تلویزیونی‌های جهان گفت: "ما صحنه‌هایی را دیده‌ایم که رژیم ایران کودکان را برخلاف همه‌ی معاهدات بین‌المللی به میدان‌های جنگ می‌فرستد." او همچنین با استناد به گفتار آقای الکساندر هی رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ گفت که: "به تقاضای کمیته‌ی مزبور کودکان سرباز در کمپ‌های اسپران در عراق از سال‌خورده‌گان جدا شدند." نماینده‌ی کانادا ضمن بیانات خود تأکید نمود: "در ژوئن ۱۹۸۳، ۵۹ جوان و نوجوان در کردستان ایران اعدام شده‌اند. آنها مرتکب هیچ جنایتی نشده بودند. صحت این ماجرا وسیله‌ی "برسی گریستین روستوگر" معاون فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر تأکید گردیده، او برای‌العین مشاهده کرده بود که چگونه وحشت بر کردستان ایران حکمفرمایی می‌کند.

همچنین رئیس هیئت نمایندگی کنفدراسیون جهانی کار که از سازمان‌های غیردولتی ناظر بر کمیسیون است، ضمن گفتار مفصل خود درباره‌ی رژیم خمینی چنین گفت: "آقای رئیس، گذرت اطلاعات اضطراب‌انگیز درباره‌ی شکنجه، اعدام، دستگیری‌های خودسرانه، شرایط زندگی و کار دهشتناک اکثریت طبقات کارگران نشان می‌دهد که بقیه در صفحه‌ی ۲۹

کنفرانس مطبوعاتی سرهنگ اردشیر صنعتی

در رابطه با اعلام پیوستگی به سازمان مجاهدین خلق ایران

همانطور که اطلاع دارید سرهنگ دکتر اردشیر صنعتی که قبلاً طی نامه‌ای به برادر مجاهد مسعود رجوی، پیوستگی خود را به سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرده بود، در تاریخ ۳ اسفند ماه جاری در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت نموده و ضمن توضیحاتی پیرامون اوضاع کنونی ایران، جنگ و شرایط حاکم بر ارتش و پرسنل میهن‌پرست و مردمی آن، به سوالات خبرنگاران در این رابطه نیز پاسخ داد.

مصاحبه‌ی مطبوعاتی سرهنگ صنعتی و اعلام پیوستگی او به سازمان مجاهدین، در رسانه‌های خبری کشورهای مختلف جهان منعکس شد که ذیلاً برخی از آنها را ملاحظه می‌کنید:

آسوشیتد پرس
۲۳ فوریه/۱۹۸۴

سرهنگ سابق ارتش ایران،

تلفات کشورش را در جنگ یک میلیون تخمین می‌زند

نیویورک (آسوشیتد پرس): احتمالاً یک میلیون ایرانی در جنگ ۳/۵ ساله با عراق کشته یا زخمی شده‌اند. خیلی از آنها افراد جوان و خردسالی بوده‌اند که در حال تلاش برای یورش به مواضع مستحکم عراقی‌ها، به هلاکت رسیده‌اند. این مطلب را یک افسر پزشک سابق ایرانی بنام اردشیر صنعتی در مصاحبه با آسوشیتد پرس اظهار داشت. وی که یک دندانپزشک و سرهنگ سابق ارتش است، گفت تاکنیک امواج انسانی یکی از اصلی‌ترین راه‌هایی است که رژیم خمینی علیه نیروهای عراقی بکار می‌برد. صنعتی گفت که از زمان شروع جنگ در سپتامبر ۱۹۸۰ تا ۷ ماه پیش که ایران را ترک کرده، رئیس بهداری لشکر زرهی ۸۱ کرمانشاه که کنترل بخش شمال غربی جبهه‌ی جنگ را در دست دارد، بوده است. او گفت در این ۷ ماه به این دلیل در خارج کشور بطور علنی ظاهر نشده است که همکارانش را که در ایران به او کمک کرده‌اند تا طی یک سفر دشوار ۳ هفته‌ای از مسیر کوهستانی به ترکیه برود، از آسیب و صدمه حفظ کند. در طی اطلاعیه‌هایی که در آمریکا و در ستادهای ایرانیان تبعیدی در پاریس روز پنجشنبه انتشار یافت، صنعتی حمایت خود را از مجاهدین خلق، گروه مسلمان دست‌چپی که سعی در سرنگونی رژیم آیت‌الله خمینی در ایران دارد، اعلام داشت. اگرچه گزارشات صنعتی در مورد جنگ را نمی‌شود بطور مستقل تأیید کرد، ولی

این مشاهدات شبیه به مشاهدات سایر کسانی است که تاکنیک‌های ایرانیان در این جنگ را که این هفته وارد یک فاز جدید و شدید شده‌است، دیده‌اند. این افسر پزشک سابق می‌گوید که کشته‌شدگان، ۴۰ درصد تلفات ایرانی را تشکیل می‌دهند؛ رقمی بینهایت بالا در رابطه با نسبت کشته‌شدگان به زخمیان، برای یک جنگ مدرن. او گفت خیلی‌ها بیمورد کشته می‌شوند. او از طریق یک مترجم ایرانی با لحنی آرام گفت که مناطق کوهستانی صعب‌العبور و یا آتش‌پی‌دربی عراقی‌ها، بعضی اوقات رسیدگی به زخمی‌ها را غیرممکن می‌سازد، ولی عمده‌ترین دلیل بالا بودن درصد کشته‌شدگان این است که برای رژیم خمینی نجات جان افراد، اهمیت درجه دوم را دارد. آنها ترجیح می‌دهند که از هلی‌کوپترها برای حمله استفاده کنند، به جای اینکه با آنها زخمیان را نجات دهند. او گفت که به بیمارستان‌های او بعضی اوقات وسایل لازم را نمی‌دادند. صنعتی گفت که اطلاعاتی‌های ایران بطور وسیعی تلفات را کم ذکر می‌کند. به عنوان مثال متعاقب یک نبرد در ایلام واقع در غرب کشور، درحالیکه بیش از ۲۰۰۰ کشته و زخمی به بیمارستان‌های منطقه‌ی تحت‌کنترل او آورده و بسیاری دیگر از آنها را به جاهای دیگر فرستاده بودند، بیانیه‌ی رسمی ارتش، تعداد کشته‌شدگان را فقط ۱۰۰ نفر ذکر کرد. صنعتی گفت ۳ سال جنگ در



سرهنگ دکتر اردشیر صنعتی (سمت چپ) به‌مراه یکی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا به سوالات خبرنگاران پاسخ می‌دهد

Chicago Tribune

شیکاگو تریبون - آمریکا
۲۵ فوریه/۸۴

تلفات ایران حدود یک میلیون تخمین زده شد

انسانی عموماً بین ۱۲ تا ۱۸ سال دارند. بیشتر آنانی که در موج اول هستند، کشته می‌شوند؛ اما موج‌های دیگر پشت سر آنها روانه می‌شوند و بعضی وقت‌ها به هدف خود می‌رسند. "بعضی وقت‌ها آنقدر افراد کشته می‌شوند و بقدری مهمات توسط عراقی‌ها مصرف می‌شود که نهایتاً مهماتشان تمام می‌شود و به این ترتیب است که تاکنیک امواج انسانی خمینی در بعضی موارد منجر به گرفتن یک قطعه زمین شده است."

صنعتی گفت تجهیزات و پرسنل پزشکی برای درمان خیل عظیم مجروحین "حتی نزدیک به مکی" هم نیست. او گفت رژیم در پی آن بوده است که مخالفت با جنگ را در ارتش سرکوب کند، ولی مواردی از شورش در این رابطه وجود داشته است. وی گفت یک مورد در پادگان اصلی ارتش در تهران و یک مورد دیگر در یک پایگاه نیروی هوایی در نزدیکی آن، در یکسال و نیم پیش شورش‌هایی رخ داد.

بقیه در صفحه ۲۸

واشنگتن - یک افسر پزشک سابق ارتش ایران روز جمعه گفت؛ جنگ سه سال و نیمه با عراق بیش از یک میلیون تلفات ببار آورده که عمدتاً بدلیل حملات امواج انسانی به مواضع عراق است.

سرهنگ اردشیر صنعتی گفت مخالفت با این جنگ گرانبه‌قیمت، وسیعاً در ارتش رواج دارد و در بعضی موارد منجر به درگیری آشکار با نیروهای شبه‌نظامی وفادار به آیت‌الله روح‌الله خمینی شده است.

صنعتی در واشنگتن گفت دولت ایران گزارشات حقیقی تلفات جنگ را منتشر نمی‌کند و یک قانون کلی در ایران وجود دارد که تلفات واقعی ۱۰ برابر چیزی است که دولت تأیید می‌کند.

صنعتی گفت ماه ژوئیه‌ی گذشته ایران را ترک نموده است. وی که به کمک یک مترجم صحبت می‌کرد، رژیم خمینی را متهم به قربانی کردن منابع انسانی و مادی ایران در جنگ و ارتکاب "فجایع عظیمی" نمود.

صنعتی گفت مهاجمین امواج

منطقه‌ی او حدود ۲۰۰ هزار کشته و زخمی به ارمغان آورده و از آنجا که میزان تلفات در جبهه‌ی جنوبی چندین برابر بیشتر بوده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در مجموع بیش از یک میلیون ایرانی در جنگ کشته و یا زخمی شده‌اند. صنعتی گفت اغلب این کشته‌شدگان را داوطلبین "بسجی" تشکیل می‌دادند که سنین آنها بین ۱۲ تا ۱۸ سال بود. او گفت: "من شاهد چندین یورش از نوع "مواج انسانی" بوده‌ام. در یکی از این حملات در "شاه‌گور" پاسداران به بسجی‌ها دستور دادند که تپه را به هر ترتیب که شده تسخیر کنند. بچه‌های کوچک شروع به دویدن و بالا رفتن از تپه کردند، ولی صدها نفرشان زیر بمباران و رگبار گشته شدند. در آخر آنها فقط داشتند روی اجساد می‌دویدند. بعضی وقت‌ها عراقی‌ها مهمات خود را در این گشتارها تمام می‌کردند و باید عقب می‌کشیدند." صنعتی ادعا کرد که: "اکثریت قریب به اتفاق افسران ارتش ایران با سیاست‌های جنگ‌افروزانه‌ی خمینی مخالفند و درحالیکه عراق آماده‌ی صلح می‌باشد، خمینی هدفی از جنگ ندارد جز آنکه می‌خواهد با منحرف کردن توجه ایرانیان از مشکلات داخلی، قدرت خود را محکم نماید."

نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها

کارگران
در "تنور جنگ" خمینی

بقیه از صفحه‌ی آخر

نشده باشند. در همین رابطه کارگزاران رژیم برای هر کارخانه "سه‌میه" و "درصد" تعیین کرده و بعضاً حتی شرط ادامه‌ی کار کارگران را رفتن آنها به جبهه قرار داده‌اند. علاوه بر اینها در صورتی که کارگران اعزامی به جبهه‌ها، جان سالم بدر برده و موفق به بازگشت شوند، کمتر امکان بازیافتن کار قبلی خود را داشته و معمولاً برای همیشه از کار بیکار می‌شوند.

به این ترتیب رژیم ضدبشری خمینی، تاکنون هزاران تن از کارگران زحمتکش میهنمان را در جبهه‌های جنگ به کشتن داده و بازهم بر "سیخ کارگران" و به کشتن دادن هر چه بیشتر آنان اصرار می‌ورزد. به مجموعه فاکت‌های زیر در این رابطه توجه نمائید:

* **خمینی (اطلاعات - ۱۸ مرداد/۶۲):** "بار دیگر من به همه‌ی اهالی کشور تاکید می‌کنم که امروز باید توجه ما به این جنگ زیاد باشد... اینست که امروز همه‌ی جوان‌های ما موظفند که جبهه‌ها را گرم نگهدارند و بروند سراغ برادرانشان که در حال جنگ هستند."

* **اطلاعات (۳۰ تیر/۶۲):** "جلسه‌ی کمیسیون ویژه‌ی انجمن‌های اسلامی با حضور معاون نخست‌وزیر در امور نهادها در نخست‌وزیری تشکیل شد. در این جلسه... پیرامون اعزام نیرو و ارائه‌ی خدمات و امدادهای لازم برای جبهه‌های جنگ تحمیلی تصمیماتی اتخاذ شد."

* **جنتی (اطلاعات - ۲۵ تیر/۶۲):** "نیروئی که می‌تواند در خدمت جنگ باشد حرام است که در جاهای دیگر از او استفاده شود."

* **موسوی نخست‌وزیر (اطلاعات - ۷ مهر/۶۲):** "ساده‌اندیشی است که تصور نمائیم بسیج همه‌جانبه‌ی کارگران تنها در یک مقطع زمانی بکار می‌آید؛ باید تاکید کرد که بسیج کارگری همواره کمک و یاور انقلاب اسلامی و پشتیبان آن است."

* **مجاهد ۱۴۴ (۲۶ اسفند/۶۱):** "مدت ۲۰ روز است که کارگران کارخانه‌ی قند فریمان مشهد را به جبهه فرستاده‌اند. کارخانه‌ی قند فریمان تعداد ۵۲۰ نفر کارگر دائمی و ۱۵۰۰ نفر کارگر فصلی (غیر دائمی) دارد که بار اول ۴۱۰ تن از این کارگران یکجا به جبهه فرستاده شدند؛ اما هم‌اکنون تنها چند نگهبان و مسئول برق برای حفاظت کارخانه باقی مانده‌اند. انجمن

اسلامی شرکت ملی فولاد ایران (اطلاعات - ۲۳ تیر/۶۲): "واحد ذغال‌سنگ البرز مرکزی وابسته به شرکت ملی فولاد ایران از ابتدای جنگ تحمیلی تا اردیبهشت ماه سال جاری مبلغ ۱۲۷/۵۸۸/۵۱۲ ریال وجه نقد به جبهه‌های جنگ اختصاص داده و در این مدت ۵ شهید تقدیم کرده."

* **روابط عمومی شرکت واحد (کیهان - ۵ مرداد/۶۲):** "با همکاری انجمن اسلامی کارکنان این شرکت ۸۰ نفر از رانندگان و افراد فنی جهت یاری رساندن به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به ستاد پشتیبانی شرکت واحد اتوبوسرانی مستقر در اهواز اعزام شدند."

* **مدیرعامل کارخانه‌ی سیمان ری (جمهوری - ۲ شهریور/۶۲):** "بطور مستمر ۱۰ الی ۱۵ تن از برادران در طول جنگ در جبهه شرکت داشته و دارند."

* **وزیر راه و ترابری (کیهان - ۳ مهر/۶۲):** "حدود ۴ هزار نفر کارگر فنی (مکانیک) و راننده‌ی ماشین‌آلات راهسازی از ادارات مختلف به جبهه اعزام شدند."

* **کیهان (۵ آبان/۶۲):** "شرکت واحد در طول مدت جنگ ۲۰۶۹ راننده و کمک‌راننده‌ی اتوبوس و مینی‌بوس به مناطق جنگی اعزام کرده است که از میان افراد اعزام شده مجموعاً ۲۵ نفر شهید، اسیر و مفقودالاشرف شده‌اند. شهدای شرکت واحد در طول جنگ ۶ نفر راننده، ۲ نفر کمک راننده و ۲ نفر کارگر فنی و ساده، همینطور دو نفر کارمند و یک بلیط‌فروش می‌باشند."

* **اطلاعات (۱۱ آبان/۶۲):** "حدود یکصد و هشتاد تن از کارگران صنایع دفاع... رهسپار جبهه‌های نبرد شدند."

* **اطلاعات (۱۴ آبان/۶۲):** "در رابطه با جنگ تحمیلی نیز توسط کارکنان این کارخانه (کارخانه‌ی شیشه‌ی همدان) یک دستگاه آمبولانس خریداری شده و ۴۰ نفر از کارگران داوطلبانه (!) به جبهه‌های جنگ رفته‌اند."

* **مدیرعامل سرسپردگی کارخانه‌ی ناهید اصفهان (کیهان - ۱۴ آذر/۶۲):** "گروه‌های متعددی از افراد این کارخانه به دفعات به جبهه‌ها اعزام گردیده‌اند و تاکنون ۷ شهید، سه مجروح و یک اسیر... داشته‌ایم."

* **داناتی مدیرعامل کارخانه‌ی بافناز اصفهان (کیهان - ۱۴ آذر/۶۲):** "از شروع جنگ تحمیلی تاکنون دو تا چهار درصد کارکنان با توجه به امکانات محدود

کارخانه به جبهه‌ها اعزام شده‌اند."

* **عابدی مدیرعامل کارخانه‌ی سیمان فارس (اطلاعات - ۱۹ آذر/۶۲):** "برادران ما... تاکنون بیش از یک میلیون تومان در مراحل مختلف به جبهه‌ها کمک کرده‌اند. همچنین با اعزام نیروهای مختلف به جبهه که تعداد آنها به حدود یکصد نفر می‌رسد، در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی شهدایی نیز تقدیم کرده‌اند که تعدادشان تا آنجائیکه در خاطر من هست، پنج شهید می‌باشد."

* **سرپرست ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جهاد سازندگی آذربایجان شرقی (اطلاعات - ۲۷ آذر/۶۲):** "ستاد پشتیبانی جنگ در جهاد سازندگی آذربایجان شرقی... برای تأمین نیازهای انسانی پشتیبانی مستقر در محورهای عملیاتی، از برادران داوطلب متخصص فنی روستاها و شهرستان‌های استان بالغ بر سه هزار نفر را بسیج و به جبهه‌ها اعزام کرده است."

* **اطلاعات (۴ دی/۶۲):** "کارگران این کارخانه (کارخانه‌ی وارمنگس قم) بارها به جبهه اعزام شده‌اند. این کارخانه تعدادی شهید تقدیم... کرده است."

* **کیهان (۵ بهمن/۶۲):** "۷۵ نفر دیگر از رانندگان و افراد فنی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران عازم جبهه‌های نبرد شدند."

* **اطلاعه‌ی خانه‌ی کارگر (کیهان - ۲۹ بهمن/۶۲):** "دو کارگر از کارگران کارخانه‌ی کفش ملی که داوطلب جهادگری و بازسازی شهرهای جنوب بودند، در اولین روز از ششمین سال بهار آزادی به لقاء حق شتافتند."

* **روابط عمومی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران (کیهان - ۶ اسفند/۶۲):** "به یمن پیروزی اخیر رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۶ صبح روز پنجشنبه حدود ۱۲۰ تن دیگر از افراد فنی و راننده‌ی این شرکت عازم ستاد پشتیبانی شرکت واحد در جنوب کشور شدند... شرکت واحد از ابتدای جنگ تاکنون بطور مستمر گروه‌های افراد فنی و راننده‌ی خود را جهت سرویس‌دهی به رزمندگان اسلام به ستادهای پشتیبانی جبهه‌اعزام و شهدای زیادی نیز تقدیم کرده است."

* **هاشمی وزیر صنایع (کیهان - ۸ دی/۶۲):** "هیچ مدبری حق ممانعت از کارگران را

ندارد و نیز حق ندارد کارگری را به جرم رفتن به جبهه اخراج کند. اگر اینگونه موارد باشد ما با آن برخورد فعال خواهیم کرد."

* **گنجهای قائم مقام وزارت کار (کیهان - ۶ آذر/۶۲):** "ادارات کار موظف به جانبداری از کارگرانی هستند که برای مدتی به جبهه‌ها می‌روند و نباید این کارگران به هیچوجه نگران از دست دادن کار خودشان باشند."

* **کیهان (۵ مهر/۶۲):** "عوامی که در گسر بودجه‌ی کشور در حال جنگ دخالت دارد بشرح زیر است:

۱ - در نتیجه‌ی اعزام نیروهای مولد به جبهه‌ها معمولاً رکودی در تولید پدید می‌آید که این رکود باعث پائین آمدن درآمدها می‌شود. ۲ - ..."

* **مدیرعامل سازمان صنایع ملی (کیهان - ۱۷ آبان/۶۱):** "در صورتیکه بنا به تشخیص مسئولین مربوطه وظایف شما (کارگران) در کارخانجات توسط سایر برادران جبران شدنی است حضورتان در جبهه‌ها اجری عظیم و سریلندی ابدی بدنبال داشته و..."

* **کمالی نماینده‌ی تهران در مجلس (اطلاعات - ۲ آبان/۶۲):** "در مدت سه سال جنگ... بسیج کارگران و اعزام گروه‌گروه از آنان به جبهه‌های نبرد که با تلاش و سازماندهی بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توأم بود، به برادران عزیز ما امکان شرکت در این جنگ مقدس (!) و سرنوشت‌ساز را بخشید و اکنون در سراسر خطوط مقدم جبهه و پشت جبهه حضور فعال این برادران را می‌توان به چشم دید."

* **فرمانده‌ی سپاه پاسداران منطقه‌ی ۱۰ (کیهان - ۳۰ شهریور/۶۲):** "تاکنون ۴۵ کارخانه بسیج شده و حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند."

* **جمهوری (۱۱ اسفند/۶۲):** "جلسه‌ی گانوی هماهنگی انجمن‌های اسلامی کارخانجات جاده‌ی قدیم برگزار شد... یکی از مسئولین جلسه گفت: فعلاً بزرگ‌ترین مسئله جنگ است و هیچ چیزی نباید آنرا تحت‌الشعاع قرار دهد."

به مقیاس وسیعی برادران به جبهه اعزام شده‌اند که انشاءالله تا پیروزی نهائی رزمندگان اسلام بر گفتر جهانی ادامه خواهد یافت."

سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر می کند:

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته هائی

از زندان ها و شکنجه گاههای

رژیم ضد بشری خمینی

گزارش اول: (قسمت چهاردهم)

زندان و زندانی



* نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان و شکنجه گاه از مجموعه زندانها و شکنجه گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش * اسامی و مشخصات ۵۷۲ تن دیگر از شکنجه گران و دژخیمان رژیم خمینی

قسمت چهاردهم از گزارش اول "زندان و زندانی" را به افشای لیست زندانها و شکنجه گاههای آشکار و پنهان خمینی ضد بشری که در ۱۸ اسفندماه جاری توسط برادر مجاهد مسعود رجوی به دبیرکل ملل متحد ارسال شده؛ اختصاص داده ایم. در این بخش ابتدا با انواع زندانها و ارگانهای سرکوبی که مسئولیت زندانهای گوناگون رژیم خمینی را به عهده دارند و همچنین مکانهایی که تبدیل به زندان شده اند، آشنا می شویم و سپس با مطالعه لیست، باز هم به ایفای جنایت و سرکوب در رژیم خمینی بیشتری خواهیم برد. در این شماره همچنین لیست دوم اسامی شکنجه گران و دژخیمان خمینی که شامل نام و مشخصات ۵۷۲ تن دیگر تن از جلادان و دژخیمان خمینی در شهرهای مختلف است منتشر گردیده است.

لازم به توضیح است که در فاصله ای ارسال لیست فوق الذکر به دبیرکل سازمان ملل متحد تا زمان چاپ این شماره، تعداد دیگری از اسامی و مشخصات زندانها و شکنجه گران و... تکمیل شده که مجموعه آنها را ملاحظه می کنید:

وجود دارد (۳) و امروز در ردیف آمار شگفت انگیزی که خمینی در مسائل گوناگون ارائه داده است، رقم حیرت آوری نیز در باری تعداد زندانهای علنی، نیمه علنی و مخفی وجود دارد.

کثرت زندانها در رژیم خمینی گواه چیست؟

تعدد زندانها در رژیم ضد بشری خمینی پلید، جز گواه عدم مشروعیت رژیم و مقابلا جز نشان مقاومت قهرمانانهی فرزندان مجاهد و مبارز خلق کبیر ایران و زنده بودن و فروزانتر شدن آتش انقلاب بر علیه نظام قرون وسطائی خمینی نیست.

اگر از جهتی دیگر مسئله را مطرح کنیم به این سوالات خواهیم رسید: آیا اگر رژیم خمینی مشروع و پذیرفته شده بود، این همه زندان و زندانی سیاسی موضوعیتی داشت؟ و آیا اگر خلق تن به تسلیم و زبونی داده بود، ارتجاع را خوشتر آن نبود که چون آغاز سلطه اش در نقاب "فرشتهی رحمت"!! خود را نشان بدهد و این همه خشونت و وحشیگری را بکار نگیرد؟

وجود این همه زندان که اکثریت به زنجیر کشیده شدگان آنها را مردان و زنان و حتی کودکان خردسال و مادران و پدران سالخوردهی مجاهد خلق تشکیل می دهند، از جهتی نیز چهره ی اسلام انقلابی را هرچه درخشانتر در عرصه ی نبرد با آنچه که دجال خون آشام قرن بنام اسلام ارائه می کند، نشان

"خمینی" در مدارهایی بس بالاتر در خیانت به خلق، ماموریت شاه را بخصوص در کشتار و زندانی کردن انقلابیون و طبعاً در ساختن زندانهای هرچه بیشتر، ادامه داد.

با نگاهی به تاریخ تاسیس زندانهای رژیم خمینی، بهتر و روشن تر این مسئله را درک می کنیم. خمینی تنها یکی دو ماه پس از سقوط رژیم شاه، زندانهای شه ساخته را بکار گرفت و کم کم نیمه ساخته ها را هم تمام کرد؛ مراکز ساواک و خانه های امن را دوباره دایر و برقرار ساخت و سپس شروع به ساختن و کشف!! زندانهای جدید نمود. (۲) و این در حالی است که خمینی و دارو-دسته ی او، در رساله ها و نوشته های خود تاکید می کردند که براساس نقطه نظرهای باصلاح اسلامی شان، کمتر جایی برای زندانی و زندانی کردن

این زندانها علنی بودند و برخی نیز غیر علنی و بقول معروف "زندانهای بی تابلو" که در آن دژخیمان به شکنجه و کشتار مبارزین می پرداختند. (۱) همراه با اوج گیری مبارزات خلق و بویژه پس از آغاز نبرد مسلحانه توسط سازمانهای پیشتاز انقلابی و بطور مشخص "سازمان مجاهدین خلق ایران" و "سازمان چریکهای فدائی خلق" و سرازیر شدن موج انقلابیون و نیروهای هوادارانها به صحنه ی نبرد، شاه خائن ضرورت احداث زندانهای بازهم بیشتر را حس کرد و در همین رابطه بود که زندانهای

"اوین"، "قزل حصار"، "زندان مشهد"، "زندان تبریز"، "زندان شیراز"، "زندان اصفهان" و چند زندان دیگر با سیستم جدید و همکاری مستشاران خارجی ساخته شد. در این دوران علیرغم اوج گیری جنبش و لبریز شدن زندانها از انقلابیون و مبارزین، رژیم شاه از سیاست تمرکز زندانها عمدتاً در چند شهر بزرگ پیروی می کرد. زیرا تعدد زندانها و پخش آنها در شهرهای مختلف، باعث ایجاد جو سیاسی و بالا رفتن آگاهی خلق و خشم و نفرت از رژیم می شد. ولی در اواخر حکومت شاه ادامه ی این سیاست دیگر امکان پذیر نبود. کثرت زندانی سیاسی، زندانهای بیشتری را طلب می کرد و لاجرم دست به ایجاد و تاسیس چند زندان دیگر زد و همراه با آن - علاوه بر شدت کشتار - بر تعداد خانه های امن ساواک و زندانها و شکنجه گاههای مخفی خود افزود، ولی قیام خلق مجال جنایت بیشتر به او نداد و شاه فرار کرد و بدانگونه که شایسته ی عنصر خود فروخته و خیانت - پیشه ی او چون بود، زندگی ننگین خود را به پایان برد. ولی

مستعار است که خمینی دجال برای خود انتخاب کرده است): "اسلام برخلاف قوانین کفری امروزی، تنها در چند مورد برای برخی از مجرمین زندان مقرر داشته ... شاید به علل زیر، اسلام در کمتر موردی زندان را کیفر قرار داده است:

- زندان معمولاً جای مناسبی برای بیکاران و افراد مطرود جامعه است.
- اداره ی زندانها و خرج های آن تحمیلی است بر بیت المال
- زندان محل گرد آمدن انواع جنایتکاران و فرا گرفتن راههای جرم و تجربه های مجرمین از یکدیگر است.
- محل کسب و جهد برای زندانیان سیاسی
- سرگردانی برای خانواده های زندانی

۱- از جمله ی این زندانهای بی تابلو در اوایل حکومت شاه شکنجه گاه مخفی "باغ مهراں" بود که در آن "کوچک شوشتری" و "وارطان" در زیر شکنجه های وحشیانه به شهادت رسیدند.

۲- "کشف" از این جهت که خمینی با تبدیل مراکز و ساختمانهای مختلف به زندان (چنانکه خواهیم دید) مشکل خود را در زمینه ی ساختن زندان تا حدود زیادی حل کرده است؛ زیرا از دانشگاه و مدرسه و مهد کودک گرفته تا گاراژ و... را در این رابطه بکار گرفته است.

۳- در رساله ی نوین خمینی پلید جلد ۴ بخش مسائل سیاسی و حقوقی، شارح رساله، نظر خمینی را چنین توضیح می دهد (البته مدتهاست دیگر روشن شده که "اسلام" یکی از اسامی

... رژیم شگفت انگیز با رکوردهائی شگفت انگیزتر!!

رژیم سیاه و ضد بشری خمینی را از جهتی می توان دارنده ی رکوردهای شگفت انگیز دانست ولی این رکوردها را با اعداد حیرت آور، چنانکه سردمداران رژیم گاه و بیگاه (و با پشت سر نهادن تمامی مرزها در وقاحت و بیشرمی) ادعا می کنند، در وجود بالاترین درجات آزادی!! عدالت اجتماعی!! عطف!! و چیزهایی از این قبیل نباید جست؛ این رکوردها را در آمار کشته های جنگ، لشکر عظیم بیکاران و آوارگان، ارقام حیرت آور چپاول و غارت، کثرت معلولین، ارقام حیرت انگیز انقلابیون شهید و اسیر و از جمله تعداد زندانهای رژیم (که در این شماره نام و نشانی برخی از آنها را ملاحظه می کنید) باید نظاره کرد...

پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه، با توجه به بافت و وضعیت حکومت او و تکیه بر نظامی گری، اکثر مسائل زندان و زندانی سیاسی در رابطه با مراکز نظامی (پادگانها، ستادها و...) حل و فصل می شد؛ یعنی در این مراکز زندانیان، بازجوئی، شکنجه و نگهداری و برخی از آنان نیز به جوخه های آتش سپرده می شدند. گذشته از این مراکز تعدادی از زندانهای قدیمی و بازمانده از زمان قاجاریه نیز مورد استفاده قرار می گرفت.

پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاه برای مدتی کوتاه، درب زندانها گشوده شد. ولی دوباره و بتدریج زندانها دهان گشود و طعمه طلب کرد و همراه با مبارزات مردم و نیروهای مبارز تعداد زندانها بیشتر، دیوارها بلندتر و قطورتر و سلولها تیره تر از قبل گشت و "شاه" برای باقی ماندن بر تخت سلطنت، گذشته از بکار گرفتن زندانهای "قزل قلعه"، "شکنجه گاههای نظامی"، "زندان موقت"، "زندان قصر"، "زندان باغشاه"، "قلعه ی فلک الافلاک"، "زندان بندرعباس"، "زندان رضائیة" و... دست به تاسیس زندانهای جدید زد. برخی از

ابتدا برای اینکه درک درستی از "ماموریت" خمینی در ادامه ی ماموریت اسلاف تاریخی اش داشته باشیم، بدنیست که اندکی به عقب بازگردیم و اشارهای به زندانها در رژیم پلید شاهنشاهی داشته باشیم.



سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی
از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های
رژیم ضدبشری خمینی

می‌دهد و سرانجام، کثرت زندان‌ها نشانه‌ی آنست که رژیم خمینی را هیچ سرنوشتی جز سقوط محتوم نیست؛ رژیمی که راه حل تمامی مسائل خود را در جنگ و تخریب و سرکوب و کشتار و شکنجه و به زنجیر کشیدن و ... می‌جوید.

همه جا زندان! زندان در همه جا!!

... "همه جا زندان! زندان در همه جا!!"، برای درک این جمله پس از مطالعه‌ی لیست زندان‌ها و برای تکمیل آنچه که دانسته‌اید نقشه‌ی ایران را جلوی روی خود باز کنید. شهرهای بزرگ و بخش‌های کوچک و بزرگ و حتی روستاهای بزرگ را بنگرید، بی‌تردید اگر امکانی وجود داشته باشد که کسی به مراکز سپاه و کمیته و بسیج در این نقاط سری بزند، در اکثر این مراکز تعداد چشمگیری زندانی سیاسی خواهد یافت و نام و نشان بخشی از زندان‌ها نیز بر آن دلالت می‌کند. بدینگونه است که باید برای ترسیم وضعیت خمینی این جمله موجز را بکار برد "همه جا زندان... زندان در همه جا" و باور داشت که زندان‌های "اوین"، "قصر"، "قزل‌حصار"، "مشهد"، "اصفهان"، "شیراز"، "تبریز" و ... تنها مهره‌هایی درشت از چندین و چند دور تسبیح زندان‌های رژیم خمینی‌اند!

برای درک بهتر وضعیت زندان‌ها در رژیم خمینی، بگذارید بازهم آنها را مرتب‌تر و ملموس‌تر بررسی کنیم.

انواع زندانها

... شاید اگر فرصت بیشتری در اختیار داشتیم و صفحات نیز گنجایش منعکس نمودن تمامی ویژگی‌های زندان‌های خمینی خون‌آشام را داشت، می‌توانستیم با گشودن تک‌تک پرونده‌هایی که از زندان‌ها در دست ماست، اطلاعات دقیقی را درباره‌ی هر یک از زندان‌ها و شکنجه‌گاهها و آنچه که در آنها می‌گذرد، در اختیار شما قرار دهیم (۱) ولی امکانات محدود است و مسائل فراوان و پرونده‌ی عملکردهای

مراکز ذکر شده تحویل گرفته و به زنجیر می‌کشند. در این نوع زندان‌ها نیز شکنجه و کشتار زندانیان آمار بالایی را به خود اختصاص می‌دهد و بسیاری از تیرباران‌ها در این زندان‌ها انجام می‌گیرد. زندان‌های سپاه در بسیاری از شهرها، بزرگ‌ترین زندان‌ها از لحاظ مساحت و ساختمان است و اگرچه در برخی از شهرها زندانیان سیاسی و عادی رامشترگا در خود جای داده‌اند، ولی بررسی دقیق پرونده‌های این نوع زندان‌ها نشان می‌دهد که در اکثر زندان‌های سپاه، بخش عمده‌ی اسیران را عناصر انقلابی و مبارز تشکیل می‌دهند و زندانیان عادی اکثراً به زندان‌های شهربانی انتقال می‌یابند و یا در زندان‌های علنی و ویژه‌ی جدای از انقلابیون نگهداری می‌شوند. در این رابطه بایست توجه داشت که در هر شهر معمولاً زندان‌های سپاه از یکی بیشتر است و در بعضی شهرها نزدیک به ده زندان تحت نظر و مسئولیت سپاه دایر و مشغول بکارند. در هر شهر و مرکز استان زندان علنی سپاه در داخل مرکز سپاه قرار دارد و زندان‌های نیمه علنی و مخفی آن در نقاط مختلف شهر و گاه در نقاط دورافتاده‌ی خارج از شهر قرار گرفته‌اند. برای نمونه و بخاطر آشنا شدن به وضعیت زندان‌های سپاه، توجه شما را به دو گزارش از انبوه گزارشات جلب می‌کنیم:

زندان اصلی سپاه در گرگان

"..... محوطه‌ی کل زندان که بصورت باغی بزرگ است و درختانی بلند و قطور در آن وجود دارد، نزدیک به ۳۰۰۰ متر است که شامل:

- ۱ - ساختمان شماره ۱ (بزرگ) که در وسط محوطه قرار گرفته و دارای در و دو طبقه است.
- ۲ - ساختمان شماره ۳ و ۴، که محل زندانی کردن خواهان است.
- ۳ - ساختمان شماره ۵،

که شکنجه‌گاه می‌باشد. در قسمت ۸ سابقاً اداره‌ی پست و تلگراف وجود داشت که رژیم آنجا را نیز به علت کثرت زندانیان تبدیل به زندان کرد و در فاصله‌ی بین ساختمان ۳ و ۶، در قسمت پرداخت، تاکنون نزدیک به ۱۵۰ تن از نیروهای مجاهد و انقلابی تیرباران شده‌اند." (رجوع شود به گروه‌ی شماره ۱)

یکی از زندانهای

نیمه‌علنی سپاه در بهشهر (زندان عباس‌آباد)

"... این زندان از سال ۵۸ شروع به کار کرده است. از تابستان ۵۹ محل آموزش سپاه نیز بود و به علت دوری از شهر سرانجام بالکل تبدیل به زندان شد و بعد از ۳۰/۳۰ خرداد/۶۰ مورد بهره‌برداری وسیع قرار گرفت. زندان عباس‌آباد که در کیلومتر ۸ جاده‌ی گرگان - بهشهر، در محل قصر شاه‌عباس (سابق) قرار دارد، بیش از ۵۰۰ زندانی را در خود جای داده و مقاوم‌ترین زندانیان مازندران را برای اعمال شکنجه‌های پیچیده‌تر به این زندان می‌برند. در این زندان وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و رذیله‌ترین اعمال توسط مزدوران انجام می‌گیرد و تحت نظر "کشتگر" قرار دارد. از نکات قابل توجه در این زندان، مسافرت‌های مداوم احمد توکلی جنایتکار وزیر سابق کار و نماینده‌ی ضدخلقی مجلس برای شکنجه‌ی زندانیان به این زندان است. از دیگر عناصر فعال در این زندان، می‌توان از مهدی مهدوی رئیس سپاه بهشهر، عباس شریعتی بازجوی ویژه‌ی مازندران، اسماعیل صدیق فرزند یکی از سرمایه‌داران بزرگ بهشهر و شکنجه‌گر حرفه‌ای، حسین رنجبر مسئول تجاوزات و زدن تیرخلاص به زنان زندانی و حسین مهرزادی ساواکی سابق و شکنجه‌گر فعلی نام برد...."

۲- زندانهای کمیته

زندان‌های کمیته بطور عمده زیر نظر آخوندها، عناصر فعال و ویژه‌ی حزب جمهوری، تجار و حاجی بازاری‌های وابسته به خمینی و مسئولین انجمن‌های اسلامی اداره می‌شود. ویژگی این زندان‌ها را در دو چیز می‌توان خلاصه کرد:

۱ - بالا بودن درجه‌ی فساد و رذائل اخلاقی مسئولین و عناصر فعال در آن

۲ - وجود خشونت لجام گسیخته برای توضیح بیشتر و درک بهتر موارد فوق‌الذکر، باید گفت که اگرچه فساد اخلاقی و رذائل و شرارت‌های توصیف‌ناپذیر در تمامی زندانبانان و شکنجه‌گران خمینی پلید وجود دارد، ولی وجود این فساد در زندان‌های کمیته‌ها ویژه است و می‌توان گفت که مشتی از ویژه‌ترین جانپان رژیم در این زندان‌ها مشغول بکارند، جانیانی که گاه وجود فسادهای اخلاقی در آنان

حتی موجب بروز تضاد در میان خودشان نیز شده است. در این کمیته‌ها شدت خشونت بدوی آنچنان زیاد است که در پاره‌ای اوقات، فرد دستگیر شده در همان ساعات اول شکنجه در زیر ضربات مشت و لگد و چاقو به شهادت رسیده است. زندان‌های کمیته با آنکه قاعدتاً می‌بایست پس از دستگیری متهمین! آنان را پس از بازجویی‌های مقدماتی به دیگر مراکز سرکوب رژیم تحویل بدهند، اکثراً از این کار خودداری می‌کنند و نوعی خانجانی و حکومت ملوک‌الطوایفی در بین آنها وجود دارد که گاه موجب شده است که برای بیرون آوردن اسیری از چنگ دیگر کمیته‌ها، درگیری‌هایی نیز (گاه مسلحانه) پیش آید. زندانهای کمیته با آنکه قاعدتاً باید تعداد کمی زندانی را در خود جای دهند، ولی گاه آمار زندانی‌هاشان به صدها تن می‌رسد. مثلاً زندان کمیته‌ی ۱۰ تهران در میدان خراسان، گاراژ بزرگی را در کنار خود تبدیل به زندان کرده و حدود ۴۰۰ تن را در آنجا به زنجیر کشیده است؛ و یا کمیته‌ی مرکزی قائم‌شهر که ۷۰۰ زندانی را در خود جای داده است. عناصر و افراد فعال در زندان‌های کمیته‌ها را صرف‌نظر از مسئولین درجه‌ی اول و دوم، عموماً لمپن‌ها و چاقوکش‌های حرفه‌ای و فاسد تشکیل می‌دهند. برای ملموس شدن بیشتر وضعیت این نوع زندان‌ها، توجه شما را به دو گزارش جلب می‌کنیم:

گزارش الف:

"... کمیته‌ی مرکزی مشهد در سال ۵۹ تاسیس شد. البته قبل از آن هم آنجا محل فعالیت‌های مزدوران بود، ولی در سال ۵۹ با انتخاب شیخ عباس موسوی قوچانی به ریاست این کمیته رسماً بکار پرداخت. این کمیته که روبروی دارائی مشهد و در محل سابق حزب ایران نوین دایر شده بود، گنجایش بیش از ۲۰ نفر را نداشت، ولی شیخ عباس نزدیک به صد نفر را در آن به زنجیر کشیده بود و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در مورد آنان بکار می‌گرفت و در این اعمال از پشتیبانی دائمی "طیسی" پورقی:

۱ - علیرغم دقت‌های فوق‌العاده‌ی مرتجعین حاکم در استحکام زندان‌ها و درز نگردن اخبار آنها به خارج، تعداد قابل توجهی از رزمندگان مجاهد خلق تاکنون موفق به فرار از زندان‌های مختلف رژیم شده‌اند که در آینده، در حد امکان گزارشات آنها را به آگاهی شما می‌رسانیم.

سلسله خاطرات، گزارشات
و نوشته‌هایی

از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ...

حزبی و وابستگان به رژیم (فالانژها) اداره می‌شوند، اگرچه اکثراً هر یک تعداد نه چندان زیادی زندانی سیاسی (از ۱۰ تا ۱۰۰ و در برخی موارد بیشتر) را در خود جای می‌دهند، ولی از نظر تعداد زیاد و پراکنده بودن در کلیه بخش‌ها و روستاهای نسبتاً بزرگ، قابل توجه‌اند و از این بُعد تعداد زیادی زندانی را بالمجموع در خود جای داده‌اند. این زندان‌ها بویژه در شمال کشور و جنگل‌های گیلان و مازندران نقش ویژه‌ای داشته و در آنها نیز خشونت لجام گسیخته و شدیدی اعمال می‌شود.

۴- زندانهای شورائی !!

زندان‌های "شورائی" !! که با نام پرمعنی خود، کاربرد "شورا" و مشارکت را نیز در قاموس خمینی و رژیم او نشان می‌دهد، مهمترین

زندان‌ها که هر یک خود وضعیت حکومتی مستقل (و شبیه به حکومت‌های ملوک‌الطوایفی قرون وسطی) را دارند، هر نوع جنایت و خیانتی به راحتی آب خوردن اتفاق می‌افتد و هیچکس نیز مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد و مسئله با یاری! حکام ضدشرع، مسئولین بالا و دیگری که در این نوع زندان‌ها مشغول بکارند، فیصله می‌یابد و مزدوران با مشارکت در امر جنایت تا اندازه‌ای از تضادهایشان کاسته‌اند. بالاترین نمونه‌ی زندان‌های شورائی، زندان "اوین" در تهرانست. (۱) در شهرستان‌ها نیز معمولاً مراکز سابق ساواک که اینک تبدیل به شکنجه‌گاه‌هایی بس مخوف‌تر از سابق شده‌اند، به صورت شورائی اداره می‌شوند. مسئله‌ی دیگری که در زندان‌های شورائی قابل توجه است، تغذیه‌ی مداوم این زندان‌ها از دیگر انواع زندان‌هاست و درخیمان به‌راحتی هر کس را که بخواهند از دیگر زندان‌ها به این مراکز منتقل می‌کنند؛ اکثر شکنجه‌های وحشیانه و کشتن اسیران در زیر شکنجه، در این نوع زندان‌ها

گزارش اول:

"یکی از زندان‌های مخفی خمینی که تحت نظر سپاه پاسداران اداره می‌شود، زندانی است که در اصفهان در محل باغ و خانه‌ی یکی از فتووال‌های معروف اصفهان بنام "کاشفی" قرار گرفته است. حدود نیمه‌های سال ۶۰ با شنیدن فریادهای دردآلود و گاه تیراندازی‌هایی که در نیمه‌شب انجام می‌گرفت،

از تمامی هموطنان و بویژه هواداران سازمان و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی می‌خواهیم در تکمیل لیست ما را یاری رسانند و هرگونه اطلاعاتی از هر زندان و یا شکنجه‌گاهی دارند، آنرا بطور دقیق نوشته و بارعبایت مسائل امنیتی برای ما ارسال دارند. ضمناً در تکمیل و تصحیح لیست حاضر نیز در صورت امکان در بیخ نورزند طبیعی است که هرگونه نشانی کوچکی نیز می‌تواند در راهی باشد که ما را در تحقیقاتمان یاری رساند. این اطلاعات می‌تواند تحت محورهای نام زندان، تاریخ تاسیس، آدرس، نام مسئولین و شکنجه‌گران، اسامی زندانیان، و هرگونه اطلاعات متفرقه‌ی دیگری نوشته شود.

انجام می‌گیرد. زندان‌های "شورائی"، تماماً مخصوص زندانیان سیاسی است.

۵- زندانهای "بی‌تابلو"

"زندان‌های بی‌تابلو" که بخشی از عمده‌ترین، ناشناخته‌ترین و مخوف‌ترین زندان‌های پیرکفتار خون‌آشام ارتجاع، خمینی ضدبشر را در سراسر ایران تشکیل می‌دهند، نا جانی که ما اطلاع داریم از زنجیره‌ی طولانی خانه‌های امن و مخفی سپاه ضدخلقی و کمیته‌ها، زندان‌های تحت پوشش مراکز مبارزه با مواد مخدر و جهاد سازندگی و ...، زندان‌های "ساواما"، زندان‌هایی که تحت نظر برخی گروه‌های فوق ارتجاعی و تروریستی خمینی نظیر باصطلاح "مجاهدین انقلاب اسلامی"، "المراقبون"، "۷۲تن"، "شیت"، و ... تشکیل شده‌اند. این زندان‌ها را باید جامع تمامی ویژگی‌های

جنایتکار نماینده‌ی خمینی در مشهد برخوردار بود. شیخ عباس موسوی قوچانی که قبل از عهده‌دار شدن مسئولیت این کمیته، پرونده‌های تنگینی در رابطه با فساد اخلاق (از جمله دو پرونده‌ی تجاوز در "شاندیز") داشت، در رابطه با زندانیان چنان جنایات و شرارت‌هایی مرتکب شد که سران رژیم در مشهد مجبور شدند او را برای خوابانیدن سروصدای مردم از مشهد برای مدتی به جبهه بفرستند که در آنجا به موعظه و ارشاد سربازان بپردازد که در اولین روزهای ورود به طور اتفاقی به هلاکت رسید!! و رژیم نیز تجلیل زیادی از این مزدور جنایتکار که دوبار نیز مورد حمله‌ی واحدهای عملیاتی مجاهدین قرار گرفته و جان سالم بدر برده بود، به عمل آورد!"

گزارش ب:

"... زندان کمیته‌ی قائم شهر که روبروی دبیرستان ناموس - خیابان ساری - جنب اداره‌ی فرهنگ قرار دارد، بیش از ۷۰۰ زندانی را در خود جای داده است. این ساختمان جزو خانه‌هایی بود که رؤسای فرهنگ زمان شاه در آن سکونت داشتند که پس از روی کار آمدن خمینی در این ساختمان تغییراتی دادند و با بنای ساختمان‌های جدید و چهار برج مراقبت و بلند کردن دیوارها، آنرا به زندان و شکنجه‌گاه تبدیل کردند. این زندان محل اکثر شکنجه‌ها، تجاوزات و تیرباران‌هاست و تحت نظر دو تن از فاسدترین اراذل رژیم خمینی، یعنی آخوند موحدی و مختار اسماعیلی اداره می‌شود..."

۳- زندانهای بسیج

زندان‌های بسیج بطور عمده در بخش‌ها و روستاها و در رابطه با نیروهای مبارز و انقلابی فعالیت دارند و اکثراً روستائیان مبارز و نیروهای انقلابی را که در نقاط دور دست و بخش‌ها و روستاهای دور افتاده به فعالیت می‌پردازند، به زنجیر کشیده‌اند. زندان‌های بسیج ضدخلقی که اکثراً تحت نظر سپاه ضدخلقی و مسئولیت آخوندها، عناصر

گزارش دوم:

"... زندان "آق‌بابا" در روستای "آق بابا واقع در جاده‌ی رشت" از زمره‌ی زندان‌های مخفی در رژیم خمینی است. این محل قبلاً موزه و محل تصمیم‌گیری و حرکت رضاخان به طرف تهران بوده است و دارای اتاق‌های زیادی نیست، ولی رژیم خمینی با استفاده از اصطبل‌های وسیع موجود در این محل، تعدادی زندانی را در آنجا به زنجیر کشیده است"

گزارش سوم:

"... در ساختمان‌های نوساز مصادره شده در خیابان آبخار در امتداد رودخانه، در یکی از زندان‌های مخفی رژیم خمینی در اصفهان، ۳۰۰ زن و دختر مجاهد و انقلابی به زنجیر کشیده شده‌اند. سرپرست این ساختمان‌ها زنی بنام "شهبازی" و همسر "استاد مصطفی جبارزاد" یکی از عوامل رژیم است. طبق یک گزارش موثق در اسفند ۶۱ (نیمه‌ی دوم)، ۷۰ زن و دختر مجاهد خلق را در یکی از این خانه‌ها به رگبار بستند و شبانه اجسادشان را به وسیله‌ی کامیون به نقطه‌ای نامعلوم حمل کردند..."

گزارش چهارم:

"زندان "شیرینو" نیز از زندان‌های پرت و مخفی رژیم خمینی است. جریان دایرشدن آن بدین صورت بود که از اوایل سال ۶۱، رژیم مقرر سپاه "بیدخون" را به "شیرینو" منتقل کرد و متعاقباً تعدادی از پاسداران "گاوبندی"، "چاه مبارک"، "علویه"، "طاهری" و "لنگان" را به "شیرینو" منتقل کرد و باصطلاح آنجا را به مرکز سپاه تبدیل نمود و همراه با عده‌ای از اوباش و راهزنان منطقه‌ی "لامرد" که توسط سپاه "گاوبندی"، "چاه مبارک" و "بندرعباس" حمایت می‌شدند، مردم را تحت فشار قرار دادند. رئیس این گروه اوباش "عبدالکریم کریمی زنگنه‌ای" بود که خود دادگاه و زندان

پاورقی:

۱- در "اوین"، نگهبانی خارج زندان، پشت بام‌ها و داخل بندها به ترتیب بین نیروهای بسیج، کمیته‌ها و پاسداران تقسیم شده و در داخل زندان نیز عناصر کیفی این سه ارگان جنایت و سرکوب به خدمت خمینی پلید گمر بسته‌اند.



سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های...

"گلخانه"! گذاشته‌اند و این زندان بوسیله سپاه و شهربانی مشترکا اداره می‌شود (به کروکی شماره ۳ رجوع شود)

همچنین زندان شهربانی "دستگرد" به ۱۴ بند تقسیم شده که ۷ بند آن عادی و ۷ بند آن سیاسی است و بندهای سیاسی آن مستقیماً بوسیله جلاخان سپاه اداره می‌شود و در هر بند سیاسی بین ۱۲۰ تا ۱۷۰ نفر به زنجیر کشیده شده‌اند. این زندان از قلعه‌هایی است که در اواخر حکومت شاه برای ۵۰۰ تن ساخته شده بود و اکنون بیش از ۲۰۰۰ زندانی دارد و بدینگونه در هر شهر می‌توان در زندان‌های شهربانی تعداد کثیری زندانی سیاسی و انقلابی یافت. در بندهای سیاسی زندان‌های شهربانی نیز شکنجه و آزار زندانیان بشدت رایج است.

زندان‌های ژاندارمری و یا زندان‌هایی که در حیطه مراکز ژاندارمری قرار دارند نیز در رژیم ضد بشری خمینی به مراکز شکنجه و اسارت انقلابیون تبدیل شده‌اند. مجموعه گزارشات مفصل و موثقی که در دست ماست، نشانگر این واقعیت است که گاه در این نوع زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها که تحت نظارت مستقیم سپاه ضد خلقی و دوایر سیاسی - ایدئولوژیک ژاندارمری قرار دارد، شدت اعمال شکنجه‌ها در بالاترین حد ممکن است. به عنوان مثال وضعیت یکی از زندان‌هایی که در پادگان ونک تهران (قسمت ژاندارمری) مشرف به درب ترابری پشت پادگان قرار دارد، بدین صورت است:

"این زندان ۵ الی ۶ سلول انفرادی و دو اتاق عمومی دارد. در پشت‌بام زندان دستگاهی قرار داده‌اند که همانند کولر کانال‌کشی شده و معادل ۲۰ الی ۳۰ درجه سولول انفرادی می‌رساند. در داخل هر سلول یک دستشوئی و یک توالت قرار دارد. این زندان قبل از سال ۵۷ ساخته شده و متعلق به ساواک بود که در حال حاضر

به علت کمبود جا و کثرت زندانیان، انباشته از زندانی است و شدت شکنجه‌ها در آن گاه شگفت‌انگیز است. (به کروکی شماره ۴ مراجعه شود)

۷- زندان‌های دادسراها و دادگاهها و زندان‌های ویژه ارتش و شهربانی

به غیر از زندان‌های ششگانه‌ی فوق، از زندان‌های مستقر در مراکز دادسراها و دادگاه‌های انقلاب!! می‌توان نام برد که اکثراً به‌عنوان زندان موقت بکار گرفته می‌شوند. البته این نوع زندان‌ها را نیز باید در چارچوب زندان‌های سپاه محاسبه کرد.

اما در مورد زندان‌های ویژه نیروهای انقلابی و مبارز نیروهای نظامی و انتظامی (مانند جمشیدیه)، در آینده طی گزارشی وضعیت آنها را به آگاهی شما خواهیم رسانید.

دارد؛ کشف از این نظر که رژیم خمینی در اکثر شهرها زحمت زندان‌سازی را به خود نداده و یا با تبدیل مراکز مختلف و مکان‌های گوناگون به زندان مشکل، خود را در این زمینه، حل کرده است!! و بد نیست برای درک عملکرد رژیم خون‌آشام قرن، نظری به وضعیت ساختمان‌هایی که خمینی آنها را تبدیل به زندان نموده است، بیان‌داریم (۱). این ساختمان‌ها عمدتاً عبارتند از:

مراکز دانشگاهی (دانشکده‌ها، دبیرستان‌ها، دانشسراهای مقدماتی و راهنمایی)، کودکستان و مهد کودک و شیرخوارگاه، هتل، باغ مرکبات بعضی از خانه‌های صادره‌ای، کاروانسرا، موزه، کاراز، بیمارستان، مراکز سابق احزاب رستاخیز و ایران نوین، سازمان جوانان شیر و خورشید و خانه‌های پیشاهنگی، برخی از مراکز گروه‌های سیاسی، برخی از کارخانه‌ها، برخی باشگاه‌ها، برخی از کاراژها، اصطبل، غسالخانه و ...

باید توجه داشت در اکثر زندان‌های ذکر شده در لیست، آمار صرفاً متعلق به زندانیان سیاسی است. ۲- این آمار تمامی زندان‌های خمینی در سراسر ایران نیست و تنها بخشی از زندان‌های این دژخیم خون‌آشام را در برمی‌گیرد. به همین دلیل آنرا با نام لیست شماره ۱ منتشر ساختیم و در آینده نیز با تکمیل تحقیقات خود مشخصات دیگر زندان‌های رژیم ضدبشری خمینی را به اطلاع شما خواهیم رسانید. در همین‌جا از تمامی هموطنان و بویژه هواداران سازمان و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی می‌خواهیم در تکمیل لیست، ما را یاری رسانند و هر گونه اطلاعاتی از هر زندان و یا شکنجه‌گاهی دارند، آنرا بطور دقیق نوشته و با رعایت مسائل امنیتی برای ما ارسال دارند. ضمناً در تکمیل و تصحیح لیست حاضر نیز در صورت امکان دریغ نورزند. طبیعی است که هر گونه نشانی کوچکی نیز می‌تواند راهی باشد که ما را در تحقیقاتمان یاری رساند. این اطلاعات می‌تواند

برای درک عملکرد رژیم خون‌آشام قرن، نظری به وضعیت ساختمان‌هایی که خمینی آنها را تبدیل به زندان نموده است، می‌اندازیم: مراکز دانشگاهی (دانشکده‌ها، دبیرستان‌ها، دانشسراهای مقدماتی و راهنمایی)، کودکستان و مهد کودک و شیرخوارگاه، هتل، باغ مرکبات بعضی از خانه‌های صادره‌ای، کاروانسرا، موزه، کاراز، بیمارستان، مراکز سابق احزاب رستاخیز و ایران نوین، سازمان جوانان شیر و خورشید و خانه‌های پیشاهنگی، برخی از مراکز گروه‌های سیاسی، برخی از کارخانه‌ها، برخی باشگاه‌ها، برخی از کاراژها، اصطبل، غسالخانه و ... و دهها مرکز دیگر که باید نشان زندانیان بی‌شمار این مرز و بوم را در این مکان‌ها جست.

تحت محورهای نام زندان، تاریخ تاسیس، آدرس، نام مسئولین و شکنجه‌گران، اسامی زندانیان، تعداد زندانیان سیاسی (یا سیاسی و عادی) و هر گونه اطلاعات متفرقه دیگر نوشته شود. بی‌تردید این اطلاعات پس از تکمیل، به عنوان بخشی از پرونده‌ی درخشان خلق قهرمان و تسلیم‌ناپذیر ایران و گوشه‌ای از جنایات رژیم ضدبشری خمینی از ارزش شایسته و والائی برخوردار خواهد بود، چه در امروز و چه در فردای پیروزی و چه در زمانی که نسل‌های آینده بر آن نظر افکنند و بخشی از ماجرای پرشور نبرد خلق و ضد خلق را در آن بیابند.

و دهها مرکز دیگر که باید نشان زندانیان بی‌شمار این مرز و بوم را در این مکان‌ها جست؛ در زندان‌های رنگارنگ، ریز و درشت و بی‌شمار خمینی پلید در سراسر ایران.

نکاتی چند در رابطه با لیست شماره ۱ زندانها

در لیست شماره ۱ زندان‌ها که اینک در برابر شما قرار دارد، توجه به نکات زیر برای شناخت بیشتر آنچه که در لیست آمده است، ضروریست:

۱- در لیست زندان‌ها، مادری بدست آوردن آمار زندانیان عادی رژیم خمینی نبوده‌ایم و گوش کردیم در حد امکان آمار زندانیان سیاسی (و در غیر این صورت آمار زندانیان عادی و سیاسی را مشترکاً بخصوص در زندان‌های شهربانی که زندانیان عادی نیز نگهداری می‌شوند) را بدست آوریم، بنابراین

نگاهی به موقعیت قبلی مکان‌هایی که تبدیل به زندان و شکنجه‌گاه شده‌اند

با مراجعه به لیست زندان‌های خمینی و موقعیت قبلی این مراکز حقایقی که روشن می‌گردد؛ حقایقی که گاه طنزی را نیز در خود پنهان دارند. مثلاً اینکه تعداد زیادی از این زندان‌ها در خیابان‌های شاه سابق! و خمینی فعلی! قرار دارند. ضمناً با توجه به تاریخ تاسیس این زندان‌ها، متوجه می‌شویم که اکثر آنها پس از استقرار حکومت نکبت‌بار خمینی پلید و بویژه پس از ۳۰/۳۰ خرداد/۶۰، شروع به کار کرده‌اند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که کار ساختن و کشف زندان به وسیله رژیم خمینی همچنان ادامه

پاورقی: ۱ - نگاهی به لیست، شما را در این زمینه بیشتر یاری خواهد کرد.



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 وشکنجه گاه از مجموعه زندانها وشکنجه گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش



شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۰۰۱	زندان آستانه	آستانه اشرفیه	-	اولین فلکه‌ی شهر - از لاهیجان به آستانه	۶۰	+	+	-	احمدی
۰۰۲	زندان سپاه	آغا جاری	۵۷	در مسیر راه امیدیه به اهواز	نامعلوم	+	+	-	دزفولی - خطیبی
۰۰۳	زندان میانکوه	آغا جاری	۵۷	محل ساواک سابق	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۰۴	خانه‌ی امن	آمل	-	خیابان هراز - نرسیده به هتل مسعود	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۰۵	خانه‌ی امن	آمل	۵۹	خیابان تهران - آمل - خانه‌ی حاجی هادیان	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۰۶	خانه‌ی امن	آمل	۶۰	باغی در جاده‌ی محمودآباد	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۰۷	زندان دادگاه	آمل	۵۸	خیابان تهران - دادگاه انقلاب	۲۰۰	+	+	-	آخوند اصغری
۰۰۸	زندان سپاه	آمل	زمان شاه	خیابان نور - زندان سپاه	نامعلوم	+	+	-	-
۰۰۹	زندان زرین شهر	اصفهان	۵۸	زرین شهر اصفهان - زندان سپاه	۱۸۰	+	+	-	-
۰۱۰	زندان مرکزی سپاه	اصفهان	دوران شاه	خیابان کمال اسماعیل - جنب بانک رهنی - ساواک سابق ۳۵۲	۳۵۲	+	+	-	خانم جعفری - خانم مظاهری
۰۱۱	زندان انتظام شهری	اصفهان	۵۸	کوچه‌ی سید علی خان - باشگاه سابق بهائیان	۱۸۰	+	+	+	علی سلمانی
۰۱۲	زندان سید علی خان	اصفهان	۵۸	کوچه‌ی سید علی خان - جنب زندان زنان	۴۰۰	+	+	+	عباس زورو - رحیمی
۰۱۳	زندان مهیار	اصفهان	۶۱	راه شیراز - بین اصفهان و شهرضا - کاروانسرای شاه عباس در "مرق"	۱۵۰	+	+	-	رضا اخروی
۰۱۴	زندان شهربانی (وحید)	اصفهان	زمان شاه	خیابان ذوب آهن - وحید - پل دوم	۴۵۰	+	+	+	رضا اخروی
۰۱۵	زندان عباس آباد	اصفهان	۶۰	خیابان عباس آباد - جنب پادگان ۱۵ خرداد	نامعلوم	+	+	-	خانم تشیع
۰۱۶	زندان گلخانه	اصفهان	۶۰	خیابان ذوب آهن - جنب زندان وحید	۲۰۰	+	+	-	آخوند علوی - احمد جبارزاد
۰۱۷	زندان مواد مخدر	اصفهان	۶۰	چهارباغ نرسیده به دروازه شیراز	نامعلوم	+	+	-	تشیع
۰۱۸	زندان های امن آبشار	اصفهان	۶۰	خیابان آبشار - خانه‌های مصادره‌ای	۸۰	+	+	+	آخوند میرزائی - محبوبی
۰۱۹	زندان توابعین	اصفهان	۶۱	خیابان فیض - منزل استاندار سابق اصفهان	۹۵	+	+	+	شورائی! اداره می شود
۰۲۰	زندان هتل	اصفهان	۵۷	اول خیابان جی - باغ و خانه‌های کاشفی	۲۰۰	+	+	+	مصطفی جبارزاد - شهبازی
۰۲۱	خانه‌ی امن	اصفهان	۶۰	جاده‌ی اصفهان به تهران - کیلومتر ۱۰ اصفهان	نامعلوم	+	+	-	-
۰۲۲	زندان دستگرد	اصفهان	زمان شاه	اتوبان ذوب آهن	نامعلوم	+	+	-	-
۰۲۳	زندان کلانتری ۱	اصفهان	زمان شاه	قسمت پشت ساختمان کلانتری ۱	۱۱۰	+	+	-	-
۰۲۴	بازداشتگاه سپاه	اصطهبانات	۵۸	مرکز سپاه	۴۶	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۲۵	زندان شهربانی (دریا)	ارومیه	۴۵	جاده‌ی دریاچه‌ی ارومیه - ندامتگاه ارومیه - گلخانه	۱۸۰۰	+	+	-	سرهنگ مهرزاد
۰۲۶	زندان ستاد	ارومیه	۵۰	خیابان دانشکده - اولین کوچه دست چپ - ساواک سابق ۵۳۰	۵۳۰	+	+	-	فراهانی
۰۲۷	خانه‌ی امن	ارومیه	۶۰	یکی از خیابان‌های عمود بر اراک	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۲۸	خانه‌ی امن	ارومیه	۶۱	خیابان آپادانا - یکی از مراکز سابق ساواک	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۲۹	خانه‌ی امن	ارومیه	۶۰	خیابان علی باکری - پشت شیروخورشید	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر کمیته
۰۳۰	زندان منوچهری	ارومیه	۶۰	خیابان امام - کوچه‌ی مخابرات	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر کمیته
۰۳۱	زندان کمیته	ارومیه	۵۸	سراه خیام	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۳۲	زندان دادستانی	اراک	۵۷	خیابان خمینی - روبروی خیابان محسنی سابق دادستانی	نامعلوم	+	+	-	-
۰۳۳	زندان شهربانی	اراک	۵۶	کمیته‌ی مستقر در شهربانی اراک	۲۰۰	+	+	-	اسماعیل توانچه
۰۳۴	زندان کمیته (سپه‌لکی)	اراک	۵۷	خیابان خوانساری - خیاط‌های سابق	۸۲	+	+	-	-
۰۳۵	زندان اصلی	اراک	۵۷	خیابان مشهد - ۵ کیلومتری شهر	۳۲۰	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۳۶	زندان سپاه	اراک	۵۹	خیابان خمینی - داخل سپاه	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۰۳۷	زندان معتادین	اراک	-	خیابان برق - ذوالفنون	۵۸	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۳۸	زندان سپاه	ایرانشهر	۶۰	سراهی بمپور کرمان و ایرانشهر - ۱۵ کیلومتری شهر	۵۰	+	+	-	-
۰۳۹	زندان کارون	اهواز	زمان شاه	جنوب شرقی اهواز - جنب صنایع فولاد	۲۰۰۰	+	+	-	حمیدی
۰۴۰	زندان کمیته صحرا	اهواز	۵۹	پادادشهر - سر فلکه‌ی پاداد	نامعلوم	+	+	+	-
۰۴۱	زندان دادگاه	اهواز	۵۷	کیان پارس - فلکه‌ی سوم - دادگاه انقلاب	۲۰۸	+	+	-	اراک
۰۴۲	زندان سپاه	اهواز	۵۸	سپاه مرکزی - چهارشیر	۲۱۰	+	+	-	زیر نظر فرماندهی سپاه
۰۴۳	زندان کمیته مرکزی	اهواز	۶۰	کوی کارون - محل سابق باشگاه کارون	نامعلوم	+	+	-	طباطبائی
۰۴۴	زندان ۴ شیر	اهواز	۵۷	فلکه‌ی ۴ شیر	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر سپاه
۰۴۵	زندان کم پلو	اهواز	۶۰	خیابان اصلی کم پلو - بعد از پل راهنمایی فلکه‌ی راهنمایی	نامعلوم	+	+	+	-
۰۴۶	زندان دادگاه انقلاب	ایلام	۶۱	ایلام - خیابان خیام - زندان دادگاه انقلاب	۲۰۰	+	+	-	جمشیدی
۰۴۷	زندان سپاه	ایلام	۵۷	ایلام - بلوار - زندان سپاه	۲۳۰	+	+	-	-
۰۴۸	زندان شهربانی	اردبیل	زمان شاه	مرکز شهربانی	نامعلوم	+	+	-	-
۰۴۹	زندان سپاه	اردبیل	۵۷	مرکز سپاه ضد خلقی	نامعلوم	+	+	-	-
۰۵۰	زندان پست	اردبیل	۶۰	اداره‌ی پست و تلگراف - طبقه‌ی فوقانی	نامعلوم	+	+	-	-
۰۵۱	زندان مهمانسرا	اردبیل	۶۰	ساختمان سابق مهمانسرای شهر	نامعلوم	+	+	-	-



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 و شکنجه‌گاه از مجموعه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش

شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۵۲	زندان کاخ	اردبیل	۵۹	ساختمان سابق کاخ جوانان	نامعلوم	+	+		
۵۳	زندان سیلو	اردبیل	۶۰	جنب سیلوی شهر	نامعلوم	+	+		
۵۴	زندان انفرادی	بروجرد	۶۱	خیابان سیروس - کوچه روبروی اداره راهنمائی و رانندگی - پشت سازمان زنان سابق	۷۰	+	+		رضا ارجمندی
۵۵	زندان سپاه	بروجرد	۵۷	انتهای خیابان سیروس - ساختمان سپاه	۸۵	+	+		احمد - هوشمند - ایرج معظمی
۵۶	زندان شهربانی	بروجرد	زمان رضاشاه	خیابان خرم - زندان شهربانی	۲۵۰	+	+		
۵۷	زندان سپاه	بهبهان	۵۸	خیابان نهائی - دانشسرای مقدماتی دختران	نامعلوم	+	+		زیر نظر سپاه
۵۸	زندان جدید	بهبهان	۶۱	اول جاده‌ی خروجی بطرف اهواز	نامعلوم	+	+		زیر نظر سپاه
۵۹	زندان دادسرا	بهبهان	۶۰	خیابان فرهنگ - فرمانداری - دادسرا	۱۲۵	+	+		نواصری
۶۰	زندان بسیج	بهبهان	۶۰	نزدیک فلکه‌ی شیراز - روبروی سرویس نورافشان	نامعلوم	+	+		-
۶۱	ندامتگاه شهربانی	بهبهان	زمان شاه	خیابان عدالت - روبروی پارک شهر	نامعلوم	+	+		-
۶۲	زندان سپاه	بابل	۵۸	خیابان آمل نزدیک سپاه	نامعلوم	+	+		-
۶۳	زندان دادگاه	بابل	۵۷	دادگاه انقلاب	نامعلوم	+	+		مصباح
۶۴	زندان سپاه	بندرعباس	۵۷	خیابان خمینی - روبروی اداره‌ی مخابرات جدید ساختمان سپاه	نامعلوم	+	+		زیر نظر سپاه
۶۵	زندان شهربانی	بندرعباس	زمان شاه	خیابان خمینی - فلکه‌ی شهربانی - شهربانی قدیم	۵۰۰	+	+		-
۶۶	زندان شغو	بندرعباس	۶۰	شهرک شغو (شکنجه‌گاهی مخوف و محل کشتارهای دستجمعی)	۱۰۰۰	+	+		زیر نظر سپاه و شورای سپاه
۶۷	زندان سپاه	بندرگز	۵۷	بندرگز روبروی بیمارستان شیروخورشید - شهربانی سابق و سپاه فعلی	۲۰۰	+	+		محمد کفترکاری
۶۸	زندان عباس‌آباد	بهشهر	۵۸	عباس‌آباد	۵۰۰	+	+		کشتکار
۶۹	زندان سپاه	بندرآنزلی	۵۸	انتهای خیابان ناصر خسرو - کنار ساحل دریا	۱۲۵	+	+		-
۷۰	زندان شهربانی	بندرآنزلی	زمان شاه	شهربانی بندر آنزلی	۴۰	+	+		-
۷۱	زندان سپاه	بجنورد	۵۹	کمربندی - در مسیر خط آسیاها	۳۲۰	+	+		-
۷۲	زندان مهمانسرا (زنان)	بجنورد	۶۰	اول بلوار	۱۵۰	+	+		-
۷۳	زندان دادسرا	بوشهر	۵۷	ساحل دریا - درمانگاه سابق	۲۰۰	+	+		مفیدی
۷۴	زندان لشکری	بوشهر	۶۱	-	نامعلوم	+	+		شورای سپاه
۷۵	زندان سپاه	بازار جمعه	۵۸ - ۵۹	محل استقرار سپاه	۸۰	+	+		-
۷۶	زندان سپاه	برازجان	۵۹	چهارراه بوشهر گناوه - اول جاده مهمانسرای سابق	نامعلوم	+	+		زیر نظر سپاه
۷۷	زندان دوج	برازجان	زمان شاه	برازجان - دژ	نامعلوم	+	+		زیر نظر سپاه
۷۸	زندان بناب	بناب	۶۰	خیابان عابدقلم - خیابان دریا	نامعلوم	+	+		-
۷۹	زندان کمیته	تهران	۵۷	میدان امام حسین - ضلع شمال غربی	نامعلوم	+	+		-
۸۰	خانه‌ی امن	تهران	۶۰	خیابان آزادی - چهار راه نواب - جنب کلانتری و محل سابق حزب ملت	نامعلوم	+	+		-
۸۱	زندان اوین	تهران	زمان شاه	اوین	۱۰۰۰۰	+	+		لاجوردی
۸۲	قزل حصار	تهران	زمان شاه	قزل حصار	۱۵۰۰۰	+	+		حاج رحمانی
۸۳	زندان وزراء	تهران	۶۰	خیابان وزراء - انتهای گاندی - خانه‌ی امن سابق ساواک	۲۰۰	+	+		حاجی
۸۴	زندان کمیته‌ی ۱۰	تهران	۵۷	میدان خراسان - کمیته‌ی منطقه‌ی ۱۰ - ساختمان گاراژ	۴۰۰	+	+		-
۸۵	زندان فرمانیه	تهران	۵۷	خیابان پاسداران - دهستان ۷	۲۵۰	+	+		-
۸۶	زندان مسجد	تهران	۵۸	میدان عشرت‌آباد به سمت پل چوبی - مسجد جنب پل	نامعلوم	+	+		-
۸۷	زندان آرژانتین (خانه‌ی امن)	تهران	۵۸	میدان آرژانتین - دو کوچه مانده به میدان - دادستانی مواد مخدر	نامعلوم	+	+		-
۸۸	خانه‌ی امن	تهران	۵۸	میدان شاه سابق از شکنجه‌گاههای مجاهدین انقلاب اسلامی	نامعلوم	+	+		-
۸۹	زندان کیا	تهران	۵۹	روبروی سینما پاسیفیک - ساختمان ۱۱ طبقه‌ی کیا	نامعلوم	+	+		-
۹۰	زندان جمشیدیه	تهران	زمان شاه	خیابان دکتر فاطمی به طرف غرب - زندان جمشیدیه	نامعلوم	+	+		-
۹۱	زندان کرج	تهران	۶۰	کرج - مرکز سپاه کرج سمت چپ به فاصله‌ی ۲۰۰ متری ۱۱۰	۱۱۰	+	+		قاسم - احمدوند
۹۲	خانه‌ی امن	تهران	۶۱	تهران - پل رومی - جنب سفارت آلمان غربی	نامعلوم	+	+		-
۹۳	زندان کمیته‌ی منطقه ۳	تهران	۵۷	کمیته‌ی منطقه‌ی ۳ - محل سابق تربیت‌بدنی	۱۶۰	+	+		جمشیدی
۹۴	زندان توحید	تهران	۵۹	زندان کمیته‌ی سابق (محل شکنجه‌ی انقلابیون ارتشی مجاهد و مبارز تحت نظر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)	نامعلوم	+	+		-
۹۵	زندان ستاد مرکزی سپاه تهران	تهران	۵۹	خیابان سپاه - گلستان هشتم - قسمت شمالی - ساختمان مرکز اسناد ملی	۱۰۰	+	+		-
۹۶	زندان عشرت‌آباد	تهران	زمان شاه	خیابان شریعتی - بعد از بهار شیراز	۲۹۰	+	+		بکائی
۹۷	خانه‌ی امن	تهران	۶۰	خیابان - وزراء - کوچه‌ی ۵ - پلاک ۸	نامعلوم	+	+		-



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 و شکنجه‌گاه از مجموعه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش

شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۰۹۸	خانه امن	تهران	۶۱	خیابان مستوفی - بالاتر از کوچه ۶۲	نامعلوم	+	+	-	
۰۹۹	خانه امن	تهران	۶۱	خیابان مصدق - بالاتر از چهارراه طالقانی	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۰	زندان موقت	تهران	-	تاکنون معلوم نشده موقع ورود و خروج همه را با چشم بسته وارد و خارج کرده‌اند.	۶۰۰	+	+	+	بختیاری
۱۰۱	خانه امن	تهران	-	خیابان سلطنت‌آباد سابق (پاسداران) - گلستان سوم - روبروی خانه‌ای به شماره ۱۸	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۲	زندان کمیته مرکزی	تهران	۵۷	تهران - میدان بهارستان - مجلس سابق	۵۳	+	+	-	
۱۰۳	زندان اصطبل	تهران	۵۸	خیابان افسریه - پشت پادگان قصر فیروزه - اصطبل سابق اسب سواری تختی	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۴	زندان کمیته منطقه ۱۳	تهران	۵۸	خیابان یادآوران - چهارصد دستگاه - کمیته منطقه ۱۳	۵۰	+	+	-	
۱۰۵	زندان صالح آباد	تهران	۵۹	جاده بهشت زهرا - اتوبان قم	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۶	زندان مرغداری	تهران	۶۰	جاده قزوین - کرج	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۷	زندان باغ مقلب	تهران	۶۰	جاده "چالوس - کرج" - باغ مقلب	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۸	زندان پادگان	تهران	۵۷	پادگان ونک (زانداری)	نامعلوم	+	+	-	
۱۰۹	زندان کوهک	تهران	زمان شاه	پادگان کوهک میدان رسالت - پشت ساختمان شرکت واحد و نیروی دریائی	۷۵	+	+	-	
۱۱۰	زندان مواد	تهران	-	تخت طاوس	۱۲۴	+	+	-	
۱۱۱	زندان گوهردشت	تهران	۶۰	گوهردشت کرج	۱۵۰۰	+	+	-	
۱۱۲	زندان عظیمیه	تهران	زمان شاه	کرج - سه راه عظیمیه - شهرک عظیمیه	۹۰	+	+	-	
۱۱۳	زندان پایگاه دوم شکاری	تهران	مرداد ۶۰	تهران پارس - خاک سفید - پایگاه شکاری	۷۰	+	+	-	
۱۱۴	زندان بنیاد	تهران	زمان شاه	شهرآرا - نبش خیابان خرم - بنیاد انقلاب اسلامی	نامعلوم	+	+	-	
۱۱۵	زندان آرژانتین	تهران	-	کمیته میدان آرژانتین	نامعلوم	+	+	-	
۱۱۶	زندان ونک	تهران	-	کمیته میدان ونک	۴۰	+	+	-	
۱۱۷	زندان حافظ	تهران	۶۰	کمیته خیابان حافظ	۲۴۰	+	+	-	
۱۱۸	خانه امن	تهران	۶۱	خیابان انقلاب - میدان انقلاب جنب زانداری مرکز - کوچه اول	۲۰۰	+	+	-	
۱۱۹	زندان جبهه	تهران	۶۰	محل سابق ساختمان جبهه ملی - خیابان کارگر	۱۵۰	+	+	-	زیر نظر سپاه
۱۲۰	زندان نمایشگاه	تهران	۶۱	محل نمایشگاه آسیائی تهران	نامعلوم	+	+	-	
۱۲۱	خانه امن	تهران	۵۹	خیابان مصدق - خیابان مستوفی	نامعلوم	+	+	-	
۱۲۲	خانه امن	تهران	۵۹	خیابان مصدق - خیابان مستوفی	نامعلوم	+	+	-	
۱۲۳	زندان استادیوم	تهران	۶۱	تهران - بخشی از استادیوم ۱۰۰ هزار نفری	نامعلوم	+	+	-	
۱۲۴	زندان مهرشهر	تهران - کرج	۵۹	مهر شهر کرج (دارای ۵۰۰ سلول)	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر لاجوردی
۱۲۵	زندان کمیته شهربانی	تهران	زمان شاه	حسن آباد	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر لاجوردی
۱۲۶	زندان تبریز	تبریز	۴۸	خیابان خمینی - بالاتر از راهنمائی و رانندگی - جنب زندان کمیته	۳۰۰۰	+	+	-	قبلا حاج یزدانی - شجاعی
۱۲۷	زندان مرکزی سپاه	تبریز	۵۸	خیابان ارتش جنوبی - خیابان باغشمال - روبروی استادیوم تختی	۵۰۰	+	+	-	
۱۲۸	زندان کمیته مرکزی	تبریز	۵۷	خیابان شریعتی - انتهای خیابان - کنسولگری سابق آمریکا	نامعلوم	+	+	-	
۱۲۹	زندان باغ گلستان	تبریز	۵۸	خیابان خمینی - باغ گلستان	نامعلوم	+	+	-	حاج محمد
۱۳۰	زندان ثقه الاسلام	تبریز	-	خیابان ثقه الاسلام نرسیده به سراه شمس تبریزی	نامعلوم	+	+	-	
۱۳۱	زندان موقت	تبریز	-	-	نامعلوم	+	+	-	
۱۳۲	زندان راه آهن	تبریز	-	انتهای خیابان راه آهن نرسیده به ایستگاه	نامعلوم	+	+	-	علی تهرانچی
۱۳۳	زندان شهربانی	تبریز	۴۰	سراهی جاده ایل کلی (استخر شاه سابق)	۱۴۰۰	+	+	-	عبداللہی
۱۳۴	زندان سپاه	جهرم	-	جهرم - مرکز سپاه - خیابان پارکینگ	نامعلوم	+	+	-	رازقی
۱۳۵	زندان رجائی	جیرفت	-	بلوار بهشتی - دست چپ - محل سابق هتل آرشام	۴۰۰	+	+	-	
۱۳۶	زندان هتل	چالوس	۶۰	ساختمان سابق هتل چالوس - جاده تهران چالوس	نامعلوم	+	+	-	
۱۳۷	زندان ساوا	خرم آباد	۵۹	منوچهر آباد - جنب ورزشگاه تختی - ساوا قدیم	۱۲۰۰	+	+	-	
۱۳۸	زندان شهربانی	خرم آباد	۱۳۳۵	میدان مجسمه - زندان شهربانی	۴۸۰	+	+	-	حمید حسینی
۱۳۹	زندان سپاه	خرم آباد	۵۷	مرکز سپاه	نامعلوم	+	+	-	
۱۴۰	زندان شهربانی	خوی	زمان شاه	خوی - زندان شهربانی	۲۰۰	+	+	-	
۱۴۱	زندان باشگاه	خوی	۶۰	باشگاه افسران سابق	نامعلوم	+	+	-	شیخ عباس عفوئی
۱۴۲	زندان سپاه	خوی	۶۰	باشگاه افسران سابق - خیابان ششم بهمن سابق	نامعلوم	+	+	-	شیخ عباس عفوئی
۱۴۳	وزیر باغی (شکنجه‌گاه و محل تیرباران)	خوی	۶۰	باغی متعلق به فرماندار سابق خوی (زمان شاه) در "زیوه" اطراف خوی	نامعلوم	+	+	-	



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 وشکنجه گاه از مجموعه زندانها و شکنجه گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش

شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۱۴۴	زندان کمیته	خوی	۶۰	کوچه فری - امتداد باشگاه افسران	نامعلوم	+	+	-	
۱۴۵	زندان سپاه	دماوند	۶۰	خیابان اصلی دماوند - مرکز سپاه	نامعلوم	+	+	-	
۱۴۶	زندان شهربانی	درگز	۴۷	خیابان کلات نادری - زندان شهربانی	۳۰۰	+	+	-	
۱۴۷	زندان جانفزا	درگز	۶۰	خیابان خمینی - انتهای خیابان - منزل جانفزا	نامعلوم	+	+	-	
۱۴۸	زندان کمیته	درگز	۵۸	خیابان برق - جنب کارخانه برق	۷۰	+	+	-	ابوالفضل نوری
۱۴۹	زندان ساواک	درگز	۵۲	میدان خمینی - میدان شاه سابق - ساختمان ساواک	۴۰۰	+	+	-	عنیقی
۱۵۰	زندان پرورشگاه	درگز	۶۰	خیابان برق - پرورشگاه سابق	۲۰۰	+	+	-	پوردولت
۱۵۱	زندان سپاه	دزفول	۵۷	خیابان خمینی - زندان یونسکو	۱۰۰	+	+	-	محمود لباقیان
۱۵۲	زندان سپاه	رودسر	۵۸	خیابان شهدا - مقر سپاه	۱۰۰	+	+	-	زیر نظر سپاه
۱۵۳	زندان سپاه	رامهرمز	۶۰	مرکز سابق شیروخورشید (سپاه رامهرمز)	۴۰	+	+	-	میرزاده
۱۵۴	زندان مخفی سپاه	رامهرمز	۶۱	محل سابق بنیاد مستضعفان - جنب منزل امام جمعه نامعلوم	نامعلوم	+	+	+	میرزاده
۱۵۵	زندان شهربانی	رامهرمز	زمان شاه	جنب دبیرستان شریعی - شهربانی رامهرمز	۲۰۰	+	+	-	
۱۵۶	زندان مرکزی سپاه	ریز اصفهان	۵۸	پشت سپاه "ریز"	۸۰	+	+	-	
۱۵۷	خانه امن	ریز اصفهان	۶۰	یکی از باغات ناشناخته اطراف "ریز" (زندان زنان)	۵۰	+	+	-	
۱۵۸	زندان چوکا	رضوانشهر	۶۰	کارخانه سابق چوب چوکا	۶۸۰	+	+	-	
۱۵۹	زندان شهربانی	ریز اصفهان	زمان شاه	مرکز شهربانی "ریز"	۲۰	+	+	-	
۱۶۰	زندان سپاه	رشت	۵۸	پل عراق - مرکز سپاه گیلان - جنب کنسولگری شوروی	۱۵۰	+	+	-	هادی - زکی پور
۱۶۱	زندان باشگاه	رشت	۶۰	پل عراق - باشگاه سابق افسران نیروی دریائی	۲۵۰	+	+	-	ربیعی
۱۶۲	زندان شهربانی	رشت	۳۱	میدان شهرداری - پشت شهربانی	۵۰۰	+	+	-	حسن صفری ماسالی
۱۶۳	زندان سپاه	زنجان	۶۰	بلوار آزادی - جاده زنجان - تهران - نبش خیابان معلم	۱۰۰	+	+	-	سلمان صنوبری
۱۶۴	زندان شهربانی	زنجان	زمان شاه	سبزه میدان - ساختمان شهربانی	۳۰۰	+	+	-	
۱۶۵	زندان بسیج	زنجان	۵۸	زنجان - خیابان طالقانی - (ذوالفقاری) ساختمان نامعلوم معروف ذوالفقاری ها - بسیج	نامعلوم	+	+	+	تقی صفری - مهدی علی قنبری
۱۶۶	زندان دادستانی (مدرسه)	زنجان	۶۰ مهر	زنجان - خیابان کمربندی - مدرسه راهنمائی شبانه روزی سابق رضا روزبه	۴۰۰	+	+	+	شورائی ! اداره می شود
۱۶۷	زندان لطف آباد	زنجان	زمان شاه	جاده بیجار - کوه سپاه غسلخانه سابق	۱۶۰	+	+	-	
۱۶۸	زندان جاده خاش	زاهدان	۵۶	خیابان دانشگاه (دروازه خاش) دانشگاه بلوچستان زندان سپاه (دانشسرای کشاورزی سابق)	۱۵۰	+	+	-	مرتضائی
۱۶۹	زندان پایگاه	زاهدان	زمان شاه	کمیته سپاه پاسداران - ساختمان سابق ساواک	۱۲۰	+	+	-	
۱۷۰	زندان شهربانی	زاهدان	۵۰	جاده گوربند	۲۵۰۰	+	+	-	مولود ندیمی
۱۷۱	زندان شماره ۲ سپاه	زاهدان	۵۶	دروازه خاش - حوالی دانشگاه	۲۵۰	+	+	+	قطبی
۱۷۲	زندان شماره ۱ سپاه	زاهدان	۵۷	میدان مجسمه	۱۷۰	+	+	-	حسین سرگل زهی
۱۷۳	زندان مواد مخدر	زاهدان	-	روبروی درمانگاه ابوذر غفاری	نامعلوم	+	+	-	
۱۷۴	زندان بسیج	زاهدان	۵۷	ضلع جنوبی خیابان های خمینی و کفعمی - ساختمان سابق دادگستری	۷۰	+	+	-	
۱۷۵	ندامتگاه	زاهدان	۵۸	مقابل کوی کشاورزی و آپارتمان های شهرداری ۲ کیلومتر ۲ دروازه خاش	۸۰	+	+	-	
۱۷۶	خانه امن	زاهدان	۶۰	تقاطع خیابان های مصطفی خمینی و آزادی	نامعلوم	+	+	-	
۱۷۷	خانه بلوچ	زاهدان	-	نزدیک استادبوم ورزشی	نامعلوم	+	+	-	
۱۷۸	خانه امن	زاهدان	۶۰	کوی متحدین - جنب خانه امام جمعه (عبادی)	نامعلوم	+	+	-	
۱۷۹	ندامتگاه شماره ۲	زاهدان	۵۹	جاده خاش	۴۹۰	+	+	-	اطلاعات - قطبی
۱۸۰	کمیته عملیات	زاهدان	۶۲	محل سابق شرکت قنوج	۲۰	+	+	+	حاج بهرام - حسین پیری
۱۸۱	زندان قدیم	زاهدان	زمان شاه	کوچه حافظ - پشت شهربانی	۵۰۰	+	+	-	
۱۸۲	بازداشتگاه صدکیلوواتی	زاهدان	۶۱	داخل محوطه فرستنده صدکیلوواتی	نامعلوم	+	+	-	
۱۸۳	زندان سپاه	ساری	زمان شاه	ساختمان سابق ساواک	۱۵۰	+	+	-	
۱۸۴	زندان شهربانی	سبزوار	۵۵	جنب فلکه دکتر شریعی	۱۵۰	+	+	-	
۱۸۵	زندان مرکزی سپاه	سبزوار	۶۰	خیابان حاج ملاهادی سبزواری (هتل شهرداری سابق)	نامعلوم	+	+	-	
۱۸۶	زندان شهربانی سابق	سبزوار	-	خیابان بیهق - کوچه الداغی	۱۰۰	+	+	-	
۱۸۷	زندان ۲ - سپاه	سبزوار	۵۹	نبش فلکه زند (اول بیهق) پیشاهنگی سابق	نامعلوم	+	+	+	صفاری
۱۸۸	زندان سپاه	سراوان	۵۷	تقاطع خیابان انقلاب و آزادی - مرکز سپاه	نامعلوم	+	+	-	داوود
۱۸۹	زندان شهربانی	سنندج	۵۲	خیابان ششم بهمن سابق	نامعلوم	+	+	-	صادقی
۱۹۰	زندان سپاه	سنندج	۵۷	خیابان بیمارستان - ساواک سابق	نامعلوم	+	+	+	صادقی
۱۹۱	زندان باشگاه	سنندج	۵۷	خیابان ۲۲ بهمن - باشگاه افسران سابق	نامعلوم	+	+	+	صادقی - جوادی
۱۹۲	زندان پادگان	سنندج	۶۰	انتهای خیابان ۲۲ بهمن	نامعلوم	+	+	+	صادقی - جوادی



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 و شکنجه‌گاه از مجموعه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش

شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۱۹۳	زندان بیگلری	سنندج	۶۰	جنب استانداری خانه‌های مصادره‌ای بیگلری و بطحائی	نامعلوم	+	+	+	صادقی - جوادی
۱۹۴	زندان سپاه	سراب	۵۵	خیابان سپاه پاسداران زندان سپاه	نامعلوم	+	+	-	ناصری
۱۹۵	زندان ژاندارمری	سراب	زمان شاه	خیابان کمربندی - حزب رستاخیز سابق	نامعلوم	+	+	-	-
۱۹۶	زندان شهربانی	سراب	۱۳۳۷	سراب - زندان شهربانی	نامعلوم	+	+	-	-
۱۹۷	زندان آلان	سراب	۶۲	خیابان سپاه پاسداران - زندان آلان (جدید)	نامعلوم	+	+	-	ملا داوود
۱۹۸	زندان شهربانی	سلماس	زمان شاه	خیابان شهربانی سابق سلماس	نامعلوم	+	+	-	-
۱۹۹	زندان کمیته	سلماس	۶۰	اول بازارچه - خیابان منصور سابق روبروی مسجد ملی سابق	نامعلوم	+	+	-	-
۲۰۰	زندان نشتارود	شهمسوار	۳۰ خرداد ۶۰	نشتارود - از توابع شهمسوار	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۲۰۱	زندان عباس‌آباد	شهمسوار	۶۰	عباس‌آباد از توابع شهمسوار	نامعلوم	+	+	+	زیر نظر سپاه
۲۰۲	زندان دادگاه انقلاب	شهمسوار	۶۰	شهمسوار - سنگسک - خانه‌ی پیشاهنگی سابق	نامعلوم	+	+	-	زیر نظر دادستانی
۲۰۳	زندان سپاه	شهمسوار	۶۰	پائین‌تر از شهربانی شهمسوار - نرسیده به پل شیر و خورشید سابق	نامعلوم	+	+	-	وابسته به سپاه
۲۰۴	زندان هتل قو	شهمسوار	۶۰	ساختمان هتل قو	نامعلوم	+	+	+	وابسته به دادستانی
۲۰۵	زندان سپاه	شهرضا	۵۸	مرکز سپاه پاسداران - قسمت شمالی کوچه‌ی پشت سپاه	۱۳۰	+	+	-	-
۲۰۶	زندان شهربانی	شهرضا	زمان شاه	مرکز شهربانی	۳۰	+	+	-	-
۲۰۷	خانه‌ی امن	شهرضا	۶۰	آخر خیابان کمربندی - در یکی از باغات انگور	۸۰	+	+	+	-
۲۰۸	زندان سپاه	شهرضا	۶۰	خیابان خیام - نزدیک دروازه اصفهان	نامعلوم	+	+	-	مظفر - حاج میرزادی
۲۰۹	زندان سپاه	شیراز	-	خیابان زند - نرسیده به فروشگاه شهروروستا - روبروی جهاد سازندگی	نامعلوم	+	+	-	فیروزی
۲۱۰	زندان دادسرا	شیراز	زمان شاه	نزدیک فلکه‌ی ارتش سوم - رکن ۲ سابق ارتش	۴۰۰	+	+	-	-
۲۱۱	بازداشتگاه سپاه	شیراز	-	فلکه‌ی ارتش دوم - خیابان سپاه سمت چپ	۷۰۰	+	+	-	حسینی - تراب‌پور - فیروزی
۲۱۲	زندان عادل‌آباد	شیراز	زمان شاه	جاده‌ی زندان - عادل‌آباد	۱۸۵۰	+	+	-	-
۲۱۳	زندان ساواک	شیراز	زمان شاه	ساواک قدیم - خیابان زند	نامعلوم	+	+	+	بیستونی
۲۱۴	زندان شهربانی	شاهرود	۵۳	روبروی ماکروبو (خیابان فرح سابق)	۲۰۰	+	+	-	-
۲۱۵	زندان سپاه	شاهرود	۵۷	خیابان امام - محل سابق حزب رستاخیز	۳۰۰	+	+	-	-
۲۱۶	زندان عملیات سپاه	شوشتر	۵۸	خیابان بلوار - مهمانسرای شوشتر	نامعلوم	+	+	-	-
۲۱۷	بازداشتگاه عملیات	شوشتر	۵۸	کلاه فرنگی (هتل سابق شوشتر)	نامعلوم	+	+	-	-
۲۱۸	خانه‌ی امن	شهر جدید	۶۱	پشت بیمارستان خمینی	۵۰	+	+	-	-
۲۱۹	زندان شیرینو	بخش شیرینو	زمان شاه	بخش شیرینو - جاده‌ی ساحلی جنوب جاده‌ی بندر بوشهر به بندرعباس - پایگاه هوایی سابق	نامعلوم	+	+	+	حسن گچی
۲۲۰	زندان سپاه	شاندرمن	۵۷	سپاه شاندرمن	نامعلوم	+	+	-	-
۲۲۱	زندان بسیج	شاندرمن	۶۰	بسیج شاندرمن	نامعلوم	+	+	-	-
۲۲۲	زندان مرکزی سپاه	شهرکرد	۵۸	پشت مرکز سپاه - بلوار امین‌آزاد - جنب هتل ساچال	نامعلوم	+	+	-	کامیاب
۲۲۳	زندان شهربانی	شهرکرد	زمان شاه	مرکز شهربانی شهرکرد	۱۵۰	+	+	-	هدانیان
۲۲۴	زندان شیروخورشید	شهرکرد	زمان شاه	محل سابق شیروخورشید - روبروی کتابخانه‌ی کودک	نامعلوم	+	+	-	-
۲۲۵	زندان مخفی	شهرکرد	۶۰	در یکی از باغات ناشناخته‌ی اطراف شهر (۱۴۰ خواهر)	نامعلوم	+	+	-	-
۲۲۶	بازداشتگاه عملیات	شوشتر	۵۸	کلاه فرنگی (هتل سابق شوشتر)	نامعلوم	+	+	-	-
۲۲۷	زندان سپاه	صومعه‌سرا	۵۹	مرکز سپاه صومعه‌سرا	نامعلوم	+	+	-	برزگر
۲۲۸	زندان بسیج	صومعه‌سرا	۶۰	بسیج صومعه‌سرا - پیشاهنگی سابق - خیابان خمینی	نامعلوم	+	+	+	برزگر
۲۲۹	زندان شهربانی	صومعه‌سرا	زمان شاه	شهربانی صومعه‌سرا	۲۰۰	+	+	-	-
۲۳۰	زندان دادسرا	صومعه‌سرا	۵۹	شیروخورشید سابق	۱۰۰	+	+	-	-
۲۳۱	زندان سپاه	طاهر گوراب	۵۹	سپاه طاهر گوراب	نامعلوم	+	+	-	-
۲۳۲	زندان بسیج	طاهر گوراب	۶۰	بسیج طاهر گوراب	نامعلوم	+	+	-	-
۲۳۳	زندان سپاه	فومن	۵۹	دروازه‌ی ورودی رشت به فومن (قبلا مسافرخانه بوده است .)	نامعلوم	+	+	-	-
۲۳۴	زندان شهربانی	فومن	۱۳۳۰	شهربانی فومن	۱۸۰	+	+	-	-
۲۳۵	زندان سپاه	فیروزکوه	-	امیر محله خیابان بهار	نامعلوم	+	+	-	-
۲۳۶	زندان سپاه	فلاورجان	۵۸	مرکز سپاه	۹۰	+	+	-	-
۲۳۷	زندان سپاه	فریدن	۵۸	مرکز سپاه دارون	۸۰	+	+	-	-
۲۳۸	زندان ذوب‌آهن	فولادشهر	۶۰	پشت انبار ذوب‌آهن	۳۰۰	+	+	-	-
۲۳۹	زندان سپاه شماره ۱	قزوین	نیمه‌ی ۵۸	قزوین - خیابان نادری - ساختمان پیش‌آهنگی	نامعلوم	+	+	-	-
۲۴۰	زندان سپاه شماره ۲	قزوین	-	خیابان بوعلی - نبش خیابان خیام و بوعلی	نامعلوم	+	+	-	-
۲۴۱	زندان سپاه شماره ۳	قزوین	-	ساختمان ساواک سابق	نامعلوم	+	+	-	-
۲۴۲	زندان آق‌بابا	قزوین	۶۰	جاده‌ی رشت - آبادی آق‌بابا - موزه‌ی قدیم	۵۰	+	+	-	-



نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 و شکنجه‌گاه از مجموعه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش



شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۲۴۳	زندان چوبیندر	قزوین	۵۹	جاده‌ی همدان - کیلومتر ۲۰ - زندان چوبیندر	نامعلوم	+	+	-	
۲۴۴	زندان شهربانی	قوچان	زمان شاه	آخر بازار سبزوار - روبروی دانشسرای مقدماتی	۲۸۰	+	+	-	
۲۴۵	زندان ۱۷ شهریور	قوچان	۶۰	بازار عشق‌آباد - اول کیان دبیرستان دخترانه‌ی ۱۷ شهریور	نامعلوم	+	+	-	
۲۴۶	زندان ساواک	قوچان	۶۰	خیابان حافظ - چهار راه اول، دست چپ	۱۰۰	+	+	-	
۲۴۷	زندان سپاه "مقر"	قوچان	۵۹	جاده‌ی "قوچان-مشهد" - بعد از سیلو، پشت استخرشنا	نامعلوم	+	+	-	
۲۴۸	زندان ۲ سپاه	قوچان	۵۸	بازار مشهد - بین چهارراه سوم و چهارم دست راست - آموزش و پرورش سابق	نامعلوم	+	+	-	
۲۴۹	زندان پادگان	قوچان	۵۹	باغ دبیر - روبروی اداره‌ی کشاورزی - پادگان	۲۵۰	+	+	-	
۲۵۰	زندان منکرات	قائم شهر	۵۷	خیابان بابل - کمربندی - دایره‌ی منکرات	۶۰	+	+	+	واحدی بریجانی
۲۵۱	زندان توابعین	قائم شهر	۶۰	فلکه‌ی خمینی - ابتدای جاده‌ی کمربندی	۲۰۰	+	+	-	
۲۵۲	زندان سپاه	قائم شهر	۶۰	خیابان ایستگاه بابل - سپاه قائمشهر	۲۵۰	+	+	-	
۲۵۳	زندان کمیته	قائم شهر	۵۸	خیابان ساری - جنب اداره‌ی فرهنگ - روبروی دبیرستان ناموس	۷۰۰	+	+	-	مختار اسماعیلی
۲۵۴	بازداشتگاه سپاه	کرمان	۶۰	انتهای خیابان طالقانی - جنب سینما شهرتاشا	نامعلوم	+	+	+	افشین اسکندری
۲۵۵	زندان شماره‌ی ۱ راور	راور کرمان	۵۹	خیابان گلنار - زندان شماره‌ی ۱ - بهداری سابق	۶۰	+	+	+	غلامعلی هدایتی
۲۵۶	زندان شماره‌ی ۲ راور	راور کرمان	۶۰	خیابان گلنار - جنب زندان شماره‌ی ۱	۳۰	+	+	+	غلامعلی هدایتی
۲۵۷	زندان شماره‌ی ۳ راور	راور کرمان	۶۰	خیابان خمینی - زندان سپاه	۱۰۰	+	+	+	هراتی
۲۵۸	زندان شهربانی	کرمان	زمان شاه	انتهای خیابان شهاب - زندان شهربانی	۲۰۰۰	+	+	-	
۲۵۹	زندان کمیته	کرمان	۵۸	خانه‌های سازمانی ابوحامد	۵۰	+	+	-	شمسی
۲۶۰	بازداشتگاه دادگاه	کرمان	۵۹	خیابان ابوحامد	۸۰	+	+	+	غلامحسین فلاح
۲۶۱	زندان سپاه	کرمان	۵۹	ساواک سابق	۱۰۰	+	+	-	
۲۶۲	زندان دیزل‌آباد (بندشهربانی)	کرمانشاه	دهه‌ی ۴۰	کرمانشاه - دیزل‌آباد	۲۱۰۰	+	+	-	سرگرد علی‌خانی
۲۶۳	دیزل‌آباد (بندانقلاب)	کرمانشاه	۶۰	کرمانشاه - دیزل‌آباد	۶۰۰	+	+	+	پرتوی
۲۶۴	زندان شهربانی	کازرون	۵۰	تقاطع شریعتی - محمدی (سمراه) فلکه‌ی استکان نعلبکی	۱۶۰	+	+	-	
۲۶۵	زندان سپاه	کازرون	۵۸	چهارراه شکار - انتهای خیابان سپاه - کاروانسرای سابق	نامعلوم	+	+	-	
۲۶۶	زندان سپاه	کردکوی	۶۰	خیابان بندر شاه - مقابل فرمانداری - بهداری سابق	۲۵۰	+	+	-	
۲۶۷	زندان بسیج	کسما	۶۰	بسیج کسما	نامعلوم	+	+	-	
۲۶۸	زندان سپاه	کسما	۶۰	سپاه کسما	نامعلوم	+	+	-	
۲۶۹	ندامتگاه شماره‌ی ۱	گچساران	۶۱	خیابان ششم بهمن سابق - سپاه پاسداران	نامعلوم	+	+	-	
۲۷۰	ندامتگاه شماره‌ی ۲	گچساران	۶۱	کوی کارمندان شرکت نفت - ساختمان مهدکودک	نامعلوم	+	+	-	
۲۷۱	زندان سپاه	گچساران	۶۰	پشت ژاندارمری - سپاه پاسداران	۷۰	+	+	+	محسن دقیقی
۲۷۲	زندان سپاه	گوراب زرنیخ	۵۹	سپاه گوراب زرنیخ	۳۰	+	+	-	
۲۷۳	زندان بسیج	گوراب زرنیخ	۶۰	بسیج گوراب زرنیخ	نامعلوم	+	+	-	
۲۷۴	زندان پست و تلگراف	گرگان	اسفند ۶۰	گرگان - فلکه‌ی شهرداری - خیابان کاخ - جنب شهربانی	۵۰ (خواهر)	+	+	-	
۲۷۵	زندان سپاه	گرگان	۵۹	فلکه‌ی شهرداری - خیابان کاخ - ساختمان سابق املاک	۲۰۰	+	+	+	شورائی! اداره می‌شود
۲۷۶	زندان بویه	گرگان	۵۹	خط کمربندی - بهیاری سابق	۱۷۰۰	+	+	+	شورای سپاه
۲۷۷	زندان بسیج	گرگان	۶۰	خیابان سه‌خواجه - فلکه‌ی سه‌خواجه - روبروی بیمارستان فلسفی	۲۵۰	+	+	+	هاشم
۲۷۸	زندان شهربانی	گرگان	زمان شاه	فلکه‌ی شهرداری - جنب سینما امپایر	۱۰۰	+	+	-	
۲۷۹	زندان علی‌آباد	گرگان	۶۱	خیابان بخشداری - علی‌آباد	نامعلوم	+	+	+	شیرزاد گودار
۲۸۰	زندان سپاه	گنبد	۵۸	میدان ۱۴ دی - تربیت بدنی سابق	۳۰۰	+	+	-	
۲۸۱	زندان سپاه	گنبد	۵۸	فلکه‌ی اول - ستاد عملیات سپاه	۱۰۰	+	+	+	میرزاده
۲۸۲	زندان دانشسرا	لاهیجان	۶۰	جاده‌ی گندود لاهیجان - اولین میدان شهر بطرف خیابان کشاورزی	۲۵۰	+	+	+	احمدی
۲۸۳	زندان کمیته	لاهیجان	۵۸	محل پیرسرا - خیابان بیستون	۱۰۰	+	+	+	مسعود برق
۲۸۴	زندان شهربانی	لاهیجان	زمان شاه	شهربانی	نامعلوم	+	+	-	
۲۸۵	زندان سپاه	لاهیجان	۶۰	روبروی استخر - مقر سپاه	۴۰۰	+	+	+	احمدی
۲۸۶	زندان بسیج	لاهیجان	۶۰	جنب بیمارستان ۲۲ بهمن	۸۰	+	+	+	ایمانی
۲۸۷	زندان باشگاه	لاهیجان	۵۸	خیابان رادیو تلویزیون - باشگاه افسران سابق	۱۲۰	+	+	-	
۲۸۸	زندان لنگرود	لنگرود	۵۹	سبزه میدان - دانشسرای راهنمایی تحصیلی سابق	نامعلوم	+	+	+	
۲۸۹	زندان سپاه	لار	۵۸	اول شهر - نرسیده به باغ ملی	۱۰۰	+	+	+	موسوی

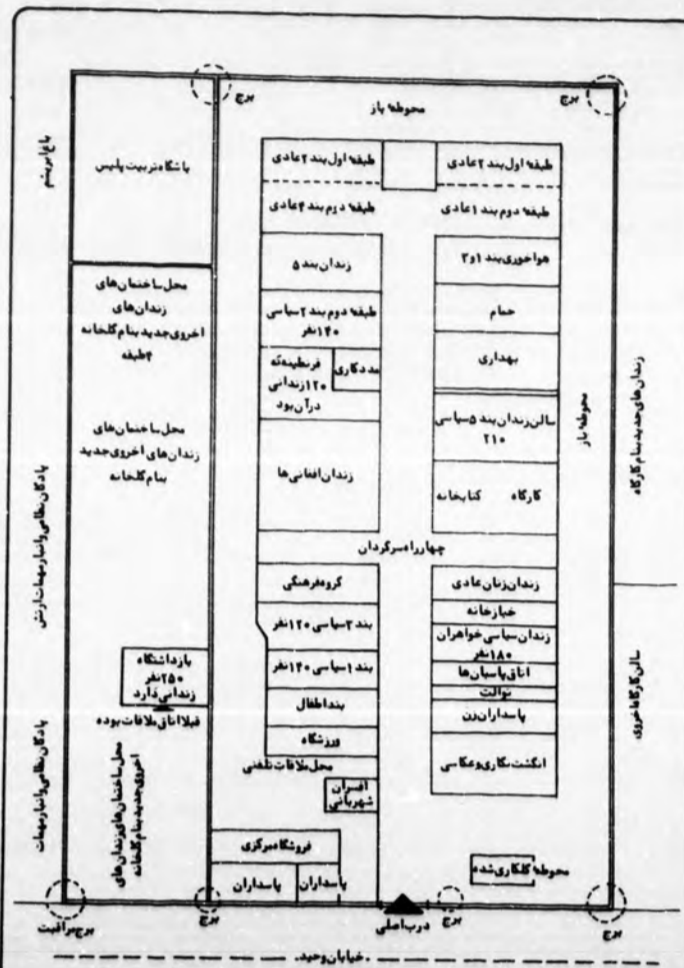


نام، آدرس و برخی از مشخصات ۳۳۹ زندان
 و شکنجه‌گاه از مجموعه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم خمینی در ۹۶ شهر و بخش

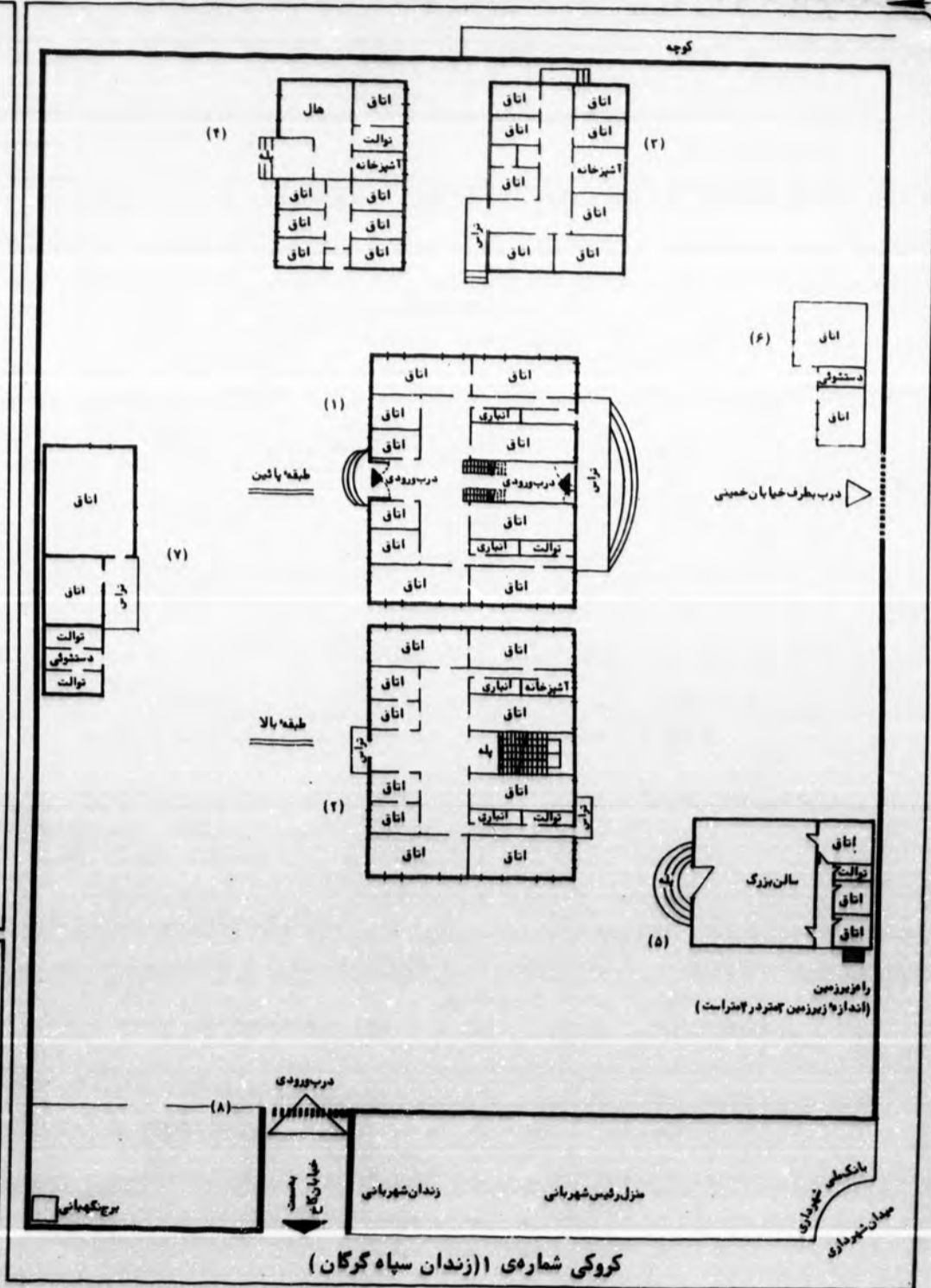
شماره ردیف	نام زندان	شهر	تاریخ تاسیس	آدرس	تعداد زندانی	سیاسی	علنی	مخفی	نام مسئول زندان
۲۹۰	زندان سپاه	مبارک‌ایصفهان	۵۸	مرکز سپاه مبارکه	۷۰	+	+		حسین حسینی راشه‌ئی
۲۹۱	زندان امن	مبارک‌ایصفهان	۶۱	یکی از باغات ناشناخته	۳۰	+		+	حسین حسینی راشه‌ئی
۲۹۲	زندان سپاه	ماکو	۵۷	-	نامعلوم	+	+		-
۲۹۳	زندان سپاه	میناب	۵۷	روبروی شهرک شیخ‌آباد	نامعلوم	+	+		هادی غفوری
۲۹۴	زندان کمیته	میاندوآب	۵۷	بازار	نامعلوم	+	+		-
۲۹۵	زندان شهربانی	میاندوآب	۵۶	خیابان خمینی - روبروی پارک	نامعلوم	+	+		-
۲۹۶	زندان سپاه	میاندوآب	۵۷	پشت فرمانداری - بلوار	نامعلوم	+	+		-
۲۹۷	خانه‌ی امن	مشهد	۶۰	رضاشهر - پشت رادیوتلوویزیون - نزدیک کمیته‌ی مرکزی - خانه‌ی رحیم نژاد	نامعلوم	+		+	رحیم نژاد
۲۹۸	زندان وکیل‌آباد	مشهد	زمان شاه	جاده‌ی وکیل‌آباد - نرسیده به وکیل‌آباد - دست راست	۴۰۰۰	+	+		زاهدی
۲۹۹	زندان سپاه	مشهد	۵۸	ساختمان ساواک سابق - میدان ملک‌آباد - جاده‌ی پارک مردم - دست راست	۳۰۰	+		+	محمود - حامد - مهدی الهی
۳۰۰	زندان کوه‌سنگی	مشهد	۶۰	خیابان اسدی - نرسیده به کوه سنگی	نامعلوم	+		+	-
۳۰۱	زندان شهربانی	مراغه	زمان شاه	خیابان پهلوی سابق - روبروی خیابان چراغ‌برق	۴۵	+	+		-
۳۰۲	بازداشتگاه سپاه	مراغه	۵۷	خیابان پهلوی سابق - بازداشتگاه سپاه	نامعلوم	+	+		-
۳۰۳	زندان کمیته	مراغه	۵۷	خیابان رستاخیز سابق - زندان کمیته	۱۸۰	+	+		-
۳۰۴	بازداشتگاه تحقیقات	مراغه	۵۸	سپاه منطقه‌ی ۵	نامعلوم	+	+	+	درخشان محسنی
۳۰۵	زندان آبکوه	مشهد	۵۸	آبکوه - محل سابق مدرسه راهنمایی	۴۰۰	+		+	حاجی صفاران
۳۰۶	زندان کمیته	مشهد	۵۷	خیابان خمینی - اول جم - ساختمان سابق حزب ایران‌نویین	۲۵۰	+		+	قوچانی
۳۰۷	بازداشتگاه سپاه	مشهد	-	کوه‌سنگی - دبیرستان ابودر	۱۷۰	+		+	حاجی عادل - خرازیان
۳۰۸	زندان خواجهربیع	مشهد	۶۱	خیابان خواجهربیع	نامعلوم	+	+		-
۳۰۹	زندان سنتو	مشهد	۵۹	نرسیده به بیمارستان روانی - جاده سنتو	نامعلوم	+		+	-
۳۱۰	زندان شهربانی	ماکو	زمان شاه	شهربانی ماکو	۱۰۰	+	+		-
۳۱۱	زندان سپاه	ماکو	۵۷	ساواک سابق - خیابان خمینی - روبروی گروهان زندانمری	۴۰	+		+	-
۳۱۲	زندان سپاه	ماکو	زمان شاه	ساواک سابق	نامعلوم	+	+		-
۳۱۳	زندان شهربانی	ملایر	۱۳۲۷	خیابان همدان - شهربانی	۳۰۰	+	+		ترابی
۳۱۴	زندان سپاه	ملایر	۵۸	خیابان فرتاش دبیران - سمت راست کوچه دوم نزدیک دانشسرا	۵۰	+		+	کیومرث جنوشی
۳۱۵	زندان سپاه	ماسوله	۵۹	نزدیک رودخانه - بالای کوه - روبروی بخش شهرک	۱۰۰	+		+	-
۳۱۶	زندان آتش‌نشانی	مسجد سلیمان زمان شاه		باغ ملی - تپه‌ی مشرف بر "مین‌آنیس"	۲۰۰	+	+		-
۳۱۷	زندان ساواک	مسجد سلیمان زمان شاه		چهار بیشه - ساواک قدیم	نامعلوم	+	+		-
۳۱۸	زندان سپاه	مسجد سلیمان	۵۷	فلکه‌ی نفتون	نامعلوم	+	+		-
۳۱۹	زندان سپاه	ماسال	۵۷	سپاه ماسال	نامعلوم	+	+		-
۳۲۰	زندان بسیج	ماسال	۶۰	بسیج ماسال	نامعلوم	+	+		-
۳۲۱	زندان شهربانی	مسجد سلیمان زمان شاه		شهربانی مسجد سلیمان	۸۰۰	+	+		-
۳۲۲	زندان پاسداران	نجف‌آباد	۵۸	نجف‌آباد - فلکه‌ی باغ ملی - اول کوچه‌ی سپاه	۲۰۰	+	+		پاینده - عباس‌پور - پناهی
۳۲۳	زندان شهربانی	نجف‌آباد	زمان شاه	خیابان اصلی نجف‌آباد - شهربانی	۱۲۰	+	+		علی‌خانی
۳۲۴	زندان ابابصر	نجف‌آباد	۶۰	کوچه‌ی باغ خیابان - پشت میدان شهرداری	۷۰	+		+	-
۳۲۵	زندان شهربانی	نهاوند	زمان شاه	شهربانی نهاوند	نامعلوم	+	+		-
۳۲۶	زندان سپاه	نهاوند	۵۷	ساختمان سپاه	نامعلوم	+	+		-
۳۲۷	زندان دادسرا	همدان	۶۰	خیابان بوعلی - میدان آزادی - چهارراه نظری	۱۰۰	+	+		-
۳۲۸	زندان دادگاه	همدان	۶۰	میدان آزادی - خیابان پذیرائی - هتل بوعلی	۵۰	+		+	سیلوانی
۳۲۹	زندان سپاه	همدان	۵۸	میدان باباطاهر - مرکز سپاه	۴۰	+		+	مصباح
۳۳۰	زندان بسیج	همدان	۵۹	انتهای خیابان شیراز - مرکز بسیج محله‌ی پیشاهنگی	۲۰	+		+	اصغر همدانی
۳۳۱	زندان پادگان ابودر	همدان	زمان شاه	خیابان عباس‌آباد - بلوار دوم - پادگان ابودر	نامعلوم	+		+	-
۳۳۲	زندان ارشادگاه	همدان	۶۰	میدان دانشگاه - خوابگاه سابق دانشگاه بوعلی	نامعلوم	+	+		-
۳۳۳	زندان کمیته	همدان	۵۹	بلوار خواجه رشیدالدین - محل سابق حزب رستاخیز	نامعلوم	+	+		-
۳۳۴	زندان باغی	همایونشهر	۶۰	پشت سپاه پاسداران همایونشهر	۶۰	+		+	-
۳۳۵	بازداشتگاه موقت	همایونشهر	۵۸	سده - اول خیابان کهندژ - مقابل پمپ بنزین	۹۰	+	+		آخوند سپاهگیر
۳۳۶	زندان شهربانی	همایونشهر	زمان شاه	شهربانی همایونشهر	۶۰	+	+		تشیع
۳۳۷	زندان رامبد	هشتیر	۵۸	هشتیر طوالش	۴۰	+	+		-
۳۳۸	زندان شهربانی	هشتیر	زمان شاه	هشتیر طوالش	۵۰	+	+		-
۳۳۹	زندان هشتروند	هشتروند	۵۸	شیرخورشید سابق هشتروند	نامعلوم	+	+		-



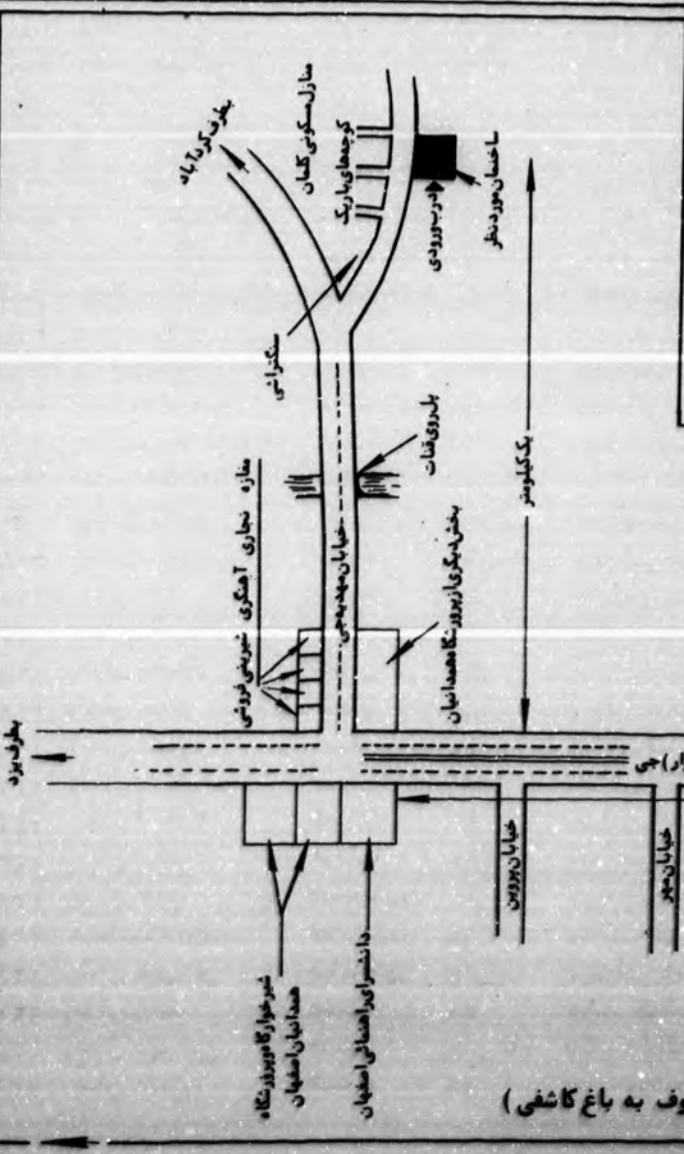
کروکی چهار نمونه از زندانها و شکنجه گاههای رژیم خمینی ضد بشر



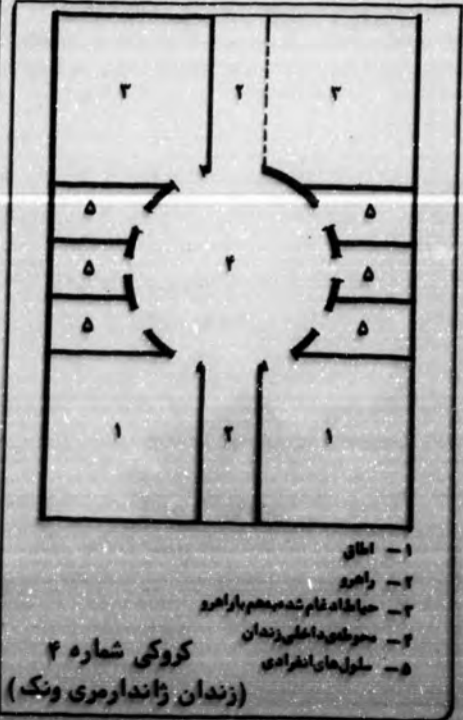
کروکی شماره ۳ (زندان شهربانی اصفهان - گلخانه)



کروکی شماره ۱ (زندان سپاه گرگان)



کروکی شماره ۲ (یکی از زندانهای سپاه اصفهان معروف به باغ کاشفی)



کروکی شماره ۴ (زندان ژاندارمری ونک)

اسامی و مشخصات ۵۷۲ تن دیگر از شکنجه‌گران و دژخیمان رژیم خمینی

توضیح: اسامی و مشخصات ۶۳۰ تن از جلادان و دژخیمان رژیم خمینی، پیش از این در شماره‌ی ۱۸۳ مجاهد انتشار یافت و به آگاهی خلق قهرمان ایران رسید. در این شماره نیز اسامی ۵۷۲ تن دیگر از شکنجه‌گران و دژخیمان خمینی را ملاحظه می‌کنید. لازم به یادآوری است که چه در این لیست و چه در لیست قبلی، بعلمت محدودیت صفحات، صرفاً به ذکر سه مشخصه (نام، سمت و محل اشتغال به شکنجه) دژخیمان اکتفا کرده‌ایم و حال آنکه پرونده و سوابق جنایات این مزدوران و بسیاری از مشخصه‌های دیگر آنان نیز در اختیار ما قرار دارد. در همین‌جا از شما می‌خواهیم که در صورت داشتن هرگونه رد یا نشانی از سایر شکنجه‌گران و دژخیمان خمینی، اطلاعات خود را بطور کامل برای ما ارسال دارید. یعنی فقط به ذکر سه مشخصه فوق‌الکتفا نکنید و با نوشتن دقیق آدرس - محل کار - شماره تلفن - مشخصات ظاهری - مشخصات ویژه و همچنین پرونده‌ی جنایات و گشتارهایشان و ... ما را یاری دهید.

شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه
۵۵۹	حسین تبرک (لادونی)	پاسدار - بازجو	اصفهان
۵۶۰	سیستانی	پاسدار - شکنجه‌گر - مسئول تفتیش عقاید زندانیان عضو دفتر سیاسی سپاه	اصفهان
۵۶۱	اشتی عشر	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۲	تسلیمی (شحنه)	آخوند - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۳	ناصر فتحی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر عضو گروه ضربت	اصفهان
۵۶۴	حسن انصاری	عضو کمیته - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۵	محمد قاسمی (پهلانی)	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۶	حاجی نوزری	عضو سپاه - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۷	... تشیع	عضو گروه شناسایی شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۸	محمد پناهی	عضو بسیج - مأمور بازداشتگاه - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۶۹	احمد خیراللهی	پاسدار - عضو جوخه‌ی آتش - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۰	رحیمی	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۱	حمزه	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۲	اکبر قصاب (محققان)	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۳	زنجیرهای	پاسبخش زندان - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۴	مصطفی نوریان	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۵	محمود نوریان	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۶	حسن نوریان	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۷	مرتضی شهبازی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۷۸	احمد شهبازی	شکنجه‌گر - مداح چماقدار	اصفهان
۵۷۹	حبیب‌الله شهبازی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۰	رضا شهبازی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۱	ماست‌بندزاده	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۲	حاج آقا موسوی	بازجو - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۳	محمد جعفری	عضو بسیج - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۴	اسماعیل شهبازی	عضو باند های سپاه شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۵	محمد شهبازی	عضو باند های سپاه شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۶	عباس آجوجو	عضو بسیج - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۷	مهدی وارث	عضو بسیج در شورای کارایی خیابان آپادانا شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۸	اسدالله شیروانی	قصاب - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۸۹	مهدی شیروانی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۹۰	شکرچی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۹۱	ستوده	دادیار - بازجو - شکنجه‌گر	ایران شهر خاش
۵۹۲	باقری	آخوند - حاکم شرع شکنجه‌گر	ایران شهر
۵۹۳	ارشاد (مستعار)	ایدئولوگ! شکنجه‌گر پاسدار	ایران شهر
۵۹۴	غلام رسول نصراللهی	پاسدار - شکنجه‌گر	ایران شهر
۵۹۵	محمدی	دادیار - بازجو - شکنجه‌گر	بندرعباس
۵۹۶	رعیت	بازپرس - بازجو - شکنجه‌گر	بندرعباس
۵۹۷	منور حیدری	کمک پاسدار - شکنجه‌گر	بندرعباس
۵۹۸	حاجی حسن یگانه	کمیته‌چی - شکنجه‌گر	بندرعباس
۵۹۹	حسن شکروی	کمک بازجو - شکنجه‌گر	بندرعباس
۱۰۰	عبدالرسول	بازجو - شکنجه‌گر	بندرعباس
	حسین زاده	زندانی شو	
۱۰۱	یحیی حاجی میر	بازجو - شکنجه‌گر	بندرعباس

شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه
۵۳۱	بخشی (شیخه)	پاسدار - شکنجه‌گر - رئیس پرونده‌های بهداری	اصفهان
۵۳۲	دانش	پاسدار - مسئول گروه فرهنگی - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۳۳	صادقی (زن)	شکنجه‌گر زنان	اصفهان
۵۳۴	راجی	آخوند - حاکم شرع شکنجه‌گر	اصفهان
۵۳۵	رحمانی	پاسدار - معاون دفتر زندان - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۳۶	مرتضی منطری	پاسدار - شکنجه‌گر بسیج	اصفهان
۵۳۷	منتظری	شکنجه‌گر و سپاه	اصفهان
۵۳۸	منتظری	فرزند مرتضی منتظری عضو جوخه‌ی آتش	اصفهان
۵۳۹	موسی زاده	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۰	تقی موسوی	پیشنماز - آخوند شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۱	اسماعیل شهبازی	پاسدار - شکنجه‌گر کمیته‌ی دروازه تهران	اصفهان
۵۴۲	کاظمی	معاون دادستان - پاسدار شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۳	مظاهری	دادستان - بازجو شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۴	مشیری	پاسدار - مسئول تبلیغات شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۵	رضا اخروی	رئیس زندان - شکنجه‌گر بازجو	اصفهان
۵۴۶	حاج غلامحسین جبارزادار	گاراژدار - شکنجه‌گر جاسوس	اصفهان
۵۴۷	علیخان شهبازی (خان)	دلال - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۴۸	محمد تقی	عضو بسیج - مأمور شکنجه‌ی دانش آموزان	اصفهان
۵۴۹	صادقی	پیشنماز - آخوند شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۰	ابوالقاسم نصرآزادانی	پاسدار - محافظ دادستان - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۱	محمود خدابخشی	پاسدار - بازجو - زندانبان عضو جوخه‌ی آتش	اصفهان
۵۵۲	محمود فلسفی (محمود مرشد)	عضو بسیج - شکنجه‌گر عضو گروه ضربت	اصفهان
۵۵۳	آقارضا موسوی	رئیس شورای مسجد شفیقی - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۴	صادقی	پاسدار - بازجوی دادگاه انقلاب	اصفهان
۵۵۵	صدرارحامی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۶	کمالی	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۷	حسن صاحب جمع	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۵۸	حسین کمالی	رئیس اداره‌ی مواد مخدر شکنجه‌گر	اصفهان

شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه
۵۰۱	ابوشریف	پاسدار - نگهبان دادگاه شکنجه‌گر	آمل
۵۰۲	اسدبنی هاشمی	چماقدار - پاسدار - شکنجه‌گر	آمل
۵۰۳	صدیق‌نقیسی	پاسدار - شکنجه‌گر	آمل
۵۰۴	معصومه فیسی	پاسدار - شکنجه‌گر	آمل
۵۰۵	شمس‌الدین رئیس‌زاده	پاسدار دادستانی شکنجه‌گر	آمل
۵۰۶	... نسبی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	آمل
۵۰۷	حسین آهو	چماقدار - شکنجه‌گر عضو حزب جمهوری	آمل
۵۰۸	عبدالله فردوسی	یکی از مسئولین حزب جمهوری - شکنجه‌گر	آمل
۵۰۹	جعفرزاده	از اعضای گروه "هدفی‌ها" برادر	اصفهان
۵۱۰	جعفرزاده	بازجو - شکنجه‌گر از اعضای گروه "هدفی‌ها"	اصفهان
۵۱۱	سمعی	بازجو - شکنجه‌گر از اعضای "هدفی‌ها"	اصفهان
۵۱۲	شفیعی	از اعضای "هدفی‌ها" شکنجه‌گر	اصفهان
۵۱۳	حبیب‌ساحلی	شکنجه‌گر - بازجو	اصفهان
۵۱۴	سدهی	از قضات شرع - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۱۵	محمد عطریان	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۱۶	عظیمی	مسئول وزارت ارشاد شکنجه‌گر - بازجو	اصفهان
۵۱۷	شیخ عطار	شکنجه‌گر (استاندار فعلی آذربایجان غربی)	اصفهان
۵۱۸	حسین طوطیان	معاون زندان - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۱۹	قدرت‌الله شهبازی	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۰	مغارای (رسول)	پاسدار - مسئول گروه فرهنگی سپاه - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۱	مغارای	بازجو - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۲	عباس اشنجه	پاسدار - رابط دادگاه و زندان - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۳	تاج‌زادگان (زن)	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۴	کربلا صادق کنوری	پاسدار - شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۵	غلامرضا نصرافغانی	پاسدار - مأمور دانشگاه شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۶	غلامرضا قناتی فرد (غلامرضا قنات)	شکنجه‌گر	اصفهان
۵۲۷	مدرسی	دادستان ارتش - شکنجه‌گر بازجو	اصفهان
۵۲۸	رضا تشیع	عضو مخفی سپاه - شکنجه‌گر (پاسبان سابق)	اصفهان
۵۲۹	دوائی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر زندان دستگرد - عضو جوخه‌های آتش	اصفهان

اسامی و مشخصات ۵۷۲ تن دیگر از شکنجه‌گران و دژ خیمان رژیم خمینی

زندان و زندانی



شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه	شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه	شماره ردیف	نام	سمت	محل اشتغال به شکنجه
۲۸۵	رحیم نژاد (برادر فرد فوق)	پاسدار - شکنجه‌گر	درگز	۲۵۲	غلام قیطاس	عضو واحد تحقیقات و اطلاعات سپاه - بازجو شکنجه‌گر	اهواز	۲۰۹	شعبان فکوری	پاسدار - شکنجه‌گر	جویبار
۲۸۶	ابوالفضل نورانی	رئیس زندان - مسئول حزب رستاخیز سابق - مسئول بازجویی و شکنجه‌ی زنان	درگز	۲۵۳	عباس میثمی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۰	رمضان فکوری	مدیریت کارخانه‌ی پنبه شکنجه‌گر	جویبار
۲۸۷	حسین تنهایی	مسئول حزب جمهوری بازجو - شکنجه‌گر	درگز	۲۵۴	کاظم دلیر	عضو بسیج - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۱	حسین فکوری	بازجو - شکنجه‌گر	جویبار
۲۸۸	جانفرا	عضو جهاد سازندگی شکنجه‌گر	درگز	۲۵۵	مهدی صابونی	عضو واحد تحقیقات و اطلاعات - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۲	ابراهیم فکوری	چماق‌دار سابق، شکنجه‌گر	جویبار
۲۸۹	ربیعی	مسئول فرهنگی حزب جمهوری - عضو سابق حزب رستاخیز - شکنجه‌گر	درگز	۲۵۶	کاظم عنافچه	عضو واحد تحقیقات و اطلاعات سپاه - بازجو شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۳	میرابوالفضل حجازی	شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۰	حسین کارگر	کمیته‌چی - شکنجه‌گر	درگز	۲۵۷	عبدالله سنخیراوی	مسئول کمیته‌ی مرکزی شکنجه‌گر	اهواز	شهادی آق‌داش"			
۲۹۱	فریدون نجار	کمیته‌چی - شکنجه‌گر	درگز	۲۵۸	حسین ب. ام. و. صادق کرمانشاهی	بازجو و شکنجه‌گر - پاسدار	اهواز	۲۱۴	سیدآقا قاسمی	آخوند - ساواکی سابق مسئول حزب جمهوری شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۲	نورانی	شکنجه‌گر - پاسدار	درگز	۲۵۹	اصل	از فرماندهان سپاه بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۵	رمضانعلی معلمی	آخوند - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۳	برادران نورانی	شکنجه‌گر - پاسدار	درگز	۲۶۰	ضیاء عالم‌زاده	عضو شورای پاکسازی دانشگاه - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۶	کریم گل	چماق‌دار سابق - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۴	نورانی	شکنجه‌گر - پاسدار	درگز	۲۶۱	هوشنگ کلابکش	استانداری خوزستان - بازجو خوزستان	اهواز	۲۱۷	غلامحسین فقیه	ساواکی سابق - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۵	دُر محمد	آخوند - شکنجه‌گر	درگز	۲۶۲	عباس استادان	مسئول انتظامی استانداری خوزستان - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۱۸	حسین کاظمی	دادیار سابق دادگاه آمل بازجو - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۶	هاجر بربرستانی	شکنجه‌گر زنان	درگز	۲۶۳	نجارزاده	بازجو - شکنجه‌گر	خوزستان	۲۱۹	رجب گلدوست	عضو دادگاه انقلاب شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۷	سوسن ایلچی	عضو گروه تعقیب و مراقبت - شکنجه‌گر	درگز	۲۶۴	حسین شهاب‌الدین	استانداری خوزستان بازجو - شکنجه‌گر	خوزستان	۲۲۰	علی اکبر عرب	دادستان سابق دادگاه انقلاب سمنان - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۸	سکینه ...	شکنجه‌گر زنان - آموزشار نهضت سوادآموزی !!	درگز	۲۶۵	موسوی‌زاده	فرماندار سابق شوشتر مدیر کل مالی کارگزینی خوزستان - بازجو	خوزستان	۲۲۱	بابائی	ساواکی سابق - قاضی دادگاه - شکنجه‌گر	جویبار
۲۹۹	مهدی میلانی	کمیته‌چی - فتوادل شکنجه‌گر	درگز	۲۶۶	پورموسوی	مسئول روابط عمومی استانداری خوزستان شکنجه‌گر - بازجو	خوزستان	۲۲۲	رحمت بابائی	ساواکی سابق - بازجو شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۰	بهبودی	عضو سابق حزب رستاخیز شکنجه‌گر	درگز	۲۶۷	محمد نجاریان	رئیس دفتر ارزشیابی بازجو	خوزستان	۲۲۳	نامدار	آخوند - شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۱	بهبودی (پسر فرد فوق الذکر)	عضو بسیج - شکنجه‌گر	درگز	۲۶۸	رضا صرامی	پاسدار - شورای فرماندهی سپاه - شکنجه‌گر - بازجو	خوزستان	۲۲۴	نامدار (زن)	شکنجه‌گر زنان زندانی	جویبار
۳۰۲	حیدر کارگر	سرباسان - عضو گروه ضربت سپاه و تعقیب و مراقبت - شکنجه‌گر	درگز	۲۶۹	ترابی	آخوند - مسئول دایره‌ی سیاسی - ایدئولوژیک بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۲۵	محمد نوروزی	فرمانده‌ی بسیج - بازجو شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۳	قربان محمد کارگر	ساواکی سابق - عضو بسیج - شکنجه‌گر	درگز	۲۷۰	تیزمفز	دادستان - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۲۶	روح‌الله کاظمی	کارمند شرکت برق شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۴	رحیم رحیم‌پور	ساواکی سابق - سرپرست شرکت تعاونی - شکنجه‌گر	درگز	۲۷۱	عبدالله حویزی (همایون)	پاسدار - مسئول تحقیقات شکنجه‌گر	اهواز	۲۲۷	مهدی رحمانی	شکنجه‌گر - بازجو	جویبار
۳۰۵	علی محمد بربرستانی	عضو انجمن اسلامی شکنجه‌گر	درگز	۲۷۲	هادی رحمتی	مسئول حزب جمهوری شکنجه‌گر	اهواز	۲۲۸	پرویز فرهموند	کارمند بانک	جویبار
۳۰۶	مراد کارگر	عضو بخش اطلاعات سپاه شکنجه‌گر	درگز	۲۷۳	سعید دشت‌بزرگ	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	اهواز	۲۲۹	عزیز آقاپور	شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۷	کریم عزلی	عضو بسیج - شکنجه‌گر	درگز	۲۷۴	رضا رضوی	پاسدار - عضو واحد تحقیقات - شکنجه‌گر	اهواز	۲۳۰	رمضان افضلی	شکنجه‌گر - بازجو	جویبار
۳۰۸	براتعلی لولویی	عضو بخش حفاظت سپاه شکنجه‌گر	درگز	۲۷۵	حمید کردونی	پاسدار - عضو واحد تحقیقات - شکنجه‌گر	اهواز	۲۳۱	حسین افضلی	شکنجه‌گر	جویبار
۳۰۹	پوردولت ...	پاسدار - رئیس زندان شکنجه‌گر	درگز	۲۷۶	علی کردونی	مسئول تربیت بدنی شکنجه‌گر	اهواز	۲۳۲	سیدابراهیم ساداتیان	شکنجه‌گر - بازجو	جویبار
۳۱۰	ازدر ...	عضو بسیج - راننده شکنجه‌گر	درگز	۲۷۷	حمید سرکمری	شکنجه‌گر - بازجو	اهواز	۲۳۳	عذرا دانهای	زندانبان - عامل شکنجه خرم‌آباد	خرم‌آباد
۳۱۱	ابوالفضل فرهادی	عضو بخش اطلاعات سپاه شکنجه‌گر	درگز	۲۷۸	سهیل پور	کارمند استانداری شکنجه‌گر - کمیته‌چی	اهواز	۲۳۴	کبری دانهای سوری	زندانبان - عامل شکنجه شکنجه‌گر - عضو واحد تحقیقات و اطلاعات سپاه	خرم‌آباد
۳۱۲	عیسی پارسا	فتوادل - ساواکی سابق شکنجه‌گر	درگز	۲۷۹	خلف رضائی	بازجو - شکنجه‌گر زندان یونسکو	دزفول	۲۳۵	خدا رحمی	پاسدار - شکنجه‌گر	خرم‌آباد
۳۱۳	سیدرضا حسینی	عضو بسیج (تحت پوشش نامهران عضو تعقیب و مراقبت) شکنجه‌گر	درگز	۲۸۰	طهان	معاون دادستان انقلاب بازجو - شکنجه‌گر	دزفول	۲۳۶	ضراغ مرادی	بازجو - شکنجه‌گر	خرم‌آباد
۳۱۴	اصغر ذوالفقاری	عضو جهاد - بازجو شکنجه‌گر	درگز	۲۸۱	آوائی	دادستان انقلاب شکنجه‌گر زندان یونسکو	دزفول	۲۳۷	... مرادی	مسئول سابق حزب رستاخیز - ساواکی سابق شکنجه‌گر - بازجو	خرم‌آباد
۳۱۵	مراد رضائی	عضو بسیج - شکنجه‌گر	درگز	۲۸۲	خادمان	دادیار دادستانی شکنجه‌گر - بازجو	دزفول	۲۳۸	محمود رضاموسوی	شکنجه‌گر ویژه‌ی معلمین انقلابی	خرم‌آباد
۳۱۶	درویش غلامی	عامل کنترل کارآزها شکنجه‌گر	درگز	۲۸۳	مرادی	رئیس زندان - شکنجه‌گر بازجو	دزفول	۲۳۹	صارمی	بازجو - شکنجه‌گر	خرم‌آباد
۳۱۷	رحیم نژاد	کمیته‌چی - شکنجه‌گر	درگز	۲۸۴	رحیم نژاد	پاسدار - شکنجه‌گر	درگز	۲۴۰	فرزانه (مرد)	عضو حزب جمهوری شکنجه‌گر - بازجو	خرم‌آباد
۳۱۸	صیادی	پاسدار - بازجو - شکنجه‌گر	درگز					۲۴۱	افسانه یوسفی	شکنجه‌گر بند زنان	خرم‌آباد
۳۱۹	محسن قلی‌پور	شکنجه‌گر - بازجو	رامسر					۲۴۲	فریبا بهاری	شکنجه‌گر بند زنان	خرم‌آباد
								۲۴۳	غلام زمریدیان	چماق‌دار سابق - عضو دادگستری - شکنجه‌گر	خرم‌آباد
								۲۴۴	میر (مستعار)	ترابری سپاه - شکنجه‌گر	خاش
								۲۴۵	اکبر (مستعار)	مسئول روابط داخلی سپاه بازجو - شکنجه‌گر	خاش
								۲۴۶	غلام زریان	بازجو - شکنجه‌گر	خرمشهر
								۲۴۷	محمد گلهداری	بازجو - شکنجه‌گر	خرمشهر
								۲۴۸	اسماعیل موسوی	بازجو - شکنجه‌گر	خرمشهر
								۲۴۹	یدالله اسکندری	شکنجه‌گر	خرمشهر
								۲۵۰	مومن علی‌کرم‌اللهی	شکنجه‌گر	خرمشهر

کنفرانس مطبوعاتی سرهنگ اردشیر صنعتی در رابطه با اعلام پیوستگی به سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه/ از صفحه ۹

زود دویچه تسایونگ - آلمان
۲۵ فوریه / ۱۹۸۴

Süddeutsche Zeitung

Frankfurter Rundschau

فرانکفورتر روندشاو - آلمان
۲۵ فوریه / ۱۹۸۴

پزشک سابق ارتش ایران صدمات جانی (از جانب) ایران را

یک میلیون نفر تخمین می زند

بنا بر برآورد سرهنگ سابق اردشیر صنعتی، جنگ ۳/۵ ساله در خلیج تنها از طرف ایران تاکنون حدود یک میلیون کشته و مجروح بر جای گذاشته است. سرهنگ صنعتی خود را پیوسته به سازمان زیرزمینی مجاهدین خلق که بر علیه رژیم آیت الله روح الله خمینی مبارزه می کند، احساس می نماید. وی می گوید: "در جنگ علیه عراق انسان های زیادی بدون هیچ دلیلی جان خود را از دست داده اند." به گفته وی علت اصلی رقم هنگفت صدمات، به سرشت

اونیتا - ایتالیا

۲۶ فوریه / ۱۹۸۴

ایران تاکنون ۴۰۰ هزار نفر کشته داده است

واشنگتن - جنگ بی منطقی که بیش از سه سال است ایران و عراق را مقابل یکدیگر قرار داده، تاکنون تنها بیش از یک میلیون تن از مردان خمینی را قربانی ساخته است.

این رقم وحشتناک در واشنگتن طی یک کنفرانس مطبوعاتی توسط سرهنگ اردشیر صنعتی، افسر پزشک ارتش ایران که به همراه خانواده اش چند ماه پیش از کشور گریخته و اکنون در ایالات متحده پناهنده است، داده شد.

بنا به گفته صنعتی، در میان یک میلیون قربانی، رقم بالائی را پسر بچه های کم سن و سال تشکیل می دهند؛ بچه هایی که از کلاس های درس و یا مزارع با وعده کمک به خانواده، داوطلبانه آورده شده اند.

وی یادآوری نمود، مردان خمینی که برای تبلیغ "جنگ مقدس" به جبهه ها فرستاده می شوند، با دادن قول "کلیدهای بهشت" برای تمام کسانی که در جنگ کشته می شوند، یک نوع شستشوی مغزی نیز انجام می دهند. اردشیر صنعتی، ۴۱

وی در کنفرانس مطبوعاتی یادآوری نمود که: "در جنگ گیلان غرب حضور داشتم و ناظر قتل عام بیش از دو هزار تن از پسر بچه های ایران بودم که بیشتر آنها را اعضای بسیج

رادیوکلن

طبق محاسبات تحقیقی یک پزشک ایرانی که در گذشته با درجهی سرهنگی در ارتش ایران خدمت می کرد، در ۲/۵ سال گذشته در جریان جنگ بین ایران و عراق، ۴۰۰/۰۰۰ نفر سرباز ایرانی کشته شده اند. سرهنگ اردشیر صنعتی که تا قبل از فرارش به ایالات متحدهی آمریکا در ۷ ماه پیش، در بخش شمال غربی جبهه، عضو لشکر ۸۱ زرهی مستقر در آن منطقه بوده است؛ دولت ایران را

نیویورک: بنا بر برآورد یک سرهنگ پزشک سابق ایرانی، جنگ ۳/۵ ساله در خلیج تنها از طرف ایران حدود یک میلیون کشته و مجروح داشته است. سرهنگ اسبق اردشیر صنعتی که از آغاز جنگ در سپتامبر سال ۱۹۸۰ تا هنگام فرارش به ایالات متحدهی آمریکا در هفت ماه قبل، پزشک لشکر ۸۱ زرهی در شمال غرب جبهه بوده، روز پنجشنبه اظهار داشت که رقم کشته شدگان احتمالا حدود ۴۰۰ هزار نفر می باشد. صنعتی به سازمان زیرزمینی مجاهدین خلق که بر علیه رژیم آیت الله روح الله خمینی مبارزه می کند، پیوسته است.

l'Unità

تشکیل می دادند. طبق گفتهی صنعتی، در قسمتی از جبهه که وی حضور داشته است، تعداد کشته شدگان به ۸۰ هزار نفر و مجروحان به ۱۲۰ هزار نفر بالغ می شدند که بسیاری از آنها بدون کمک به حال خود رها شده بودند و این درحالیست که بهداری ارتش فاقد پرسنل و تدارکات ضروری مادی و داروئی لازم برای رسیدگی به این همه مجروح می باشد.

برنامه ی شامگاهی

۸۴/۳/۲۴

متهم کرد به اینکه تعداد تلفات خودی را در یک سطح پائین اعلام می دارد. سرهنگ سابق ارتش ایران، اردشیر صنعتی افزود که قسمت اعظم سربازان ایرانی که در جنگ کشته شده اند در سنین ۱۲ تا ۱۸ سال قرار داشتند. آنها فقط به سلاح های سبک مجهز بودند و در جریان یورش به مواضع دشمن در اثر آتش شدید نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند.

•••

علیرغم تلاش های رژیم خمینی برای جلوگیری از افشای آمار سرسام آور تلفات و کشته های جنگ در حملات اخیر (موسوم به والفجر ۶ - عملیات خیبر) اخبار و گزارشات زیر نشان دهنده ی ابعاد وسیع جنایات رژیم در این زمینه است:

مجروحین

* بگفته ی شاهدان عینی در فرودگاه مهرآباد، روزانه حداقل ۳ هواپیمای ۱۳۰ - C ارتشی حامل مجروحین جنگ در این فرودگاه به زمین نشسته و بدلیل کمبود جا در بیمارستان های تهران، آنها را به سایر نقاط کشور منتقل می نمایند.

* در تاریخ ۹/اسفند/۶۲، تعداد زیادی از مجروحین جنگ را به مشهد منتقل کرده و در بیش از ۶ بیمارستان از جمله بیمارستان های امام رضا و قائم بستری نموده اند. تعداد این مجروحین بقدری زیاد است که اکثر تخت های این بیمارستان ها به مجروحین جنگی اختصاص یافته و پرسنل بیمارستان ها توان رسیدگی به همه ی آنها را ندارند. در این رابطه کافی است اشاره کنیم که در تاریخ یاد شده تنها ۸۰ نفر را در بیمارستان قائم بستری نموده اند که اکثر آنها جوانان ۱۵، ۱۶ ساله می باشند.

* در تاریخ ۶/اسفند/۶۲، دو هواپیمای ۱۳۰ - C تعداد زیادی مجروح را به شیراز منتقل کرده و در حال حاضر بیمارستان های نمازی، سعدی، شیراز، ارتش و چند بیمارستان دیگر ملو از مجروحین جنگی است.

* در تاریخ ۷/اسفند/۶۲، سه هواپیمای حامل مجروحین جنگی در فرودگاه اصفهان به زمین نشسته و مجروحین را در ۸ بیمارستان این شهر بستری کرده اند.

* همچنین در تاریخ ۶/اسفند/۶۲، تعداد دیگری از مجروحین توسط سه هواپیمای ۱۳۰ - C به یزد منتقل شده اند.

کشته ها

* "بمناسبت تشییع پیکرهای شهدای گلگون کفن عملیات ظفرمندان (۱) والفجر ۶، عملیات پیروزمندان (خیبر) امروز شهر شهید پرور اصفهان تعطیل می باشد." (جمهوری - ۱۱/اسفند/۶۲)

* "شهادت ۴ تن از فیلمبرداران ستاد تبلیغات جنگ در منطقه ی خیبر" (کیهان - ۸/اسفند/۶۲)

اخبار و گزارشاتی از کشته ها و مجروحین بشمار جنگ در حملات اخیر رژیم و فرار روزافزون از جبهه ها

* اطلاعیه ی سپاه پاسداران منطقه ی ۱۰: "مراسم تشییع پیکر شهید دکتر محمدعلی رهنمون معاون درمانی بهداری سپاه پاسداران... و شهید مهدی خداپرست مسئول امور جانبازان این سپاه، روز سه شنبه ۶۲/۱۲/۹ از مقابل بیمارستان نجمیه انجام خواهد شد."

(جمهوری - ۹/اسفند/۶۲) * "از سوی... حوزه ی علمیه ی قم مراسم گرامیداشتی به مناسبت شهادت حاجت الاسلام سید علی روحانی... و ثقه الاسلام حاج شیخ محمد جواد طاهری قمی مسئول سابق پرسنلی سپاه پاسداران قم که در عملیات... خیبر به درجه ی رفیع شهادت نائل شدند، در قم برگزار شد."

(کیهان - ۱۴/اسفند/۶۲)

فرار از جبهه ها

* خمینی: "الان شما خواهید جبهه را خدای نخواسته رها کنید و برای عید چند روزی هم بیائید اینجا خوب چه بکنید، عید، چه عیدی شما دارید، شامی که در آنجا آنطور گرفتار هستید و در آنجا بمب های مسموم به سر شما می ریزند. خوب شما چه عیدی دارید که حالا بیائید برای عید جبهه را خالی بکنید، جبهه را قوی نگه دارید"

(کیهان - ۱۵/اسفند/۶۲)

* نامه ی سرپرست بسیج به خمینی: "... طی تماس های مکرر و ملاقات های حضوری فرماندهان کلیدی واحدهای بسیج در جبهه و پشت جبهه با اینجانب کلیدی رزمندگان بسیجی هماهنگ با سایر رزمندگان ارتش و سپاه ضمن اعلام آمادگی هرچه بیشتر برای ماندن در ایام عید در جبهه ها و تداوم نبرد به فرماندهی کل قوا... اطمینان داده اند تا آخرین نفر و تا آخرین قطره ی خون به نبرد خود... ادامه خواهند داد."

(رادیو رژیم - ۸/اسفند/۶۲)

* منتظری خائن: "در جنگ هم باید گارها روی اساس و طرح و فکر باشد نه گندروی و ترس از دشمن و یا مثلا فرار از حفره بلگه فرار از حفره (جنگ) درست نیست."

(رادیو رژیم - ۲۰/اسفند/۶۲)

* "بدنبال بیانات اخیر... خمینی گروه گثیری از اعضای بسیج مستضعفین مستقر در جبهه های جنوب مرخصی های استحقاقی خود را لغو کرده و به واحدهای مربوطه ی خود در مناطق عملیاتی جنوب بازگشتند!" (رادیو رژیم - ۱۹/اسفند/۶۲)

گزارشی از چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در رابطه با نقض شدید حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه ۸

نقض حقوق انسان‌ها در ایران گماکان ادامه دارد. هر روز هزاران نفر قربانی سرکوب قهرآمیز و وحشیانه می‌شوند و این اعمال را دولت فقط بخاطر حفظ و ادامه‌ی حکومتش انجام می‌دهد. به این ترتیب ۳۹ سال پس از تصویب میثاق حقوق بشر ... تروریسم دولتی با ایجاد یک سیستم اقتصادی نادرست و غیرعادلانه مردم را به گرسنگی و محرومیت از حقوقشان و به بیچارگی و بدبختی و مهاجرت غم‌انگیز محکوم می‌کند ... تعداد اعدام‌شدگان در ایران به چندین هزار نفر رسیده است. متهمین از دادگاه و وکیل محرومند. نقض شدید حق زندگی ابعاد وحشت‌آوری در ایران خمینی بخود گرفته است. در میان هزاران هزار زندانی سیاسی عده‌ی زیادی بخاطر عقاید و یا نسبت‌های قومی و ملی‌شان دستگیر شده‌اند. بر مبنای شهادت شهود عینی شکنجه‌های وحشتناکی بطور مداوم در زندان‌های ایران اعمال می‌شوند. حداقل ضمانت‌های لازم برای یک قضاوت درست در دادگاه‌های ایران وجود ندارد. اکثر متهمین در جریان اتهاماتی که رژیم علیه آنها ادعا می‌کند نیستند. طی سال گذشته رژیم خمینی دائما پیش‌پاافتاده‌ترین حقوق بشر را در زمینه‌های متعدد نقض کرده است. از آن جمله‌اند: اعزام اطفال ۱۲ ساله به جبهه‌های جنگ، مزدور نمودن مطبوعات، تبعیض در رابطه با زنان، حجاب اجباری، دستگیری، شکنجه و بدترین اتهامات به زنان بخاطر نحوه‌ی لباس پوشیدنشان. همچنین خانم خندان آرین مفسر سابق رادیو تلویزیون ملی ایران که سال گذشته پس از ترک ایران به سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت اعلام پیوستگی نمود، به نمایندگی از جانب یک سازمان غیردولتی بنام "جنبش جهانی برای اتحادیم" های برادرانه میان نژادها و خلق‌ها" در این اجلاس سخنرانی کرد. وی در قسمتی از سخنان خود ضمن اشاره به وضعیت رقت‌آور زیستی بالغ بر ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی در ایران، به ذکر وضعیت زنان و کودکان در این زندان‌ها پرداخت و گفت هم اکنون تعداد

زیادی از بچه‌ها با مادرانشان زندانی‌اند و حتی زنان حامله نیز زندانی و اعدام می‌شوند. او گفت کودکان زندانی به علت سوءتغذیه و عدم امکانات بهداشتی به بیماری‌هایی نظیر فلج و راشیتیزم مبتلا شده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل نیز طی اطلاعیه‌ای که بتاريخ ۲ فوریه به کمیسیون حقوق بشر در همین رابطه تسلیم کرد، چنین نوشت: "عفو بین‌الملل همچنان نسبت به نقض وسیع و گسترده‌ی حقوق بشر در ایران و علی‌الخصوص در رابطه با زندانی کردن افراد بخاطر عقایدشان، محاکمات غیرعادلانه‌ی زندانیان سیاسی، صدور اجرای حکم مرگ، شکنجه و سایر مجازات‌های بیرحمانه و غیرانسانی و یا رفتار تحقیرآمیز با زندانیان، عمیقاً نگران است ... عفو بین‌الملل معتقد است که شکنجه‌ی زندانیان در ایران وسیعاً رواج دارد و اکثر کسانی که بخاطر مخالفت واقعی یا احتمالی با دولت دستگیر می‌شوند به نوعی تحت آزار بدنی قرار می‌گیرند. شهادت در مورد شکنجه در زندان‌های ایران توسط زندانیان سابق که از ایران گریخته‌اند و همچنین خویشان و دوستان زندانیان کنونی که در خارج کشور بسر می‌برند، ارائه می‌شود. زندانیان توضیح می‌دهند که چگونه بر نقاط مختلف بدنشان شلاق می‌نواختند، به آنان شوک الکتریکی وارد می‌کردند، سرشان را زیر آب نگاه می‌داشتند و یا برایشان صحنه‌های اعدام مصنوعی ترتیب می‌دادند. این سازمان گزارشات بسیاری از اعدام‌های مخفیانه دریافت کرده است. برخی از اعدام‌شدگان زنان حامله و یا افراد کمتر از ۱۸ سال بوده‌اند. این اعدام‌ها در اغلب موارد بدون هیچگونه محاکمه و یا پس از یک محاکمه‌ی بسیار کوتاه انجام گرفته است. همانطور که میدانید سال گذشته نیز بمناسبت سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر برادر مجاهد مسعود رجوی طی ارسال نامه‌ها و مدارک و اسناد متعددی به مجامع مختلف حقوق بشر و منجمله رئیس سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، موارد نقض حقوق بشر در ایران را برای آنان توضیح داده بود. همچنین اتحادیه‌ی انجمنهای دانشجویان مسلمان و نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در سوئیس

اقدامات گسترده‌ای را برای طرح و محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران در اجلاس فوق‌الذکر بعمل آوردند که گوشه‌ای از این اقدامات در گزارشات دبیرکل و قطعنامه‌ی کمیسیون و ... منعکس گردید. منجمله مفاد و مدارک غیرقابل انکار نامه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی به رئیس اجلاس‌ی دولتی امضاءکننده‌ی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در گزارش دبیرکل سازمان ملل مورد استناد قرار گرفت. بدنبال این اقدامات بود که در پایان اجلاس فوق قطعنامه‌ی صادر گردید که در آن صریحاً "بر نقض شدید و مستمر حقوق بشر در ایران" تاکید شده و با توجه به گزارشات مختلف و منجمله با استناد به گزارش دبیرکل سازمان ملل نسبت به رفتار رژیم ایران در مورد نقض حقوق بشر، "اضطراب عمیق" کمیسیون اعلام گردید. در این قطعنامه از دبیرکل سازمان ملل خواسته شده است تا گزارشی از وضع حقوق بشر به چهلمین اجلاس این کمیسیون ارائه نماید. در همین رابطه بود که روز چهارشنبه‌ی گذشته دبیرکل اسناد و مدارک و گزارشاتی که از سراسر جهان برایش ارسال شده بود، به این اجلاس تقدیم کرد. آقای دبیرکل در این گزارش با یادآوری قطعنامه‌های سال‌های ۸۲ و ۸۳ کمیسیون حقوق بشر در محکومیت رژیم خمینی در رابطه با نقض حقوق بشر و همچنین با اشاره به گزارش سال گذشته‌ی خود به سی و نهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، خاطر نشان می‌سازد که بدلیل به نتیجه نرسیدن تلاش‌هایش برای اعزام نماینده‌هایی به ایران، شیوه‌ی به کار رفته در گزارش امسال نیز مانند سال گذشته براساس اطلاعاتی که از منابع خارج ایران ارسال شده است، میباشد. وی اضافه می‌کند گستردگی این مراسلات که از سراسر جهان دریافت شده، نمایشگر نگرانی وسیع در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می‌باشد. آقای دبیرکل در گزارش خود می‌افزاید که گزارش حاضر بر مبنای استانداردهای اساسی بین‌المللی و همچنین قوانین کشور ایران و منجمله مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی تنظیم شده

است. وی براساس معاهدات بین‌المللی از جمله "میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی" و "میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و "کنوانسیون بین‌المللی برای از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی" و "کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت ژنوسید (کشتار عمومی)"، موارد نقض حقوق بشر در ایران را به چهار بخش تقسیم می‌کند: نقض حق زیستن، نقض ممنوعیت شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی، نقض حق محاکمه‌ی عادلانه و نقض حق آزادی عقیده. در زمینه‌ی حق زیستن دبیرکل اعلام می‌کند که: "گرچه برپایه‌ی اعلامیه‌های رسمی، رژیم ایران تعداد کل اعدامیها را ۵۰۰۰ تن ذکر کرده، ولی برخی منابع معتقدند که تعداد این اعدامها بسیار بیشتر است." وی در زمینه‌ی اعزام کودکان به جبهه‌ها به تناقضات پاسخهای رژیم پرداخته و به سخنان نماینده‌ی رژیم ایران در دوازدهمین نشست کمیسیون فرعی برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها در سال ۸۳ اشاره می‌کند، که گفته است: "برای ایران این کودکان مایه‌ی افتخار هستند، چرا که خطیر بودن اوضاع کشورشان را درک کرده و به والدین خود کمک نمودند تا کشورشان را آزاد کنند." در زمینه‌ی نقض ممنوعیت شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی، آقای پرز دوکوتلار خاطر نشان می‌سازد که: "تاکنون اطلاعات زیادی در مورد شکنجه‌ی زندانیان واصل گشته است. عفو بین‌الملل ادعا دارد که تقریباً کلیه‌ی زندانیان سیاسی شکنجه می‌شوند." در رابطه با نقض حق محاکمه‌ی عادلانه در ایران، دبیرکل خاطر نشان می‌سازد: "تعدادی دعای در مورد عدم وجود مراحل حقوقی لازم برای محکومیت اعضای گروه‌های اقلیت و اپوزیسیون دریافت شده است، در رابطه با محاکمه‌ی اعضای حزب توده برخی ناظران اعلام کرده‌اند که محاکمه‌ی اعضای این حزب در شرایط مشابهی با محاکمات سایر گروه‌های مخالف و افرادی که صریحاً در معرض ظن بوده‌اند، یعنی در خفا و بدون وکیل یا ناظر خارجی برگزار شده است. همچنین جامعه‌ی بین‌المللی بهائیان اظهار می‌کند که محاکماتی (اگر محاکماتی وجود داشته باشد) که منجر به اعدام بهائیان شده است، مخفی و بدون گذراندن پروسه‌ی قانونی بوده و حکم اعدام بدون اطلاع قبلی به اجرا درآمده است." دبیر کل گزارش خود را

در زمینه‌ی نقض حق آزادی عقیده توسط رژیم ایران چنین ادامه می‌دهد: "دعای مگروری در مورد عدم آزادی عقیده در ایران دریافت شده است. منجمله دستگیری و اعدام افرادی که مخالفت خود با دولت کنونی را از طریق عضویت در گروهی از اپوزیسیون یا حمایت از آن گروه ابراز کرده و یا حتی با اعضاء و هواداران این گروهها صرفاً رابطه‌ی خویشاوندی داشته‌اند. در رابطه با حقوق اقلیتها اطلاعات واصله نقض حقوق مردم غیرنظامی را در کردستان ایران نشان می‌دهد. منجمله لیستی حاوی اسامی ۷۸ نفر از سکنه‌ی روستاهای قره‌گل، کلب رضاخان، پیرانجیغ، خلیقان، سوزی، شاه‌قلی و ... در کردستان واصل شده است که توسط نیروهای دولتی در ۲۶ ژانویه و ۲۵، ۲۳ و ۲۸ مارس ۱۹۸۳ به قتل رسیده‌اند. در این لیست، اسامی کودک ۲ ساله و پیرمرد ۱۱۰ ساله نیز به چشم می‌خورد. همچنین در رابطه با افراد دین یهود طبق اطلاعات رسیده بیش از ۵۰۰ یهودی روز ۷/مه/۱۹۸۳، حین برگزاری مراسم مذهبی در روز مقدس یهودیان در تهران دستگیر و تا صبح روز بعد در زندان اوین نگه داشته شده‌اند. ماموران دولتی آنها را تهدید کردند که در صورت ادامه‌ی برپائی مراسم، دستگیر و مجازات خواهند شد." دبیر کل سازمان ملل در پایان گزارشات خود می‌افزاید: "وضعیت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در جمهوری اسلامی ایران همچنان موجب نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی و کمیسیون حقوق بشر می‌باشد. کمیسیون از دولت ایران تقاضا کرده است تا با تلاشهای سازمان ملل به منظور پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی همکاری نماید. در ظرف چهار سالگی که از نخستین توجهات سازمان ملل به وضعیت حقوق بشر در ایران میگذرد، هیچ دلیل روشنی دال بر بهبود اوضاع وجود ندارد و این در حالیست که دولت ایران به عنوان امضاءکننده‌ی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملزم به اجرای کلیه‌ی حقوقی است که در آن میثاق مندرج می‌باشد." دبیرکل سازمان ملل علاوه بر گزارش فوق، در گزارش دیگری نیز کمیسیون حقوق بشر را از تلاشهای خود برای برقراری تماسهای مستقیم با رژیم ایران و اعزام نماینده‌ی جهت بررسی وضعیت حقوق بشر به این کشور مطلع ساخت، وی در این گزارش بقیه در صفحه بعد

متمم بودجه سال ۶۲ یا مکمل بودجه جنگ؟!

روز چهارشنبه ۱۰/اسفند/۶۲، مجلس ضدخلقی خمینی، لایحه‌ی متمم بودجه‌ی سال ۶۲ را تصویب نمود. براساس این لایحه به دولت خیانتکار موسوی اجازه داده شد تا مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال از "اعتبارات سیستم بانکی" استقراض نماید تا طبق مواد لایحه، ۱۱۰ میلیارد ریال آن را بابت کمبود درآمدهای پیشبینی شده در بودجه‌ی امسال و ۴۰ میلیارد ریال دیگر آن را صرف هزینه‌های جدید نماید. به عبارت روشن‌تر در روزهای پایانی سال جاری، ۱۵۰ میلیارد ریال به دولت ورشکسته اعتبار داده شد تا آن را صرف عاجل‌ترین مشکلات خود، منجمله مخارج جنگ و تامین حقوق اسفندماه کارمندان دولت بنماید. گویانکه در اواخر سال ۶۱، هنگام تصویب لایحه‌ی بودجه‌ی ۵۸۰ میلیارد تومانی سال ۶۲، کارگزاران رژیم قول دادند که با تصویب آن، هرگز لایحه‌ی متممی به "مجلس" نخواهند آورد و با دجالگری و عوامفریبی، بودجه‌ای ظاهرقریب، اما پوچ و بی‌پایه را، به عنوان درآمدها و هزینه‌های رژیم در سال ۶۲، به تصویب رساندند. اما همان‌موقع با توجه به واقعیت‌های موجود، منجمله کاهش بهای نفت به ازای هر بشکه ۵ دلار و همچنین غیرواقعی بودن میزان درآمدی که از قبیل مالیات در نظر گرفته شده بود و همچنین غیرواقعی بودن هزینه‌های رژیم، منجمله جنگ ویرانگر خمینی (که در بودجه، بسیار کمتر از هزینه‌ی واقعی آن پیشبینی شده بود) و افزون بر آنها، کسری بودجه‌ای که خود رژیم در بودجه ذکر کرده بود و ... بی‌اساس بودن بودجه‌ی سال ۶۲، رژیم بخوبی آشکار و روشن بود. از جمله بدنبال کاهش بهای نفت، بانکی خائن "وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه"ی رژیم، در پاسخ به این سوال که: "آیا کاهش قیمت نفت باعث تجدیدنظر در بودجه‌ی سال جاری نخواهد شد؟" با عوامفریبی تمام گفت: "تغییر قیمت نفت بهیچوجه در بودجه‌ی جاری

کشور اثری نداشته است و تصور نمی‌شود در آینده هم تغییری در این بودجه داشته باشیم." (اطلاعات ۱۲/اردیبهشت/۶۲) اما اکنون در جلسات بحث مجلس ضدخلقی پیرامون لایحه‌ی متمم بودجه‌ی سال ۶۲، مشخص شده است که یکی از ارقام، کمبود درآمدهای پیشبینی شده در بودجه‌ی سال ۶۲، مربوط به عدم تامین درآمد نفت درحد پیشبینی شده بوده است. مضافاً براینکه رژیم در طول این مدت، به منظور تامین ارز لازم جهت هزینه‌های جنگ، نفت را ارزان‌تر از نرخ تعیین‌شده در اوبک، به حراج گذاشته است. ضمناً در همین جلسات تأدیه نشدن بخشی از درآمد مالیاتی پیشبینی شده در بودجه‌ی سال ۶۲، نیز، از عوامل خالی شدن خزانه‌ی دولت ذکر گردید. از سوی دیگر دولت علاوه بر دریافت ۱۱۰ میلیارد ریال از سیستم بانکی جهت هزینه‌های پیشبینی شده‌ی قبلی، ۴۰ میلیارد ریال نیز جهت هزینه‌های تازه دریافت نمود که ۳۰ میلیارد ریال از آن شامل: ۱۰۰ میلیارد ریال جهت هزینه‌های جنگ و ۱۰۰ میلیارد ریال جهت هزینه‌های بنیاد مهاجرین جنگی و ۱۰۰ میلیارد ریال دیگر هزینه‌های پیشبینی نشده - منجمله بازهم در زمینه‌ی جنگ! - می‌باشد. البته بلعیده شدن بودجه بوسیله‌ی ماشین جنگی خمینی، ابعاد بسیار وسیعتری دارد و اعضای مجلس ضدخلقی نیز در هنگام دفاع از لایحه‌ی اخیر، بالاتفاق به آن اعتراف نمودند. منجمله یکی از نمایندگان خائن اظهارداشت که: "هر سال بطور مستقیم و غیرمستقیم عددی نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه‌ی جنگ تحمیلی است ... عامل اصلی عدم تعادل کمی لویح بودجه در دو سه سال اخیر یکی جنگ است." (کیهان ۱۱/اسفند/۶۲) البته همین رقم نیز بهیچوجه مبین تمام مخارج و هزینه‌های سرسام‌آور جنگ‌افروزی - های خمینی نیست و رژیم هیچگاه در این مورد رقم‌درستی ارائه نکرده است. فی‌المثل در

شرایطی که این عضو مجلس ضدخلقی بودجه‌ی سالانه‌ی جنگ را ۱۰۰ میلیارد تومان ذکر می‌کند، بانکی خائن رئیس سازمان برنامه و بودجه‌ی رژیم "پرداخت‌های جاری" برای جنگ در سال ۶۲ را بیش از ۱۶۴ میلیارد تومان اعلام کرده و افزایش آن را نسبت به سال ۶۱، ۲۵ درصد ذکر می‌کند. (کیهان ۱۴/آذر/۶۲) ذکر ارقام فوق برای توضیح این حقیقت است که تامین نشدن درآمدهای پیشبینی شده در بودجه‌ی سال ۶۲ - منجمله درآمد نفت - درحد خود عامل فرعی‌ای بیش نیست و در واقع این مخارج عظیم مرئی و نامرئی جنگ است که ابعاد کسری بودجه را تا این حد بالا برده است. از جمله "دولت" خمینی در طول سال ۶۲، تقریباً هر دو ماه یکبار بودجه‌ی جنگی برای مخارج فوری جنگ تصویب کرده است. (مراجعه شود به "مجاهد" ۱۸۱). علاوه بر اینها رژیم تا آنجا که در توان کارگزاران خیانتکار و چپاولگرش بوده، از قبیل بودجه‌های جاری و عمرانی و خدماتی جامعه، برای جبهه‌ها کنار گذاشته است. از جمله در سندی که در شماره‌ی ۱۸۷ "مجاهد" به چاپ رسید، نمونه‌ای از این قبیل غارتگری‌های رژیم، برملا گردید. گو اینکه در همان سند نیز بوضوح روشن بود که اختصاص بودجه‌ی غیرمکفی به بخش خدماتی بزرگی همانند شهرداری تهران که عمدتاً مخارج جاری دارد - و به اعتراف شهردار برکنار شده (بنکدار)، شهرداری را به آستانه‌ی ورشکستگی کشانده است - خود بهترین گواه اختصاص بودجه به مسائل مبرم رژیم از جمله جنگ خارجی و سرکوب داخلی است. و از همین موضوع می‌توان پی برد که سرنوشت بودجه‌ی طرح‌های عمرانی میان مدت و درازمدت به کجا کشیده می‌شود؟! بی‌جهت نیست که نخست‌وزیر خمینی در آذرماه گذشته، طی بخشنامه‌ی محرمانه‌ای به کلیه‌ی مجریان طرح‌ها ابلاغ کرد که چنانچه پروژه‌ی تصویب‌شده‌ی جدیدی را شروع نکرده‌اند، از اجرائش خودداری نمایند و

همچنین طرح‌های قدیمی راکد مانده را نیز همچنان متوقف نگاه دارند. دستور محرمانه‌ی دیگری، حاکی از آنست که فقط حقوق و مزایای کلی کارکنان دولت پرداخت شود و از هرگونه انجام مأموریت و اضافه‌کاری به منظور صرفه‌جویی در مخارج، خودداری گردد! بدین‌ترتیب با سرجمع کردن کلیه‌ی کانال‌های مستقیم و غیرمستقیم که از خزانه‌ی دولت به جبهه‌ها متصل گشته‌اند، ابعاد خانمانسوز جنگ‌افروزی‌های خمینی هر چه بیشتر برملا می‌گردد. حتی کلیه‌ی بودجه‌هایی را که دولت مرتباً به منظور بازسازی مناطق جنگی درخواست می‌کند و طبق اظهارات بانکی خائن رقم آن در سال ۶۲، ۷۲ میلیارد ریال از کل ۲۹۶ میلیارد ریال اعتبارات عمرانی کل کشور در سال جاری می‌باشد، باید در این چارچوب ارزیابی کرده و به حساب جنگ گذاشت. ضمن آنکه تأکیدات اخیر در مجلس ضدخلقی برای تصویب ۱۰ میلیارد ریال جهت هزینه‌ی آوارگان جنگ و تصریح مخبر "کمیسیون برنامه و بودجه‌ی" مجلس بر این نکته که: "بنیاد امور جنگ‌زدگان، با توجه به تشدید شدن جنگ در ماه‌های اخیر سال با کمبود اعتبار مواجه بودند." (کیهان ۹/اسفند/۶۲)، نشانگر روی آوردن سیل‌گسترده‌ی مردم بی‌پناه مناطق کشور به شهرهای دیگر می‌باشد. در پایان بایستی به این نکته‌ی مهم نیز اشاره نمود که "استفاده از سیستم اعتبارات بانکی" و یا "استقراض از سیستم بانکی" در رژیم ضدخلقی خمینی مفهومی جز چاپ اسکناس و افزایش بدون پشتوانه‌ی حجم نقدینگی در جامعه را ندارد. عمل خیانت‌باری که دیگر جزو کارهای عادی و

رایج رژیم برای رفع مشکلات و تنگناهای اقتصادی روزمره‌اش درآمده است. بنحوی که کارگزاران رژیم تا اوایل سال ۶۲، حجم اسکناس در گردش را چهار برابر زمان روی کار آمدن رژیم خمینی برآورد کرده‌اند. (کیهان ۱۷/فروردین/۶۲) و در همین رابطه بدهی دولت به سیستم بانکی تا سال ۶۱ حدود ۴۵۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است. (کیهان ۶/اسفند/۶۲) این نکته نیز روشن است که افزایش نقدینگی در جامعه و چاپ بدون پشتوانه و بی‌حساب و کتاب اسکناس، به همان میزان "تقاضا" را در بازار و قلمرو اقتصادی کشور بالا خواهد برد؛ که این مسئله با توجه به ورشکستگی اقتصاد و انهدام تولید و کمبود کالا با مکانیسمی ساده به افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها منجر خواهد گردید و نتایج آن نیز قبل از همه بر گرده‌ی زحمتکشان و اقشار کم‌درآمد فشار خواهد آورد. در این زمینه "نادی" یکی از اعضای مجلس ضدخلقی اعتراف می‌کند که: "معنای استقراض از سیستم بانکی اینست که از ضعیف‌ترین افراد جامعه پول بگیریم و به سرمایه‌ی میلیاردرها بیفزائیم. ما بخواهیم و یا نخواهیم این عمل اتفاق افتاده. بپذیریم یا ناراحت شویم (!) بعد از انقلاب بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی کرده‌ایم." (کیهان ۱۹/آذر/۶۲). موارد فوق‌الذکر، فشرده‌ای از محتوای لایحه‌ی ظاهرقریب "متمم بودجه‌ی سال ۶۲" بود که در نیمه‌ی اسفند به تصویب رسید و مخبر کمیسیون بودجه اصرار داشت هر چه زودتر در این سال به تصویب برسد، چون اگر برای سال آینده بماند غیرقانونی خواهد شد؟! ...

گزارشی از چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ...

بقیه از صفحه‌ی قبل
اجرائی این مسافرت، با نماینده‌ی دائمی رژیم خمینی در سازمان ملل تماس می‌گیرد، وی مخالفت دولت متبوع خود را با اعزام نماینده‌ی فوق‌الذکر اعلام می‌دارد. پس از انتشار گزارش دبیرکل ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، از سوی برادر مجاهد مسعود رجوی تلگرامی خطاب به آقای پرزد و کوتلار ارسال شد که متن آن در همین شماره از نظراتان می‌گذرد ...

افشاء بسیج ضدخلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه‌اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و ندادن قیام عمومی است.

"سیستم" توزیع کالا در رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۶

تحریم انتخابات فرمایشی رژیم، مندرج در مجاهد (۱۸۸)، ضمناً در رابطه با همین فساد گسترده نیز هست که هر روز باند تازه‌ای از تولید و توزیع‌کنندگان کوبین نقلی (در تیراز دهها هزار) رشوه‌خواری، اختلاس، احتکار، جعل و خرید و فروش اسناد و... کشف می‌شود که همانند نمونه‌ی اخیر قم و ساری و خرم‌آباد، بدون استثناء کارگزاران شناخته‌شده‌ی رژیم در مناطق مختلف از گردانندگان اصلی آنها می‌باشند. (اطلاعات ۷ و ۸ آذر و ۱۵/دی/۶۲) و در همین رابطه نیز هست که برخی ایادی رژیم هرازگاهی با زبان بی‌زبانی خواستار می‌شوند که: "برای اینکه بتوان به کار مبارزه با گرانفروشی کاملاً مسلط شد، باید شرکت‌های تعاونی توزیع مطمئن تشکیل داد و گروه‌های تحقیق نیز بر جابجائی و انبار کالاها نظارت داشته باشند." (اطلاعات ۶۲/۱۰/۹) و یا استاندار سرسپرده‌ی سیستان و بلوچستان اعتراف می‌کند که: "۹۰ درصد از کالاهای توزیعی بدست نیازمندان نمی‌رسد." (اطلاعات ۶۲/۸/۱) و نماینده‌ی خائن شاهرود که وابسته به جناح رقیب دولت می‌باشد، اقرار می‌کند که: "اینهمه کالاهای موجود در بازار سیاه نتیجه‌ی فساد و بی‌قانونی سیستم ناتوان دولت و همدستی دزدان و چپاولگرانی که از طریق دولت جنس می‌دزدند، است." (کیهان ۶۲/۸/۲۲)

بدین ترتیب سیستم فاسد توزیع کشور - البته در چارچوب انهدام تولید و شرایط جنگی - تعادل بین عرضه و تقاضا و ضریب تورم را بگونه‌ای غیرمعمول و شکننده و بازگشت-ناپذیر درآورده و فاصله‌ی دو نرخ دولتی و بازار آزاد را به اندازه‌ی زیاد نموده که اتخاذ هرگونه سیاستی از جانب رژیم جهت تخفیف بحران و خروج از بن‌بست را، عملاً بی‌فایده و بی‌نتیجه نموده است. (۱)

فی‌المثل هر کیسه آرد با نرخ دولتی ۱۰۰ تومان، در بازار آزاد کیسه‌ای ۸۰۰ تومان بفروش می‌رسد. به همین روال سیمان کیسه‌ای ۲۵ تومان، به قیمت ۱۲۰ تومان، لباس‌شوئی

۴ هزار تومان به قیمت ۱۲ هزار تومان، اطو ۳۰۰ تومان به قیمت ۱۲۰۰ تومان، فریزر (ساخت داخل) ۷ هزار تومان به قیمت ۲۰ هزار تومان، جای مخلوط کیلوئی ۵۵ تومان، به قیمت ۴۰۰ تومان، موکت ۱۲ متری با نرخ دولتی ۱۸۳۶ تومان به قیمت ۱۲ هزار تومان، برنج ۲۵ تا ۳۰ تومان به قیمت ۸۰ تومان، به فروش می‌رسد. در مورد نرخ وسائل کار و لوازم یدکی اتومبیل، قیمت‌ها وحشتناک‌تر است. هر حلقه‌ی لاستیک پیکان به نرخ دولتی ۲۵۸ تومان، به قیمت ۱۵۰۰ تومان، لاستیک بی. ام. و. پژو، شورولت ۵۵۷ تومان به قیمت ۴۰۰۰ تومان، لاستیک ماشین‌های

از مشتری دریافت می‌دارند که قطعاً آن را هم باید شیوه‌ی کار تجار وابسته به رژیم که نخواستند تمام‌ی سهم کالاهای خود را به بازار سیاه بریزند و صلاح دیده‌اند مشتری‌های خود را ناامید نکنند، تلقی نمود! (اطلاعات ۶۲/۷/۲)

بد نیست در همین جا این نکته را یادآور شویم که وضعیت کنونی توزیع، به یکی از وجوه و موضوعات مشخص تضاد میان جناح‌های رژیم تبدیل شده است؛ بنحوی که نمود عینی آن را در طرح مستمر موضوع در مجلس ضد خلقی می‌توان دید که هرازگاهی نیز، جناح‌های رقیب، تعدادی پرونده‌ی دزدی از

می‌شود، ضمن اینکه در چپاول و سرکوب مردم با جناح دیگر اختلاف اساسی ندارند، اما پیش‌از این رها کردن قیمت‌ها را بلحاظ سیاسی فاجعه برای کلیت رژیم می‌دانند و با به رخ کشیدن ماجرای آزاد شدن قیمت برنج که قیمت آنرا در بازار آزاد در مرز کیلوئی ۸۰ تومان تثبیت نمود، چنین فاجعه‌ای را برای کلیه‌ی کالاها پیش‌بینی می‌کنند. در همین جا باید توضیح داد که اگر هرازگاهی یکی از ایادی رژیم (حتی خود خمینی) که به لحاظ چپاول مردم کاملاً به جناح چپاولگران و آخوندهای حوزه تمایل دارد، از برنامه‌های اضطراری دولت حمایت می‌کند، دقیقاً بخاطر ملحوظ نگاه داشتن عنصر مقدم سیاسی در شرایط بحرانی کنونی و ترس از آخر و عاقبت رژیم می‌باشد.

فقدان یک برنامه‌ریزی صحیح جهت توزیع و حمل و نقل کالا، باعث شده که فی‌المثل در همان زمانی که کامیون‌ها، سیمان "صوفیان" تبریز را به تهران می‌آورند، کامیون‌هایی، سیمان "آبیک" را به استان‌های آذربایجان شرقی و غربی برای توزیع و فروش حمل می‌کنند. و یا زمانی که آهن از مرکز و جنوب کشور به تهران حمل می‌شود، در همان زمان تریلی‌های حامل آهن از تهران به شهرهای مرکزی و جنوبی در حال تردد هستند که این مسئله شدیداً بر روی ظرفیت جاده‌های ترانزیتی کشور فشار می‌آورد.

سرنیزه و سرکوب (گشت انصارالله) تنها چاره رژیم برای مهار تورم؟!

به هر حال از آنجا که برای اقتصاد ورشکسته‌ی رژیم، آنهم در چنین شرایطی که خمینی خائنه به سیاست جنگ‌طلبانه‌اش ادامه می‌دهد و همچنین برای سیستم فاسد و پراز هرج و مرج و غارت توزیع رژیم، چاره‌ای وجود ندارد و تورم سرسام‌آور روزبروز بر پاورقی:

(۱): در حاشیه‌ی سیستم توزیع کشور باید به اوضاع نابسامان انبارداری کالا (از عرشه‌ی گشتی تا انبارها و مراکز نگهداری در شهرها) که بگرات باعث فساد شدن کالاها گردیده است و همچنین به وضعیت مضحک حمل و نقل کالا اشاره نمود. لازم به توضیح است که فقدان یک برنامه‌ریزی صحیح جهت توزیع و حمل و نقل کالا، باعث شده که فی‌المثل در همان زمانی که کامیون‌ها، سیمان "صوفیان" تبریز را به تهران می‌آورند، کامیون‌هایی، سیمان "آبیک" را به استان‌های آذربایجان شرقی و غربی برای توزیع و فروش حمل می‌کنند. و

یکدیگر رو کرده و تنی چند از سرشناس‌ترین غارتگران را معرفی می‌نمایند. اما در جوهر قضیه، جناح بازاربان و حوزه‌نشینان همکاسه‌ی آنها، دلیل اصلی این وضعیت را جیره‌بندی بودن برخی کالاها و دخالت دولت در امر توزیع می‌دانند و خواستار آزادی کامل توزیع توسط بخش خصوصی می‌باشند تا با فراغ خاطر بیشتر و در ابعادی وسیع‌تر، به غارت "خلق‌الله" بپردازند. اما جناح دیگر که یخ‌خصوص شامل کارگزاران دولتی از اغلب وزرای دولت گرفته تا استانداران و فرمانداران

راه‌سازی ۸۰۰ تومان به قیمت ۵۰/۰۰۰ تومان، لاستیک رنو ۴۰۸ تومان به قیمت ۲۰۰۰ تومان و هیلمن ۴۴۹ تومان به قیمت ۲۰۰۰ تومان، به فروش می‌رسد. (کیهان ۶۲/دی/۱۱)

جالب اینجاست طبق اعتراف کارگزاران رژیم، بدلیل رونق بسیار زیاد "بازار آزاد" و رسمی‌تر بودن نرخ کالاهای آن!! برخی تجار و فروشندگان، فاکتور فروش را طبق نرخ دولتی، به خریدار ارائه می‌دهند، اما در همانجا، تفاوت نرخ را با بازار آزاد، بصورت نقد و جدای از فاکتور،



یکی از دهها اتومبیلی که نخست‌وزیر جنایتکار خمینی در اختیار مزدوران گشت موسوم به "انصارالله"، جهت شناسائی و سرکوب کاسب‌های جزء و خرده‌پا قرار داده است! (کیهان ۵/بهمن/۶۲)

دامنه‌ی خشم و ناراضی مردم می‌افزاید، رژیم خمینی کماکان تنها چاره‌ی مقابله با گرانی و احتکار را، در شلاق زدن و جریمه و زندانی کردن کاسب‌های جزء و خرده‌پا یافته و آن را هم اینک با تشکیل گشتی‌های اختناق، موسوم به "انصارالله" بصورت ضربتی و سیستماتیک درآورده است. در واقع در رژیم ضدبشری و قرون‌وسطائی خمینی راه‌حل هر معضل و مشکل، از اعمال سرنیزه و زور سر در می‌آورد و گشتی‌های جدیدی جهت سرکوب، کارسازی می‌شود. همچنانکه رژیم، با سوءاستفاده‌ی ارتجاعی از فرهنگ اسلامی و به منظور گسترش هر چه بیشتر اختناق در تهران، "گشت بقیه‌الله" (گشتی‌های کمیته) و جهت مقابله با رزمندگان مجاهد "گشت انصارالله" (گشتی‌های سپاه) و برای حل مسئله‌ی سربازگیری و مبارزه با قاچاق موادمخدر و کنترل مرزها "گشت جندالله" (گشتی‌های ژاندارمری) و برای مبارزه با بی‌حجابی، "گشت یازدها" (مربوط به دادستانی دایره‌ی منکرات) و برای باصلاح مبارزه با منکرات، "گشت ارشاد" (مربوط به دادستانی اوین) و... را کارسازی نموده و اینک برای باصلاح مبارزه با گرانی و احتکار هم، "گشت انصارالله" - جدیدترین محصول ماشین سرکوب و اختناق خمینی - را بیرون داده است!

قدر مسلم اینکه این اقدام سرکوبگرانه جهت منحرف کردن افکار عمومی از دزدان درجه اول وابسته به رژیم و خارج کردن آنها از زیر تیغ می‌باشد و فارغ از برخی مانورها و تک‌مضرب‌های نمایشی و عوام‌فریبانه که احیاناً دامن یکی دو تا از وابستگان رژیم را بگیرد، اساساً بقیه‌در صفحه‌ی بعد

یا زمانی که آهن از مرکز و جنوب کشور به تهران حمل می‌شود، در همان زمان تریلی‌های حامل آهن از تهران به شهرهای مرکزی و جنوبی در حال تردد هستند که این مسئله شدیداً بر روی ظرفیت جاده‌های ترانزیتی کشور فشار می‌آورد و ضمن آنکه همین جابجائی‌های بی‌معمول کالاها را دیرتر از حد معمول و با قیمتی گرانتر وارد بازار مصرف می‌نماید، عامل مهمی نیز در شلوغی جاده‌ها و افزایش تصادفات محسوب می‌گردد.

(کیهان ۱۷/۱۰/۶۲)

"سیستم" توزیع کالا در رژیم خمینی

بقیه از صفحه قبل

رفسنجانی رئیس مجلس ضد خلقی که خود سهامدار چند شرکت تجاری بوده و باغات پسته‌اش از رونق زیادی برخوردار است - ضمن صحبت راجع به تورم با قاطعیت می‌گوید که: "بخش خصوصی کاملاً باید در میدان باشد، آزادی در تجارت، از

کاسب‌های خرده‌پا را شلاق کش خواهد نمود. (۱) والا تا زمانی که "بازاریان محترم" در جماران و قم با کیسه‌های پول به خدمت شیطان و اعوان و انصارش می‌رسند و تا زمانی که پاورقی:

(۱): برای نمونه بد نیست به یک قلم از اقدامات مشعش گشت سرگوبگر موسوم به "انصارالله" توجه نمائید: (اطلاعات ۱۴/۱۰/۶۲)

ضمناً بلحاظ عرضی سیگار نیز به جز تولید کارخانهی دخانیات، رژیم سالانه ۲۰ میلیارد نخ سیگار از خارج وارد می‌کند. (کیهان ۵/۱۱/۶۲)

سکه "بهار آزادی"

و شعبده‌بازیهای رژیم با آن!

اوائل بهمن رژیم اعلام کرد که بمناسبت سالگرد انقلاب، یک سری سکه‌ی طلا با نام "بهار آزادی" به بازار عرضه خواهد نمود. بهای هر سکه ۳۵ هزار ریال اعلام شد و رئیس کل بانک ملی اعلام کرد که طی سه روز ۱۶۰ هزار مشتری با پرداخت پول، جهت دریافت سکه ثبت‌نام نموده‌اند؛ یعنی در عرض سه روز ۵۶۰ میلیون تومان در خزانه‌ی دولت پول جمع‌آوری گردید! (کیهان - ۴/بهمن/۶۲)

بدنبال این جریان، دولت که بدلیل ورشکستگی اقتصادی و مخارج سنگین جنگ توان پرداخت حقوق اسفندماه کارمندان را نیز ندارد و برای تأمین آن لایحه به مجلس برده (مراجعه شود به لایحه‌ی متمم بودجه‌ی سال ۶۲) تصویب کرد که مسئله‌ی عیدی سالیانه‌ی کارکنان دولت را، با همین سکه‌ها حل و فصل نماید. به امید این مسئله که کارگزاران رژیم تنها در صورت "رضایت از خدمات" هر کارمند، این سکه را اعطا خواهند کرد! البته در همین حد نیز جناح‌های مختلف رژیم به این "حاتم‌بخشی" رضایت ندادند، منجمه یکی از اعضای مجلس ضد خلقی پیشنهاد کرد بهای تمام شده‌ی سکه را از کارمندان بگیرند و مزدور دیگری عنوان نمود که: "چه لزومی دارد که امسال تصویب کنیم

به تمام کسانی که در هر سطحی که حقوق می‌گیرند عیدی بپردازیم." و دست‌آخر نیز تبصره‌ای را به تصویب رساندند که براساس آن، سکه تنها به کارمندانی که حقوقشان کمتر از ۷ هزار تومان بود تعلق بگیرد! (کیهان - ۹ و ۱۱/اسفند/۶۲) بهر حال، گذشته از سیاست‌ها و توجیه‌تراشی‌های اقتصادی رژیم در بکاراندازی سکه‌های "بهار آزادی" و اینکه مرجعین نوکیسه‌چه امیدها و آرزوهائی برای آن درس می‌پروانند، به این نکته باید اشاره نمود که هنوز شعبده‌بازی خمینی با این سکه‌ها به پایان نرسیده و حضرات برای "ناپدید" کردن آنها، هنوز تردستی‌هایی در زیر کلاه خود دارند.

از جمله اعضای انجمن ضد اسلامی استانداری اصفهان در این راه پیشقدم شده و اعلام کرده‌اند که سکه‌های خود را به عنوان "هدیای ناقابل" برای "مخارج جنگ تحمیلی" به "دولت خدمتگزار" تقدیم می‌کنند! ایادی رژیم همچنین در پایان اطلاعی‌هی خود، راه‌اندازی این جریان را با ناشیگری تمام برملا نموده و گفته‌اند: "ما مطمئنیم هزاران هزار کارمند کشور، چنین خواهند کرد!" (کیهان - ۱۳/اسفند/۶۲) ولابد اگر چنین نکردند!...

اطلاعات نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز گردستان

عملیات مین‌گذاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه "سردشت"

از این عملیات در ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه صبح، یک دستگاه "تویوتا" پاسداران سرگوبگر خمینی در اثر برخورد و انفجار مین ضد خودروئی که توسط پیشمرگان مجاهد کار گذاشته شده بود، بگلی منهدم می‌گردد و در نتیجه دوتن از سرنشینان مزدوران نیز در دم بهلاکت رسیده و سه تن دیگر بشدت مجروح می‌گردند.

بنا به گزارش فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه سردشت در تاریخ ۳/اسفندماه جاری پیشمرگان مجاهد خلق هم‌زمان با سلسله تهاجمات گسترده و انقلابی خود بر روی پایگاه دشمن ضد خلقی واقع در ارتفاعات "کوه نوری" در منطقه سردشت، اقدام به عملیات مین‌گذاری در تنها جاده‌ی تدارکاتی دشمن بین پایگاه‌های "نوری" و "برده‌بنگه" واقع در این منطقه می‌نماید. روز بعد

مجاهدین خلق ایران مرکز گردستان - ۵/اسفند/۶۲

عملیات مین‌گذاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه "سردشت" و به‌هلاکت رسیدن ۱۱ تن از پاسداران جنایتکار خمینی و انهدام کامل یک دستگاه خودروی "زیل" دشمن

خودروی "زیل" دشمن در اثر برخورد با مین‌های فوق‌الذکر بگلی منهدم گشته و کلیه سرنشینان جنایتکار آن که ۱۱ پاسدار ضد خلقی بودند، به‌هلاکت رسیدند. مجاهدین خلق ایران مرکز گردستان - ۱۶/اسفند/۶۲

پیشمرگان مجاهد خلق روز جمعه دوازدهم اسفندماه جاری در جاده‌ی حدفاصل پایگاه‌های "برده‌سور" - "برده‌رش" در منطقه "آلان" سردشت مین‌گذاری کردند. در ساعت ۱۱ صبح روز ۱۳ اسفندماه جاری یک دستگاه

اصول اولیه‌ی ماست. (اطلاعات ۲۲/۸/۶۲). دامنه‌ی فساد در سیستم توزیع کشور روز بروز گسترش بیشتری خواهد یافت و برای درمان آن چاره‌ای جز خشکاندن ریشه‌ی اصلی آن، یعنی ساقط کردن رژیم ضد خلقی و چپاولگر خمینی نخواهد بود!

"گشت انصارالله" سیگار فروش‌های خرده‌پا را شلاق می‌زند و جریمه می‌کند، در حالیکه دیگر کاملاً روشن است که کلیه‌ی مراحل کار توزیع سیگار در دست خود ایادی رژیم بوده و به گفته‌ی مشکینی جنایتکار حتی در جنبه‌ها نیز قاچاق می‌شود. اینهم گوشه‌ی تلخی از واقعیت زندگی در رژیم ضد خلقی خمینی است که کارگران زحمتکش دخانیات، اعتصابشان توسط رژیم سرکوب می‌شود و اینطرف هم خرده‌پای توزیع‌کننده‌ی سیگار، بدست مزدوران سرگوبگر رژیم در ملاء عام شلاق می‌خورد! جالب اینجاست "دادسرای انقلاب اسلامی امور صنفی تهران" که عوام‌فریبانه "گشت انصارالله" براه انداخته، حتی قادر نیست نقش دلال‌صفتانه‌ی خود را در حق‌السهم گرفتن و فراری دادن محکومین اصلی، مخفی نگاه دارد. منجمه اخیراً در جریان

کشف ۱۲ هزار گارتن چینی‌آلات که توسط کمیته‌ی ضد انقلابی گرج، در انباری واقع در "خزانه‌ی" تهران کشف شده بود، از آنجا که این حجم قابل توجه از گالای خانگی توسط باند بازاریان خمینی موسوم به "تعاونی چینی‌فروشان" احتکار شده بود، تا در فرصت‌های مناسب به چندین برابر قیمت در بازار سیاه به فروش برسد، لذا دادسرای امور صنفی تهران شبانه دستور تخلیه‌ی انبار فوق را صادر نمود، بنحوی‌که صبح اول وقت که مزدوران کمیته‌ی گرج برای تعیین تکلیف کشف بزرگ خود، به سراغ انبار رفتند، حتی یک گارتن کوچک چینی‌آلات نیز در آن پیدا نکردند! مشروح این جیم‌زبان بازی باندهای غارتگر ارتجاع و همچنین سرشاخ شدن کمیته‌ی گرج و دادسرای صنفی تهران در گیهان ۷ و ۱۰ دی و ۱۸ بهمن به چاپ رسیده، که ضمن آن منجمه کمیته‌ی گرج اظهار داشته که دادسرای صنفی تهران با این رودست‌زدن، "بروی" کمیته‌ی گرج را برده است!

اطلاعات بحکم دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی:

۳۲ سیگار فروش متخلف شلاق خوردند

- ۳۲ سیگار فروش متخلف بحکم حاکم شرع دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی تهران هرکدام به ۱۵ تا ۲۰ ضربه شلاق و زندان ۱۰ ماه محکوم شدند.
- دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی در این باره اعلام کرد:
- این دادگاه و دادسرا از مردم هوشیار و حینت‌ورسعه تهران تقاضا دارد که تخلفات صنفی را به ستاد مای مبارزه با کلاهبرداری و احتکار صنفی ۲۵ گانه پلیس قضائی و ستاد گشت انصارالله اطلاع دهند تا از این طریق مبارزه با تورم اقتصادی را املا ببخشند.
- حین دادگاه و دادسرا آنگاه اساسی ۳۲ گرانفروشی متخلف امور صنفی را با ذکر تخلف و جرائم آنان با شرح زیر اعلام کرد:
- الیاس عباسی فرزند نور محمد پیرم گرانفروشی به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- علی پیرم گرانفروشی به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- سوسد رشیدی فرزند پشپار پیرم گرانفروشی به ۱۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- پیرم جعفری فرزند اکبر پیرم گرانفروشی به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- امیرعلی نوری فرزند سید پیرم گرانفروشی به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- باباله رضائی فرزند نسران پیرم گرانفروشی به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- محمد رضائی فرزند نسران پیرم گرانفروشی به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- حسن شهبان فرزند باباناهی پیرم گرانفروشی به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- طاهر محمدی فرزند محمد صادق به جرم گرانفروشی سیگار به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- مهدی حمیدی فرزند محمدآقا به جرم گرانفروشی سیگار به ۴۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- احمد ملکی فرزند نظامی به جرم گرانفروشی سیگارها به ۲۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- رضا مرعشائی فرزند سینا به جرم گرانفروشی سیگارها به ۲۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- کاظم صفی‌پور فرزند علی‌یار به جرم گرانفروشی سیگار به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- محمد حمزه‌زاده انصاری فرزند زهد به جرم گرانفروشی سیگار به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- نظرااله شیخ‌زاده فرزند قاسم به جرم گرانفروشی سیگار به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- مسجد حسین دهقانپور فرزند احمد پیرم گرانفروشی سیگار به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- محمد دهقانپور فرزند نرالله پیرم گرانفروشی به ۲۰ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- طی بهرامی فرزند بهرامی پیرم گرانفروشی سیگارها به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- طی‌اکبر نظری فرزند بهرامی پیرم گرانفروشی سیگار به ۱۵ ضربه شلاق و حبس سیگارها به نفع دولت محکوم شد.
- پرویز حویلی‌پور کی فرزند حسینعلی پیرم گرانفروشی

حتی رژیم تا حد باز کردن در پاکت‌ها و یا فروش دانه‌ی سیگار پیش رفته و... تا بحال صدها بار در مجلس ضد خلقی راجع به آن صحبت شده، وزرای ذریبط برای پاسخگویی به "مجلس" احضار شده‌اند، در مصاحبه‌های گوناگون عنوان شده و خلاصه اینکه ریش‌وقیچی دست خودشان است و می‌پرند و می‌روند و اساساً کانال‌های اساسی توزیع و از همین‌رو تمام زمینه‌های چپاول دست خودشان است... اما

ملاحظه می‌کنید، ۵ سال است رژیم می‌خواهد مسئله‌ی توزیع سیگار را حل کند. تا بحال چندین طرح ارائه شده، ابتدا بصورت سهمیه‌بندی و از طریق دفترچه‌ها، پس از مدتی بصورت آزاد، اخیراً هم بصورت نیمه‌جیره‌بندی و نیمه‌آزاد. در همین حال به مغازه‌ها هم به شرطی سیگار داده می‌شد که "لیست افراد سیگاری را، شوراهای اسلامی محله‌ها و مساجد تأیید کنند!"

سروده‌های مقاومت

بیا که هیمة پائیز را،

برافروزیم

کمال رفعت صفائی

شود که باز، گل آرد، بهارِ یارانم
شود، سپیده نشیند، کنارِ یارانم

من از جنونِ سیاهی، کجا و کی، ترسم
کنون که نقره بپاشد، غبارِ یارانم

سرِ سگوت ندارم، مرا رها سازید
کنارِ رود رها، بی‌قرارِ یارانم

بگو که باز بیاید، شکوهِ آزادی
بگو که لاله بریزد، به دارِ یارانم

کجا به خاک نهان شد، کجا و کی، آیا؟
که تا سپیده، نیابم، مزارِ یارانم

کنون به خانه نگریم، که گریه‌کاری نیست
سلاحِ جنگ بگیرم، که یارِ یارانم

بگو به بند نبندد، دهانِ دریا را
که خامشی نشناسد، شعارِ یارانم

نگر که مدعیان، در رگابِ آرامش
نگر به بستر خون، انفجارِ یارانم

نگر به دره‌ی شب، این سقوطِ دجالست!
نگر که گل دهد، آه، انتظارِ یارانم

بیا که هیمة پائیز را، بر افروزیم
به رقصِ شعله برآید، بهارِ یارانم

اسفند ۶۲

بهار سبز انسان

م. ش

که در قلب تاریخ
چهره‌های نجابت و
ایمانند

با تو...

از درد

شادی

عشق

حماسه،

از چپاول غاصبان عشق

در چارسوق ساکت شهر

آه، ای دوست!

ای نازنین

گیرم که قانون شیطان

شلاقش را

بصدا درآورد

بهار سبز انسان

هماره پابرجاست

خروش خلق

در بستر شکفته‌ی فریاد

آغاز فصل رهائی را

بر کتیبه‌ی تاریخ

تدارک می‌بیند

بهمن - ۶۲

چشم انتظار حادثه‌ام

جائی که جانان

خورشید را،

با دشنه‌های خشک تعصب

به خاک می‌سپارند

و نوزادِ عشق را

بی‌هیچ خاطری

بر چکادِ مسلخِ شب

سرمی‌برند

گویا

انگار نه انگار

زمینی نه،

آسمانی هست

ای دوست!

ای نازنین!

"جائی که جنگ

نعمت است

و جلا

ستایشگر آزادی‌ست"

من با تو

از نوازش شلاق

سخن می‌گویم

با تو

از نخلستان‌های سبز جنوب

از زمزمه‌های جاری کودکان لب شط.

بهارانه

م. بارون

و خورشید

قامت نارنجی سرزمینمان خواهد شد

آنگ:

که دست‌ها مان پرچم!

سرها مان شعله!

سینه‌ها مان سرخ!

ساق‌ها مان سبز!

و خاکمان آبستن یک جنگل ستاره باشد

زمستان ۶۲

بهارانه می‌روئیم!

بهارانه با نسیم می‌خوانیم

و بهارانه با گیجگاهی خونین

در باد و باران و ابر

جان می‌دهیم

و با اشعه‌ی روشن سرب‌ی سلاحمان

چون قوسی از سپیده

بر سیاهه‌ی فصل‌های تیرهای خلاص

با شتابی بهارانه

می‌تازیم

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز؛
بنابه ضرورت و اهمیت پیام‌ها، مطالب این هفته‌ی صفحه‌ی پاسخ به نامه‌ها را به درج قسمتی از پیام‌ها اختصاص داده‌ایم که ذیلاً ملاحظه می‌کنید:

۱ - * تهران، برادر "عباس کریمی"؛ خبر وصل شدن شما را به یک هسته‌ی مقاومت، دریافت کردیم. جهت فعال‌تر کردن رابطه‌ی خود با هسته‌ی مذکور، ضمن آماده کردن امکانات ارتباطی، به نکات زیر توجه کنید:

۱ - گوش کردن رادیو مجاهد را در برنامه‌ی روزانه‌ی خود قرار دهید و خطوط و رهنمودهای داده شده را با مشورت مسئولان، متناسب با وضعیت شغلی و اجتماعی خود پیاده کنید.

۲ - گزارش کار خود و هسته‌تان را هر هفته با جوهر نامرئی نوشته و برایمان ارسال دارید. با حفظ هوشیاری انقلابی، حداکثر استفاده را از امکاناتی که در اختیار دارید، بنمائید.

۳ - رهنمودهای این پیام را به بقیه‌ی افراد هسته برسانید و متذکر شوید که در نامه‌هایی که ارسال می‌کنند، اطلاعات زنده‌ی مستقیم یا غیرمستقیم را بنحوی بنویسند که در صورت لو رفتن ردی از شما، بقیه‌ی افراد بدست دشمن نیفتند.

* خواهر "ظاهره رضائی R215"؛ ضمن به کار گرفتن رهنمودهای خواهر "سهلا"، توجه‌تان را به رهنمودهای زیر جلب می‌کنیم:

۱ - در رابطه با رعایت مسائل امنیتی و توجه به واقعیت‌ها و حفظ هوشیاری انقلابی، به توانائی‌های رژیم، بیش از حد بها ندهید.

۲ - تصمیم بر این است که شما نزد خواهر "حمیده" بروید. بنابراین لازمست که از هم‌اکنون امکانات لازم را جهت این مسافرت فراهم کنید. در ضمن کلیه‌ی تجارب ارتباطی و نحوه‌ی فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی را به خواهرتان آموزش دهید تا پس از مسافرت شما، او بتواند مسئولیت هسته‌ی مقاومتی را که شما مسئولش بوده‌اید، به عهده گیرد.

۳ - تا حل نهائی مسئله‌ی مسافرتتان، ضمن گوش دادن به رادیو مجاهد، گزارش هفته‌ی

خود را برایمان بنویسید. خواهرتان نیز بصورت جداگانه برایمان گزارش بنویسد.
۴ - با ضبط و پیاده کردن رهنمودها و آموزش‌هایی که از رادیو می‌گیرید، سطح فعالیت‌های هسته‌تان را ارتقاء دهید و مطالب آنرا در اختیار افراد هسته و همچنین سایر هسته‌های مقاومت قرار دهید. توجه شما را به رعایت مسائل امنیتی در این زمینه جلب می‌کنیم.

* تهران - برادر "ایرج طاهری M421"؛ نامه‌ی جالب و ارزشمند شما بدستمان رسید و در جریان مسائل و مشکلات شما قرار گرفتیم. برای تفهیم و تفاهم بیشتر و بالا بردن کیفیت کار، به رهنمودهای زیر توجه کنید:

۱ - از این پس علاوه بر ارتباطات ویژه، پیام‌های رادیویی نیز برای شما داده می‌شود و از آنجا که این پیام‌ها حاوی تذکرات و خطوط کار شما می‌باشد، لازم است که همواره به رادیو گوش دهید و خطوطی را که داده می‌شود، متناسب با شرایط خود اجرا نمائید.

۲ - گزارشی که نوشته بودید جالب بود، منتها توجه کنید که رعایت عادیسازی در شیوه‌ی نامرئی نویسی را، بنمائید. در این قبیل نامه‌ها نیابستی هیچگونه آثاری از نامرئی نویسی، روی نامه باقی بماند. در ضمن گزارشات خود را تاریخ و شماره بزنید.

۳ - در گزارشات هفته‌ی خود، دقت داشته باشید که هیچگونه سرنخی از خود بدست ندهید. در این زمینه می‌توانید در گزارشات خود از کلمات رمز استفاده کنید. توجه داشته باشید که در این صورت، بدون اطلاع قبلی به ما، کلید آنرا نفرستید.

۴ - اگر حجم گزارشاتتان زیاد بود، هر کدام را تقسیم کرده و هر قسمت را مشابه گزارش اخیرتان ارسال کنید.

۵ - قطع موقتی فعالیت هسته، بدلیل مسائل امنیتی کار درستی بوده است. کار اصلی مقطعی‌تان را به طرق دیگر به اطلاع شما خواهیم رسانید.

۶ - شماره‌ی ۳۹۵۴۳۸ را یادداشت کنید تا بعداً در مورد استفاده‌ی آن توضیح دهیم.
۷ - سعی کنید شماره تلفن‌های دیگری جهت سهولت

و گسترده‌تر کردن ارتباطات، تهیه و به ما بدهید.

* هسته‌ی مقاومت "م-۱۵۵"؛ خواهر آذر که جهت وصل ارتباط با سازمان اخیراً به کردستان آمده است، پیام زیر را برای شما داده است: "ضمن سلام و آرزوی موفقیت برای همگی شما، خواهر زری با شما تماس خواهد گرفت. به رهنمودهای ایشان بدقت توجه کرده و از آنها جهت پیشبرد کارهایتان استفاده نمائید."

* برادر "نادر ۲۵ - NG"؛ برای شما آرزوی موفقیت می‌کنیم و امیدواریم که همچنان استوار و مقاوم در جهت حل مشکلاتی که با آن درگیر هستید، به مبارزه ادامه دهید. به نکات زیر توجه کنید:

۱ - با توجه به دستگیری اخیر یکی از افراد خانواده‌تان، لازم است که در اسرع وقت و بدون هیچگونه تردیدی از زیر اطلاعات وی خارج شده و با صرف انرژی لازم، کلیه‌ی امکانات غیرخانوادگی خودتان را بررسی کرده و بهترین آنها را مورد استفاده قرار دهید. این امکان جدید بایستی کاملاً سفید بوده و تا بحال مورد استفاده قرار نگرفته باشند.

۲ - پس از رفتن به محل جدید، با امکانات قبلی خود تماس برقرار نکنید و آدرس محل جدید را نیز در اختیار کسی نگذارید.

۳ - با توجه به وضعیت فعلی‌تان، رفتن به منطقه را مورد ارزیابی قرار داده و اقدامات لازم را در این زمینه بنمائید.

۴ - سعی کنید با پیدا کردن یک محل جدید برای تماس، اختلالات ارتباطی خود را با ما حل نموده و در صورتی که به محل مناسبی جهت تماس دسترسی ندارید، از طریق تلفن تعمیرگاه آقای صمدی، ارتباط خود را برقرار نمائید.

* خواهر "S.M" از هسته‌ی "مقاومت" M.S.F؛ با دریافت نامه‌تان در جریان دستگیری خواهر "ب" قرار گرفتیم. بکارگرفتن دستورالعمل‌های زیر برای حفظ هسته ضروریست:

۱ - در اسرع وقت، مناسبات خود و هسته‌تان را از زیر اطلاعات خواهر "ب" خارج کرده، برای بستن کانال‌های ضربه، با قاطعیت ردهایتان را پاک کنید.

۲ - در مورد فرد مشکوکی که در نامه‌تان اشاره کردید، اگر همچنان به وی مشکوک هستید، بنحوی که متوجه حساسیت شما نشود، در اسرع وقت و یکباره ارتباط خود

را با او قطع کنید و از زیر اطلاعات او نیز خارج شوید. در این رابطه مشخصات فرد مذکور را برای دوستان در خارج نوشته و از ایشان بخواهید که آنرا برای ما بفرستد. برای وصل مجدد خودتان نیز از طریق دوستان اقدام کنید.

۳ - گزارش مشروحو از فعالیت‌ها، تاریخ و پروسه‌ی شکل‌گیری هسته و همچنین وضعیت افراد و سازماندهی هسته و مشکلاتی که با آن مواجهید، برایمان نوشته و از طریق ذکر شده برایمان ارسال نمائید.

۴ - در نوشتن ردهای خود از جمله شماره تلفن‌ها، به ضوابط امنیتی بهای کافی بدهید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

* پاریس - خانم "مینا-ق"؛ دومین نامه‌ی شما رسید. طبیعی است که در پاسخ قبلی نتوانستیم به ترتیب مشروحو که برای شما قانع‌کننده باشد، جواب سوال شما را بدهیم. ولی باز هم اجمالاً عرض می‌کنیم:

اولا - اگر خط استراتژیکی مجاهدین، سرنگونی رژیم خمینی از طریق آزادسازی منطقه می‌بود، شاید شما حق داشتید همچنانکه در نامه‌ی دوم خود گفته‌اید، بنویسید. حال اینکه ابتدا باید به این مسئله پرداخت که اصولاً مجاهدین چرا به منطقه رفتند. تنها پس از پاسخ به این سؤال می‌توان در چارچوب استراتژیک مجاهدین، معیارهای ضروری برای سنجش پیشرفت‌ها و پسرفت‌ها - البته آنهم بطور موضعی - را بدست آورد.

ولی کاملاً پیداست که شما اکنون چنین معیارهایی را در اختیار ندارید. اضافه بر این به نظر می‌رسد که مسئله را در کادر سیاسی - استراتژیکی - منطقهای آن نیز ندیده‌اید. و الا شما نیز قطعا به ثمرها و راندمان کیفی آن در چارچوب استراتژی مجاهدین، پی می‌بردید.

ثانیاً - گفته‌اید که چنین ارزیابی‌هایی: "حتی در رابطه با کل مبارزات اخیر نیز جای حرف بسیار دارد..." به نظر ما مشکل اصلی شانیز در همین جا نهفته است. یعنی به نظر می‌رسد که مسئله‌ی شما مقدماً در "کل مبارزات اخیر" می‌باشد.

خانم گرامی، اگر چه ما شما را نمی‌شناسیم و اصولاً برای خود صلاحیتی قائل نیستیم که شما یا هر کس دیگری را به شرکت عینی در امر مبارزه و

انقلاب و آشنا شدن با مسائل و پیچیدگی‌های آن دعوت کنیم، ولی در این رابطه فقط توصیه می‌کنیم که برای حل و فصل مسئله‌ی مشخصی که اشاره کرده بودید، ابتدا در رابطه با "کل مبارزات اخیر" به تحلیل و تعمیق بکشینید. زیرا بدون عبور از مسائل ساده‌تر و اساسی‌تر، نمی‌توان به حل مسائل پیچیده‌تر نائل گردید. البته بدیهی است که مقدم بر همدی این چیزها، انسان بایستی به ضرورت ایدئولوژیکی مبارزه و انقلاب رسیده باشد.

* کلن - برادر "رضان"؛ انگیزه‌ی انقلابی شما را در اعلام آمادگی برای انجام کارهای یدی ارج می‌نهیم. از شما می‌خواهیم ضمن مراجعه به خواهران و برادران انجمن در نزدیکترین محلی که هستید، رابطه‌ی خود را با آنها تقویت کنید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم.

* برادر "رشید ۳۲۱"؛ با توجه به دستگیری احتمالی برادر "ب"، به رهنمودهای زیر عمل کنید:

۱ - از زیر اطلاعات و مکانهایی که برادر "ب" می‌شناسد، خارج شوید.

۲ - با شماره تلفنی که از ما در اختیار دارید تماس بگیرید و جهت وصل مجدد، شماره تلفن خود را بنحوی که صلاح میدانید به ما بدهید.

۳ - سعی کنید با شیوه‌ای مناسب، خود را به آقای "غفور" یا "رسول" برسانید. برای اینکار لازم است که تحرک بیشتری از خود نشان دهید. مطمئن باشید که با برخورد خلاق و بکارگیری قدرت ابتکار خود، قادر خواهید بود موانع را برطرف نمائید.

* خواهر "منصوره منصوره"؛ پیامی را که در تاریخ ۱۹/بهمن/۶۲ برای آقای فرهاد" فرستادید، بدستمان رسید و در جریان مسائل شما قرار گرفتیم. قبلاً نیز توسط "برادر علی" در جریان مسائل شما بودیم. برای وصل مجددتان، در اولین فرصت با منزل "آقای فرهاد" تماس گرفته و شماره تلفن جدید خود را از آن طریق به ما برسانید. در نظر داشته باشید که بایستی شماره تلفن خود را با شماره‌ای که "علی‌آقا" به شما داده بود - شماره‌ی هماخانم - جمع کنید. ضمناً می‌توانید آدرس ما را از برادر "حسن" گرفته، برایمان نامه بنویسید. منتظر پیام‌های بعدی شما هستیم.

دیدار سخنگوی حزب لیبرال در امور خارجی

و نماینده مجلس عوام انگلستان با برادر مجاهد مسعود رجوی

بقیه از صفحه ۳۴

ایران را اعلام داشت. حزب لیبرال انگلستان قریب به ۱۶۵/۰۰۰ نفر عضو دارد و در آخرین انتخابات (ژوئن ۱۹۸۳) قریب به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار رأی آورد. این حزب هم‌اکنون حائز ۴۳ کرسی در مجلس لردها و ۱۹ کرسی در مجلس عوام می‌باشد و سومین حزب پر قدرت انگلستان است.

حزب لیبرال مخالف با صدور هر نوع سلاح به کشورهایی که دارای رژیم دیکتاتوری هستند، می‌باشد و در رابطه با مسائل خاورمیانه معتقد است که صلح واقعی در صورتی بوجود می‌آید که حق مراجعت فلسطینی‌ها به میهن اولیه‌شان محترم شمرده شود. این حزب، سازمان آزادیبخش را بعنوان تنها نماینده مردم فلسطین می‌شناسد.

در اوایل سال ۶۱ هفت تن از نمایندگان عضو این حزب طی نامه‌ای خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی در رابطه با مسائل ایران، اعلام موضع نموده و از مقاومت عادلانه

مردم ایران و شورای ملی مقاومت حمایت کرده بودند. در شهریور ماه سال ۶۱ نیز، در کنفرانس سالیانه‌ی حزب لیبرال، نماینده‌ی شورای ملی مقاومت و نماینده‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران به دعوت این حزب شرکت نمودند. در کنار همین کنفرانس، جلسه‌ی ویژه‌ی نیز در رابطه با ایران ترتیب یافته بود که آقای جانستون لرد ایویری (عضو حزب لیبرال و نماینده‌ی مجلس لردها و رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان) و دیوید آلتون (نماینده‌ی پارلمان) در آن شرکت نمودند که به صدور قطعنامه‌ی مبنی بر محکومیت رژیم خمینی و نقض حقوق بشر در ایران منتهی گردید. در شهریور ماه سال ۶۲ نیز با توجه به لیست منتشر شده‌ی شهدا توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، کنفرانس سالیانه‌ی حزب لیبرال یک قطعنامه‌ی اضطراری در رابطه با جنایات رژیم خمینی صادر نمود و متعاقباً ۷ تن از نمایندگان این حزب در مجلس عوام و مجلس لردها، نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد

فرستاده و توجه اکید او به استمرار نقض حقوق بشر در ایران و ضرورت پیگیری این موضوع توسط دبیر کل را خاطرنشان نمودند.

همزمان با ۱۹ بهمن امسال نیز - سالگرد شهادت سردار شهید خلق موسی خیابانی و سمیل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی - لرد ایویری، دیوید آلتون و راسل جانستون، طی پیام‌های جداگانه‌ای برای برادر مجاهد مسعود رجوی ضمن اعلام مجدد حمایت خود از مقاومت مجاهدین، این روز تاریخی را گرامی داشته و برای مردم ایران صلح و آزادی آرزو نمودند.

شایان تذکر است که بخش جوانان حزب لیبرال نیز تاکنون فعالانه از آکسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در موارد مختلف، حمایت نموده است.

در آغاز سال ۸۳ حزب لیبرال انگلستان در مورد اخراج ایرانیان از آن کشور که پیش از آن در شورای حزب مطرح شده بود، ابراز تأسف نموده و قویاً اخراج هموطنان ایرانی که در معرض تعقیب و اعدام رژیم

خمینی بودند را محکوم نمود. شورای حزب بلافاصله از دولت انگلیس درخواست کرد که یک چنین سیاستی متوقف شود.

آقای جانستون که دارنده‌ی بالاترین رأی انتخاباتی در بین لیبرال‌هاست، شخصاً در شهریور ماه سال گذشته از دولت انگلیس تحریم ارسال سلاح برای رژیم خمینی را درخواست نموده و همچنین خواستار شده بود که هیچ ایرانی از انگلستان اخراج نشود. آقای جانستون همچنین نمایندگی پارلمان اروپا را در دوره‌ی قبلی به عهده داشت.

برادر مجاهد مسعود رجوی در دیدار با آقای جانستون از ابراز همدردی حزب لیبرال و شخص آقای جانستون و دیگر رهبران و مسئولان حزب با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران سپاسگزاری نمود و از تلاش‌ها و قطعنامه‌های آنان، در مسیر صلح و آزادی برای ایران و بویژه از توجه حزب لیبرال به وضع هموطنان تبعیدی ایرانی در انگلستان و تلاش‌های مربوط به ممانعت از اخراج و بازگشت دادن اجباری پناهندگان ایرانی قدردانی نموده و ادامه‌ی این کوشش‌ها را در جهت تأمین‌های هرچه بیشتر، خواستار گردید. وی همچنین ابتکار بسیار

مثبت آقای جانستون مبنی بر تحریم ارسال سلاح برای خمینی را ستود و از طریق سخنگوی امور خارجی حزب لیبرال درخواست کرد که دولت انگلستان باید هر گونه حمایتی از رژیم خمینی را متوقف سازد.

آقای جانستون تأکید نمود که مردم عادی انگلستان و هر تعمی بریتانیا، آشکارا مخالف خمینی است.

طی این ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی مشروحاً آقای جانستون را در جریان اوضاع ایران و مقاومت بر علیه رژیم بی‌ثبات خمینی فرار داده و افزود زمان آن رسیده است که از طریق شما و همچنین دیگر نمایندگان مجلس عوام و اعیان انگلستان، از دولت انگلیس بخواهیم که آشکارا جنگ‌طلبی خمینی را محکوم نموده و به درخواست‌های بین‌المللی ما در جهت مصونیت و قطع بمباران غیر نظامیان در جنگ ایران و عراق پاسخ مثبت دهد و صرفاً به برخورداری از مبادلات کلان با ایران اکتفا نکند.

آقای جانستون از توضیحات برادر مجاهد مسعود رجوی سپاسگزاری نمود و تأکید کرد که حزب لیبرال مسائل مطروحه را پیگیری خواهد نمود.



از ۲۵ اسفند تا ۸ فروردین ۱۳۶۳

- * ۲۶ اسفند (۱۳۴۹): شهادت ۱۳ فدائی خلق: علی اکبر صفائی فراهانی، جلیل انفرادی، احمد فرهودی، هوشنگ نیژی، اسکندر رحیمی، عباس دانش بهزادی، ماشاء الله مثیدی، هادی بنده خدا نگرودی، محمد علی محدث قندچی، اسماعیل معینی عراقی، محمد هادی فاضلی ناصر سیف دلایل صفائی و غفور حسن پور بدست دژخیمان شاه خائن.
- * ۲۷ اسفند (۱۳۵۷): انتشار بیانیه‌ی مجاهدین خلق ایران در باره‌ی رفتار دوم و انتظارات مرحله‌ای از جمهوری اسلامی
- * ۲۷ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق علی خورشادی زاده در درگیری با مزدوران خمینی جلاد
- * ۲۸ اسفند (۱۳۵۳): شهادت مجاهد خلق حسین دیباج
- * ۲۸ اسفند (۱۳۵۷): آغاز درگیری‌های خونین سنج
- * ۲۸ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهد خلق عصمت شریعتی (گوشالی) در زندان اوین.
- * ۲۸ اسفند (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق

غلامرضا امینی فر

- * ۲۹ اسفند (۱۳۲۹): ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور
- * اول فروردین (۲۱ مارس ۱۹۶۸): نبرد گرامه، نقطه‌ی عطفی در تاریخ مقاومت فلسطین
- * اول فروردین (۱۳۵۸): درگیری‌های خونین در گنبد
- * اول فروردین (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: فرمانده محمود ملک مرزبان، جلیل سوادنی نژاد، احمد نیک‌اندیش، مرتضی سیاحی، پرویز آرین و فیض‌الله خدابخش
- * اول فروردین (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق حمیدرضا زاهدی
- * ۲ فروردین (۱۳۶۲): شهادت پیشمرگه‌ی مجاهد خلق محمد علی معدنچی (گاک سهراب)
- * ۶ فروردین (۱۳۶۰): شهادت میلشای قهرمان اصغر فلاحتی در قائمشهر
- * ۷ فروردین (۱۳۵۲): شهادت کارگر مجاهد علی اکبر ولی پور
- * ۷ فروردین (۱۳۵۹): قتل عام روستای "قلاتان" در کردستان
- * ۷ فروردین (۱۳۶۰): شهادت میلشای قهرمان اصغر اخوان قدس در زندان قزوین
- * ۷ فروردین (۱۳۶۱): عملیات پرسنل نظامی مجاهد خلق در پادگان لویزان
- * ۸ فروردین (۱۳۶۰): شهادت کارگر مجاهد خیرالله اقبالی نژاد
- * ۸ فروردین (۱۳۶۱): شهادت فدائی خلق محمد حرمتی پور
- * ۸ فروردین (۱۳۶۲): قتل عام روستاهای "گانی‌رش" و "پیران جیغ" در کردستان



دیدار سخنگوی حزب لیبرال در امور خارجی و نماینده مجلس عوام انگلستان با برادر مجاهد مسعود رجوی



آقای راسل جانستون نماینده مجلس عوام انگلستان و سخنگوی حزب لیبرال آن کشور در امور خارجی در دیدار با برادر مجاهد مسعود رجوی

هفته‌ی گذشته آقای راسل جانستون نماینده مجلس عوام انگلستان و سخنگوی حزب لیبرال آن کشور در امور خارجی که در عین حال رهبری حزب لیبرال در اسکاتلند را نیز به عهده دارد، با برادر مجاهد مسعود رجوی دیدار و گفتگو نمود. آقای جانستون پس از ۳۰ خرداد (۶۰) و آغاز مقاومت مشروع سراسری، بارها به مناسبت‌های مختلف دیکتاتوری و جنایات رژیم خمینی را محکوم نموده و حمایت خود از صلح و آزادی برای مردم ایران را اعلام کرده بود. همچنین آقای راسل جانستون از جانب حزب لیبرال، مکرراً حمایت خود از مبارزات عادلانه‌ی مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بقیه در صفحه‌ی ۳۵

نگاهی بدو سده‌ها و کمندها

کارگران در "تنور جنگ" خمینی

رژیم ضد بشری خمینی طی بیش از ۳ سال جنگ ضد خلقی خود، ندهتها با انهدام و به تعطیل کشاندن اکثر کارخانجات و مراکز صنعتی و کشاورزی موجبات بیکاری و آوارگی میلیون‌ها نفر از کارگران و کشاورزان کشور را فراهم نموده و هر روز زندگی سخت‌تر و جانفرساتری را بر همدی اقشار و طبقات جامعه و بویژه زحمتگشان شهر و روستا تحمیل نموده است؛ بلکه همانگونه که در شماره‌ی قبلی مجاهد به آن اشاره کردیم، همواره برای "گرم نگهداشتن تنور جنگ" ضد خلقی خود، محروم‌ترین اقشار جامعه را نیز مورد اخاذی قرار داده و به غارت دسترنج آنها پرداخته است. اما فشارها و سیاست‌های ضد مردمی خمینی بر علیه مردم محروم و ستمزده‌ی ما، در همین حد خلاصه نشده و دست‌اندرکاران جنایتکار رژیم، همواره تلاش نموده‌اند تا از هر طریق ممکن، منجمله با توسل به زور و اجبار، همدی اقشار جامعه بویژه کارگران را به جبهه‌های جنگ گسیل داشته و آنان را بگام مرگ بفرستند. فشارهایی که در این زمینه برای اعزام کارگران به جبهه‌ها از طرف مزدوران انجمن‌های ضد اسلامی و دیگر ایادی و عوامل اختناق رژیم در کارخانجات اعمال می‌شود، بحدی است که کمتر کارخانه و حتی کارگاه تولیدی کوچکی را می‌توان یافت که کارگران آن برای "رفتن به جبهه" تحت فشار قرار نگرفته و تعدادی از آنها به جبهه اعزام بقیه در صفحه‌ی ۱۰

* توجه *

شماره آینده نشریه مجاهد بعد از ایام عید نوروز منتشر خواهد شد

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:
انگلستان
BM BOX 9090
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

اتریش
Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان
Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه
B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:
فرانسه
B.P.18 95430
AUVERS_SUR_OISE
FRANCE

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002
در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبرونه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ی پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک:
 سه ماهه
 شش ماهه
 یکساله
معادل ۱۲ دلار
۲۳ دلار
۴۴ دلار